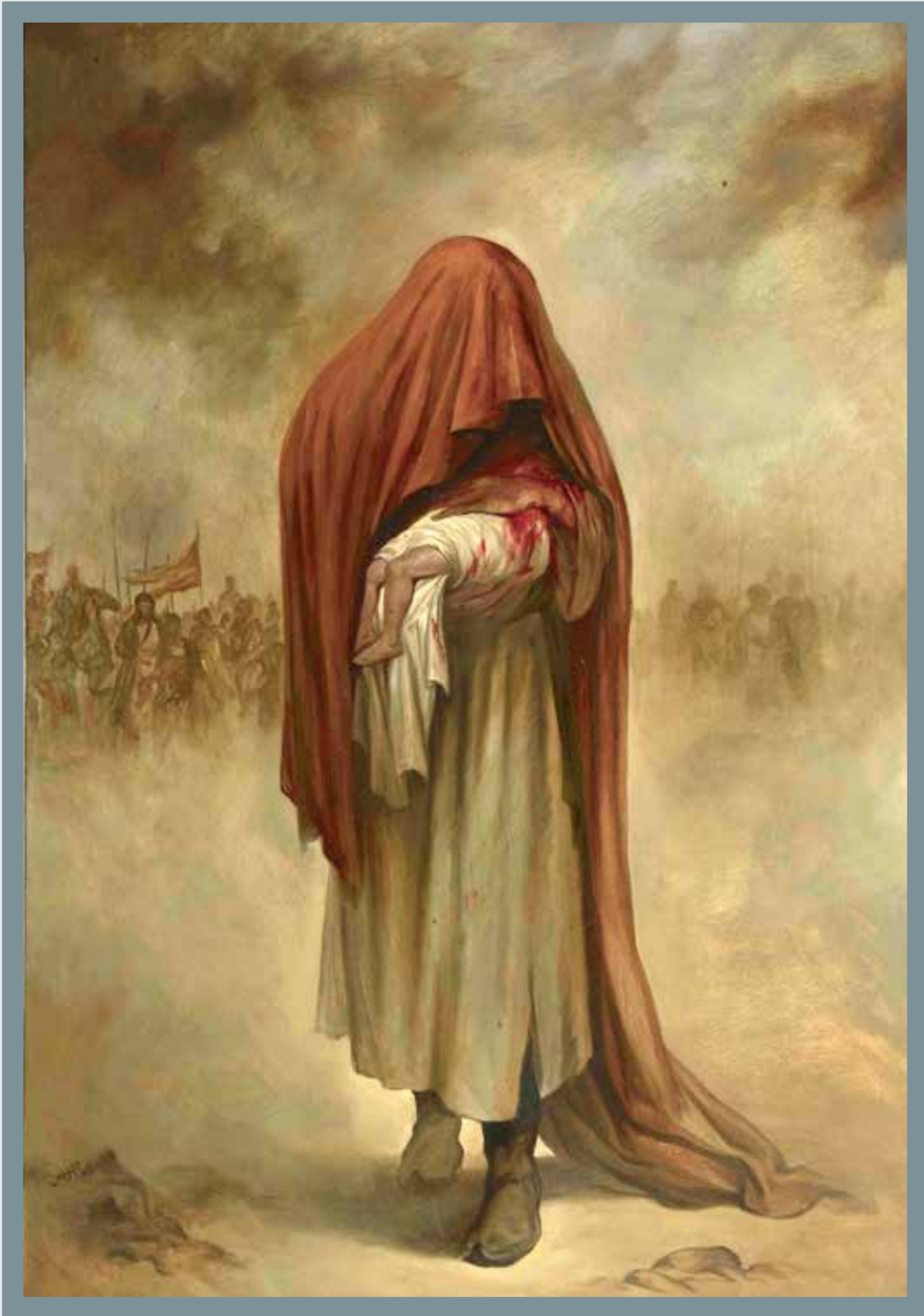


مرآت

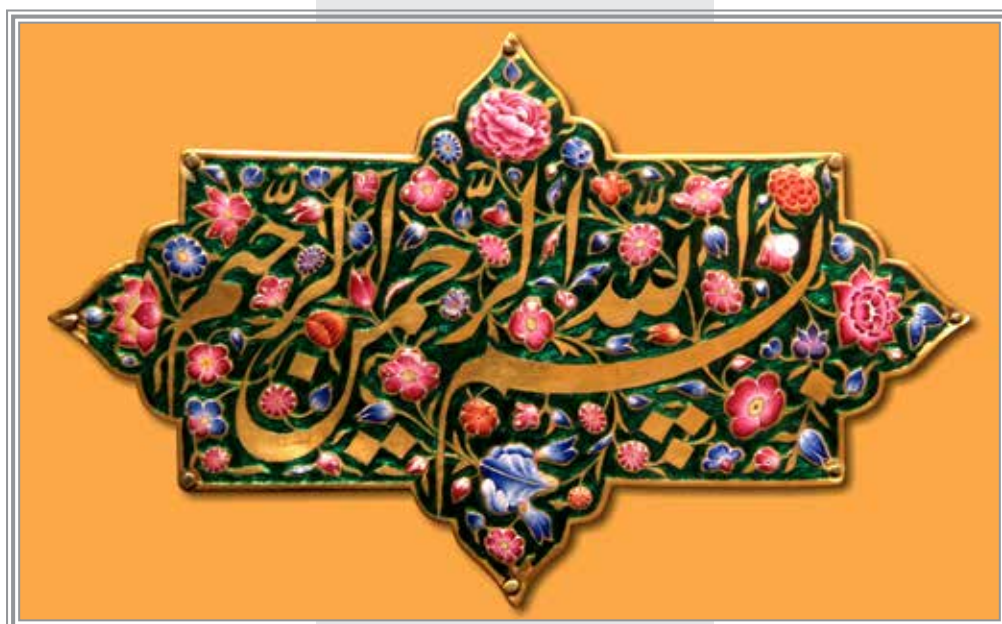


پاک بازان
راه خدا

- بنده خوب خدا
- جهل زدایی
- مظهر کامل عشق و عقل الهی
- حماسه حسینی
- آبی بر آتش
- اقاسلام! خوبی؟
- ما با هم زنده می مانیم



مُهرطومار خونین
اثر: حسن روح الامین - نقاشی روی بوم (۱۳۹۶)



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِفْتَاحُ کُلِّ کِتَابٍ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، کلید هر نوشته ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۶

آبی برآتش | ۳۸

راه نیکی | ۴۲

فرهنگ و هنر

آقا سلام! خوبی؟ | ۴۴

روزگار خشم | ۴۶

هیچ آتشی را بارای چیرگی بر ابراهیم نیست | ۴۷

همه مسئولند زنده بمانند و برای زنده ماندن

دیگران مبارزه کنند | ۴۹

روزگار ملک | ۵۰

مفهوم یابی بحران در قرآن | ۵۴

هلال

ما باهم زنده می مانیم | ۵۶

اولین جلسه کمیته موقوفات هلال احمر

برگزار شد | ۵۸

واکاوای جایگاه روانشناسی

در چرخه مدیریت بحران | ۶۰

روحیه مؤمنانه و خیرخواهانه او

در خاطرها باقی می ماند | ۶۲

یک آواز در هفت گوشه | ۶۳

تدوین برنامه اقدامات مشترک

حوزه علمیه و جمعیت هلال احمر | ۶۵

اخبار استان ها | ۶۷ تا ۷۸

۴۰ خشم دودی که به چشم خودمان می رود



خشم دودی که به چشم خودمان می رود

خشم دودی که به چشم خودمان می رود، در واقع یک نوع خشم است که در نتیجه دیدن اعمال نیک دیگران به وجود می آید. این نوع خشم، برخلاف خشم عادی، ناشی از احساس حقارت و کمبود است. در این مقاله، به بررسی علل و راهکارهای مقابله با این نوع خشم پرداخته می شود.

علل خشم دودی

این نوع خشم، معمولاً در افرادی که احساس کمبود می کنند، به وجود می آید. این کمبود می تواند در زمینه های مختلفی مانند توانایی ها، دستاوردها یا جایگاه اجتماعی باشد. دیدن موفقیت دیگران، این احساس کمبود را تشدید می کند و منجر به خشم می شود.

راهکارهای مقابله

برای مقابله با این نوع خشم، ابتدا باید علل آن را شناسایی کرد. سپس با تمرکز بر نقاط قوت خود و تلاش برای بهبود آنها، می توان این احساس کمبود را کاهش داد. همچنین، تمرین ذهن آگاهی و مراقبه می تواند به کنترل خشم و مدیریت احساسات کمک کند.

۴۸ چراغ های توشل به روی دست بگیرد



چراغ های توشل به روی دست بگیرد

در این مقاله، به بررسی مفهوم مسئولیت و نقش آن در زندگی می پردازیم. مسئولیت، به معنای پاسخگویی به اعمال و تصمیمات خود است. داشتن مسئولیت، به ما کمک می کند تا در زندگی خود موفق شویم و به دیگران کمک کنیم.

نقشه راه مسئولیت

برای داشتن مسئولیت، ابتدا باید به خود اعتماد داشته باشید. سپس با شناسایی وظایف خود، می توانید مسئولیت را به درستی انجام دهید. همچنین، با تمرین و تلاش، می توانید توانایی های خود را افزایش دهید و به دیگران کمک کنید.

فایده های مسئولیت

مسئولیت داشتن، به ما کمک می کند تا در زندگی خود موفق شویم. این موفقیت ها می تواند در زمینه های مختلفی مانند تحصیلی، کاری و خانگی باشد. همچنین، داشتن مسئولیت، به ما کمک می کند تا به دیگران کمک کنیم و به جامعه خود کمک کنیم.

۵۲ خطرات ایران؛ تکنیک های قصه گویی حرفه ای



خطرات ایران؛ تکنیک های قصه گویی حرفه ای

در این مقاله، به بررسی تکنیک های قصه گویی حرفه ای می پردازیم. قصه گویی، به معنای روایت کردن وقایع و اتفاقات است. این تکنیک، به ما کمک می کند تا وقایع را به شکلی جذاب و گیرا روایت کنیم و به دیگران کمک کنیم تا از تجربیات ما بیاموزند.

تکنیک های قصه گویی

برای داشتن یک قصه گویی حرفه ای، باید به تکنیک های مختلفی توجه کنید. این تکنیک ها شامل انتخاب موضوع مناسب، ساختار قصه، استفاده از جزئیات و ایجاد تعلیق است. همچنین، با تمرین و تلاش، می توانید توانایی های خود را افزایش دهید و به دیگران کمک کنید.

فایده های قصه گویی

قصه گویی، به ما کمک می کند تا در زندگی خود موفق شویم. این موفقیت ها می تواند در زمینه های مختلفی مانند تحصیلی، کاری و خانگی باشد. همچنین، داشتن مهارت قصه گویی، به ما کمک می کند تا به دیگران کمک کنیم و به جامعه خود کمک کنیم.

- مدیر هنری:
- روح اله یاقوتی
- صفحه آرایی:
- دفتر مشکا هنر
- چاپ:
- واژه پرداز اندیشه

- عکس جلد: صابر شیخ رضایی
- مسئول پشتیبانی: فیروز شیخی
- باسپاس از همراهی:
- حامد جلی، حسام خراسانی
- و مسئولان محترم فائز نمایندگی ولی فقیه
- در جمعیت هلال احمر استان ها

مهرماه از نوشته ها، پیشنهادها و انتقادهای شما استقبال می کند.
 لطفاً مطالب خود را به نشانی mehromah.helal@gmail.com ارسال فرمایید.
 نشانی: خیابان ولیعصر ۱۳۴، بالاتر از میرداماد، نبش خیابان رشید یاسمی
 شماره ۱۳۴۲ - ساختمان صلح | کد پستی: ۱۵۱۸۱۳۵۱۱
 سامانه پیامکی: ۰۳۰۰۴۶۶۶۴۴ | تلفن: ۰۱۱۳۶۰۸۸۲

یاری‌گری عنصر مهم واقعه عاشورا

حادثه کربلا و شهادت حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) از ابعاد مختلف و منظرهای گوناگون مورد واکاوی و بررسی قرار گرفته است. اما شاید از جنبه یاری‌گری مورد توجه نبوده است. یاری‌گری باطن فعالیت‌ها و اهداف جمعیت هلال احمر است. همه اهداف چهارگانه و اصول هفتگانه هلال در یاری‌گری خلاصه می‌شود. در واقعه کربلا، یک سو یاری‌کنندگان دین خدا و مکتب اسلام ناب و حقیقی قرار داشتند و سوی دیگر عده‌ای زیر پرچم خلیفه غاصب و برای تحکیم قدرت نامشروعش گرد آمده بودند اما هدفشان یاری نبود بلکه در پی کسب منفعت یا گریز از ضرر و آسیب بودند.

تلاش برای کسب منفعت یا جلوگیری از زیان را یاری کردن نمی‌دانیم. نشانه‌اش این که اگر فرد دیگری بیش از آنچه خلیفه یا عوامل او وعده داده بودند، پیشنهاد می‌داد طبعاً در زیر بیرق آن فرد دیگر جمع می‌شدند یا اگر قدرتی مافوق قدرت وی می‌شناختند از دور او پراکنده می‌شدند. این خاصیت جبهه باطل است که فاقد ارزش مشترک و پایدار است بلکه در آن مهم منافع مشترک است. با تغییر این منافع نیز جبهه‌آرایی آن تغییر می‌کند. در میدان حق اما ارزش‌ها محوریت دارند. ارزش‌ها دچار تغییر نمی‌شوند. در کربلا جدال بین منفعت و ارزش بود.

در نگرش ارزش محور جبهه حق، یاری کردن همان پیروزی است. یاری رساندن به منادی و مظهر ارزش‌ها عین پیروزی است. نصر (یاری کردن) همان نصرت (پیروزی) است. اگر امام مظلوم در روز داغ عاشورا در گرماگرم نبرد فریاد برمی‌آورد: هل من ناصرینصرنی (آیا یاری‌کننده‌ای هست که مرا یاری کند؟) دعوت یک امام است برای یاری‌کردن ارزش‌ها و لبیک به آن دعوت هم نصر است و هم نصرت.

راز ماندگاری عاشورا همین است که این نهضت، بر اساس یاری‌کردن ارزش‌ها شکل گرفته است. تا زمانی که ارزش‌های نظام خلقت پایدار است این قیام هم ایستاده است. یعنی تا ابد. ارزش در برابر منفعت قرار دارد. ارزش ماندگار و منفعت، موقت است. هرچه با منافع پیوند بخورد طبعاً مدت زمان محدودی اعتبار و دوام دارد و هر چیزی با ارزش‌ها بستگی پیدا کند لزوماً مانا و نامیرا خواهد بود.

چنین است که گریه بر امام حسین نیز یاری کردن اوست. هرچه که فضایل و ارزش‌ها ترویج شوند یاری امام حسین است. چنین است که تاریخ، زمین کربلا و زمان، عرصه عاشورا است. این جدال دایمی ارزش و منفعت تا ابد برقرار است. جدالی که یک سوی آن قابیل و یزید و سوی دیگر آن هابیل و حسین(ع) ایستاده‌اند.

یاسر احمدوند

سردبیر

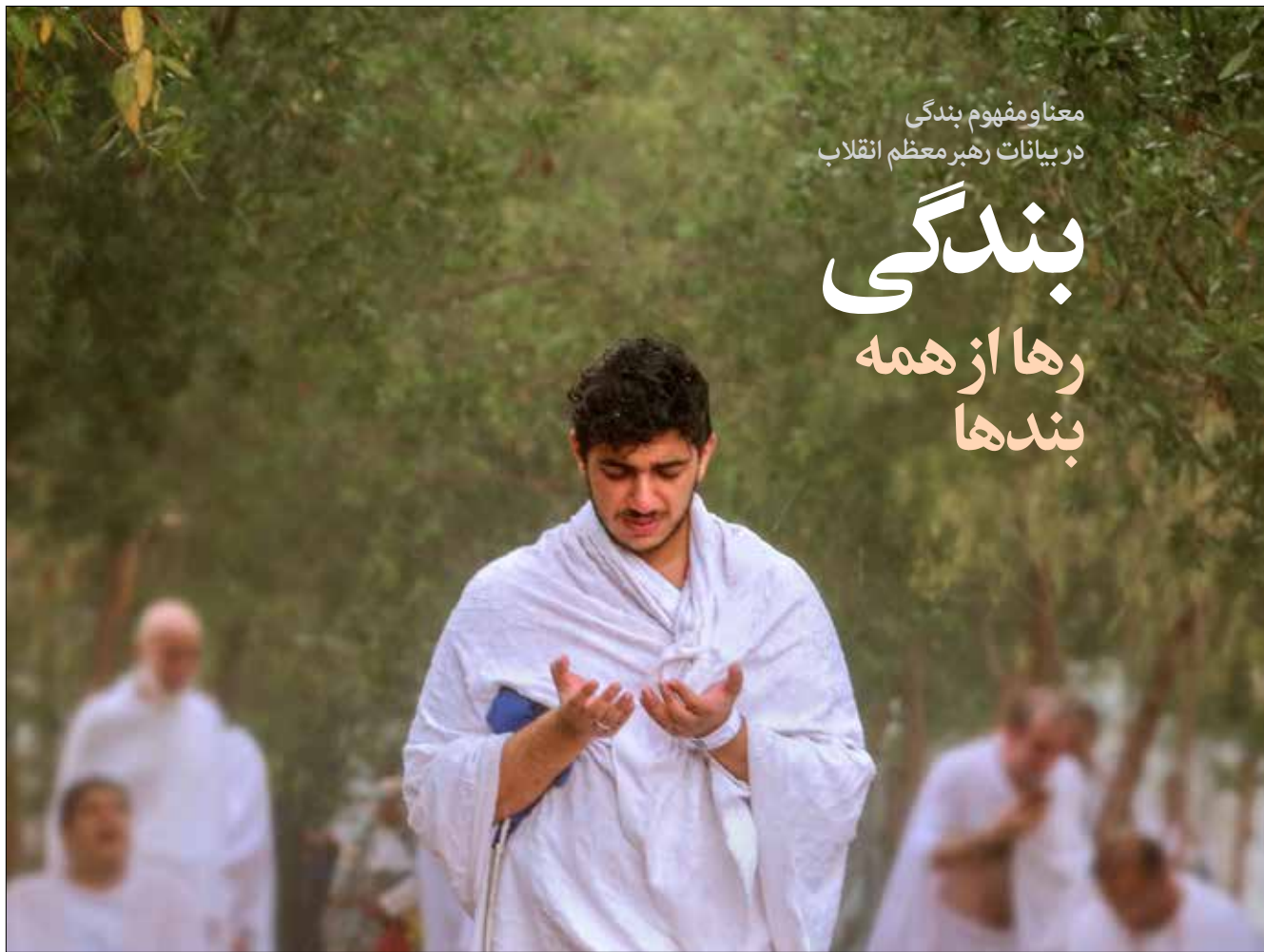
راهبرد

عبودیت به عنوان یکی از مفاهیم محوری در اسلام، موضوع این شماره از راهبرد است. در اولین مطلب این بخش، معنا و مفهوم بندگی در بیانات رهبر معظم انقلاب را که در مناسبت‌های مختلف ایراد شده است مرور می‌کنیم. ما در نمازهای یومیه بارها تکرار می‌کنیم که «ایاک نعبد» و در ادعیه نیز مکرر با موضوع بندگی و عبودیت مواجه می‌شویم. تفسیر «ایاک نعبد» و شرح حدیثی از امام کاظم (ع) درباره حق بندگی از نگاه رهبر معظم انقلاب مطلب بعدی این بخش است. بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) نیز در بسیاری از آثارش که از خود به جا گذاشته‌اند، اشاراتی به معنا و مفهوم عبودیت و بندگی داشته‌اند. در مطلب بعدی بخشی از کتاب «آداب الصلوة» را که به این مضمون پرداخته است، برگزیده‌ایم. شرح بندگی در روایات و هفت ویژگی عبد واقعی در کلام معبود مطالب دیگر این بخش هستند.

بندگی رها از همه بندها

گفتا تو بندگی کن؛ کو بنده پرور آمد

بنده خوب خدا



معنا و مفهوم بندگی
در بیانات رهبر معظم انقلاب

بندگی

رها از همه بندها

بنده سال‌ها پیش در نماز جمعه تهران، ده پانزده جلسه راجع به همین بحث آزادی صحبت کردم؛ آنجا به یک مطلبی اشاره کردم و گفتم ما در اسلام، خودمان را بنده خدا می‌دانیم؛ اما بعضی از ادیان، مردم و خودشان را فرزند خدا می‌دانند. گفتم این یک تعارف است؛ فرزند خدا هستند و غلام هزاران انسان، غلام هزاران شیء و شخص! اسلام این را نمی‌گوید؛ می‌گوید فرزند هر کس می‌خواهی، باش؛ فقط باید غلام خدا باشی، غلام غیر خدا نباید باشی. عمده معارف اسلامی که در باب آزادی وجود دارد، ناظر به همین نکته است.

❏ شکستن بت درون!

غرض اینکه روح عبادت، بندگی خداست. برادران و خواهران! ما باید سعی کنیم که روح بندگی را در خودمان زنده نماییم. بندگی، یعنی تسلیم در مقابل خدا، یعنی شکستن آن بتی که در درون ماست. آن بت درونی ما - یعنی من - در خیلی جاها خودش را نشان می‌دهد. وقتی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در مناسبت‌های مختلف درباره مفهوم عبودیت و بندگی سخنانی را بیان فرموده‌اند که در ادامه گزیده‌ای از آنها را می‌خوانیم:

❏ غلام غیر خدا نباش!

در اسلام مبنای اصلی آزادی انسان، توحید است. البته دوستان بعضی از موارد دیگر را هم ذکر کردند - آنها هم درست است - اما آن نقطه کانونی، توحید است. توحید فقط عبارت نیست از اعتقاد به خدا؛ توحید عبارت است از اعتقاد به خدا، و کفر به طاغوت؛ عبودیت خدا و عدم عبودیت غیر خدا؛ «تعالو الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئا». نمی‌گوید «لا نشکر به احدا» - البته یک جایی هم «احدا» دارد، اما اینجا اعم از آن است - می‌فرماید: «و لا نشکر به شیئا»؛ هیچ چیزی را شریک خدا قرار ندهید. یعنی شما اگر از عبادت بی دلیل پیروی کنید، این برخلاف توحید است؛ از انسان‌ها پیروی کنید، همین جور است؛ از نظام‌های اجتماعی پیروی کنید، همین جور است - آنجایی که به اراده الهی منتهی نشود - همه اینها شرک به خداست، و توحید عبارت است از اعراض از این شرک. «فمن یکفر بالظاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی»؛ کفر به طاغوت وجود دارد، بدش هم ایمان به خدا. این معنایش همان آزادی است. یعنی شما از همه قیود، غیر از عبودیت خدا، آزادید.

البته خدای متعال می خواهد این عبودیت متوجه به ذات مقدس الهی بشود. این مطلب اول بود که دعوت مردم به عبودیت، ذات مقدس پروردگار است. و مطلب دوم این است که: برای اینکه عبودیت باید متوجه خدا باشد استدلالی ذکر می شود: «الذی خلقکم» یعنی علت اینکه ما باید خدا را عبادت و بندگی کنیم این است که او ما را و گذشتگان ما را آفریده و بشر را پدید آورده است، پس شایسته است که بشر از او اطاعت کند! اطاعتی که به معنای عبودیت است و این هم مطلب دوم. لکن آن مطلبی که به طور تبعی ذکر شده آن جمله آخر، «لعلکم تتقون» است یعنی با این عبودیت و بندگی کردن خدا و حرکت در محوری که خدا معین می کند انسان به رتبه تقوا که شامل خصوصیت برجسته ای است خواهد رسید و در تقسیم بندی اول سوره به آن اشاره شد، «هدی للمتقین» که انسان ها را خدای متعال تقسیم کرده به کسانی که متقین هستند، و کسانی که کافرین هستند، و کسانی که منافقین هستند.

البته در حاشیه این سه مطلب نکته ها و اشارات بسیاری هست، و این از خصوصیات قرآن است، که وقتی یک مطلبی را بیان می کند، چگونگی بیان و تعبیراتی که به کاربرده می شود، ده ها نکته ریز و درشت از معارف الهی و درس های زندگی و چیزهایی که باید بدانیم به ما می آموزد و بعضی از این نکات را ما می فهمیم بسیاری را هم نمی فهمیم، البته نه اینکه بشر نفهمد، یعنی ممکن است من که مطالعه می کنم نفهمم، لکن شما که مطالعه کنید بفهمید، و دیگری مثلاً وقتی تأمل کند بفهمد.

هر کس وقتی قرآن مطالعه کند نکته ای از این نکات را به دست می آورد و این از خصوصیت قرآن است، یعنی چگونگی سخن گفتن قرآن، مملو از نکات گوناگون آموزشی و معرفتی و درس است و از جمله این نکات یکی این است که می فرماید: «اعبدوا ربکم» نمی گوید: «اعبدوا الله» و می گوید: پروردگارتان، یعنی، آن کسی که تدبیر کننده وجود شما و گرداندگی نظام هستی در اختیار اوست، او را باید عبادت کنید! عبادت یک چنین موجودی، امر منطقی است. معلوم است انسان وقتی بخواهد از کسی اطاعت بکند باید آن قدرت والای برتری را عبادت کند که سرنوشت همه بشر و امور بشر و زندگی بشر به وسیله او اداره می شود. این یک نکته است، و از این قبیل نکات در این آیه شریفه زیاد است، یا یکی از این نکات که قبلاً هم گفتم در «یا ایها الناس»، مخاطب آیه ناس است، یعنی اشاره است به یک چیز مشترکی بین همه انسان ها که آن فطرت مشترک انسانی است. در اینجا قشرها و نژادها و ملیت ها و خون ها نیستند که مخاطب قرار می گیرند، بلکه این انسانیت است که به طور عام مخاطب قرار می گیرد. یعنی آن مشترک بین همه انسان ها که فطرت درونی انسان و سرشت انسانیت است، او مخاطب این سخن است که پیدا است که آن سرشت انسانی انسان، این امر را، و این مطلب را از خدای متعال درک می کند و می پذیرد. □



خداوند

می فرماید:

«اعبدوا ربکم»

نمی گوید:

«اعبدوا الله»

می گوید:

پروردگارتان،

یعنی، آن کسی

که تدبیر کننده

وجود شما و

گرداندگی نظام

هستی در اختیار

اوست، او را باید

عبادت کنید!

عبادت یک

چنین موجودی،

امر منطقی است.

معلوم است

انسان وقتی

بخواهد از کسی

اطاعت بکند

باید آن قدرت

والای برتری را

عبادت کند که

سرنوشت همه

بشر و امور بشر

و زندگی بشر به

وسیله او اداره

می شود

که منفعت به خطر بیفتد، کسی حرفت را قبول نکند، چیزی مطابق میل تو - ولو خلاف شرع - ظاهر بشود، یا سر دوراهی قرار بگیری - یک طرف منافع شخصی، یک طرف وظیفه و تکلیف - در چنین تنگناها و بزنگاه هایی، آن من درونی انسان سربلند می کند و خودش را نشان می دهد. اگر ما بتوانیم این من درونی، این هوای نفس، این فرعون باطنی، این شیطان را که در درون ماست، مهار کنیم یا اقلأ قدری مهار کنیم، همه امور اصلاح خواهد شد. قبل از هر چیز، خود ما آدم خواهیم شد و به فلاح خواهیم رسید.

□ تجسم عبودیت

یا ایها الناس اعبدوا ربکم. (۲۱ - بقره) عبودیت کنید پروردگارتان را، گویی این سؤال پیش می آید که عبودیت چگونه چیزی است؟ و عبد خدا چه انسانی است؟ آن وقت نمونه عینی نشان داده می شود: نزلاً علی عبدنا. عبد یعنی همین کسی که اکنون در مقابل چشم شماست، تجسد و تجسم عبودیت همین کسی است که دارد این آیات را از سوی ما برای شما فرو می خواند. (وجود مقدس پیغمبر). عبدنا در حقیقت اشاره به این است که دعوت ما را که قبلاً گفتیم، «اعبدوا ربکم عبودیت کنید خدای خود را، یعنی حرکت کنید به سمت آن جایگاهی که این انسان والا و برجسته و شجاع به امانت و به صداقت و پاکی و زیبایی های معنوی در آن قرار دارد.

اعبدوا ربکم مصداق عینی عبد را دارد، یعنی این چنین بشوید. البته اینکه می گوید: عبدنا و بنده را به خودش نسبت می دهد، نوعی لطف الهی را به پیغمبر نشان می دهد و این عبارت عبدنا در تعبیر قرآن باز هم در مورد داوود و در مورد ایوب و شاید در مورد زکریا هم هست، مثل عبدنا ایوب و عبدنا داوود که آنجا اسم شان آورده شده، اما اینجا که اسم نیآورده ممکن است مراد همین پیغمبری باشد که در منظر و پیش روی شماست که یک خصوصیت و یک التفات، و رحمت، و حجت الهی را به بنده برگزیده اش نشان می دهد.

□ بندگی پروردگار

آیه «یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم والذین من قبلکم لعلکم تتقون» را این طور ترجمه کردیم که: «هان ای انسان ها پروردگار خود را عبادت کنید که شما را آفرید و کسانی را که پیش از شما بوده اند. شاید تقوا باشید. این آیه اول بود که در این آیه دو مطلب به طور اساسی هست و یک مطلب هم به صورت تبعی.

اما آن دو مطلب اساسی یکی این است که: انسان ها را امر می کند به بندگی کردن خدا، یعنی توجه دادن بندگی به سمت حضرت باری تعالی که در شرح این آیه مفصلاً سخن گفته شد و عرض کردیم که ما خواهی نخواهی یک چیزی را عبودیت می کنیم: یا خود را، یا یک قدرت برتر از خود را، یا یک چیز معنوی را، یا یک چیز مادی را، با آن معنایی که عبودیت دارد.

تفسیر «ایاک نعبد» در بیان رهبر معظم انقلاب

بندگی خدا یعنی بنده کمال و خیر و نور

سید محمد سعید مدنی



«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وِإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» دو جمله بسیار عظیمی هستند «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» تو را بندگی می‌کنیم و «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و از تو کمک می‌طلبیم. عبادت یعنی بندگی،

عبد یعنی بنده، شاید این جور استفاده شود که عبادت از آن مصدرهایی است که از عبد گرفته شده و بندگی از بنده گرفته شده است کما اینکه ترکیب بندگی هم شاید ابتدا نشان دهد بنده یعنی آن موجودی که در بند یک کسی یا یک چیزی است و بندگی یعنی در بند کسی و چیزی بودن در اختیار کسی یا چیزی بودن؛ انسان بندگی‌هایی دارد که بعضی خوب است و بعضی بد. بندگی بر خصلت خوبی خوب است.

بنده علم بنده صفا، طهارت، نور، بندگی انسان در مقابل خدا، یعنی تسلیم خدا بودن. تعبیر رابطه بین خدا و انسان در بسیاری از ادیان آسمانی و در اسلام همین تعبیر بندگی است بنده خدا، بنده خدا یعنی تسلیم خدا و خدا منشأ همه خیرات است. بنده خدا بودن یعنی بنده کمال و خیر و نور مطلق بودن، این خیلی چیز خوبی است، بنده انسان‌ها بودن این چیز خیلی بدی است چون انسان‌ها ناقص و محدودند، بنده انسان‌ها بودن ذلت برای انسان است. بنده قدرت‌های ظالم بودن ذلت برای انسان است. بنده خواهش‌ها و هوس‌های نفسانی بودن ذلت برای انسان است پس بندگی از آن جمله چیزهایی نیست که همه جا بد و یا همه جا خوب باشد. بنده خدا بودن یک مفهوم بسیار متعالی‌یی است.

این رابطه بین انسان و خدا را در بعضی ادیان مثل مسیحیت به جای بندگی، رابطه پدر و فرزند معرفتی کردند، انسان‌ها همه فرزند خدا هستند. یعنی چه فرزند خدا بودن؟ «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» برای این است که هنوز در دنیا تفکری وجود دارد که همین تفکر مسیحیت است که رابطه انسان و خدا را رابطه پدر و فرزند می‌داند و زابیده تفکرات شرک مردم و یونان قدیم است که آنها خدایان را پدرها و مادرها می‌دانستند این مسیحیت فعلی تغذیه شده از پستان آن شرک دوران تمدن یونان و روم باستان است، فرزند خدا بودن حرف و تعبیر غلطی است.

اگر خدا (معاذ الله) محدود شد، جسم شد و تولید کرد، مثل بقیه اجسام این دیگر خدا نیست آن را آن مفهوم خدائی که انسان در مقابل او باید خاضع باشد باید مفهوم بی‌نهایتی باشد که مصداق آن مفهوم که ذات مقدس پروردگار عالم است بایستی به کلی خارج و خالی از حدود عدمی و نقص‌آور باشد والا اگر موجودی است که نقصی و حدی دارد او قابل پرستش نیست، انسان در مقابل موجودی پرستش می‌کند و او را تقدیس می‌کند که او از همه مرزها و حدودی که بشر می‌شناسد فراتر و بالاتر باشد. بنابراین اگر چنانچه خدا حقیقتاً زاینده انسان است به هر شکلی این نقیصه بزرگی است برای خدا و نمی‌تواند چنین چیزی وجود داشته باشد و اگر چنانچه یک تعبیر کفایی است که من گمان نمی‌کنم





ما هرگز حق بندگی را به جا نیاورده ایم

« رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای جلسه درس خارج فقه، حدیثی از امام کاظم (ع) درباره حق بندگی را شرح فرمودند که خلاصه آن را می خوانیم.

عن أبي الحسن (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ: عَلَيْكَ بِالْجِدِّ وَلَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَيْدِ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَطَاعَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ. این روایت از حضرت موسی بن جعفر است و سندش، سند بسیار معتبری است و صحیح است که توصیه می فرمایند به «جَدِّت»؛ جَدِّت یعنی تلاش تام و تمام؛ [یعنی] هر چه می توانید تلاش کنید. جَدِّ در مقابل هزل نیست، در مقابل وهن است، [به معنی] سستی کردن، عدم مبالات؛ قَوِّ عَلَي خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَي الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالذَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ. می فرمایند در رفتار دوران حیات خود، در مقابل وظیفه، در مقابل پروردگار دارای جَدِّ باش! وَلَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَيْدِ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَطَاعَتِهِ؛ این هم مکمل و دنباله همان جَدِّ است؛ می فرماید که خودت را از اندازه یک آدم مقصّر خارج نکن، خودت را از حدّ تقصیر در عبادتِ خدا بیرون نیاور؛ یعنی هیچ وقت گمان نکن که خب، ما دیگران کاری که باید بکنیم، انجام داده ایم؛ ما دیگران وظیفه لازم را در قبال پروردگار انجام داده ایم؛ نه، هیچ وقت چنین چیزی برای من و شما پیش نمی آید؛ ما همیشه در مقابل خدای متعال، دچار تقصیر و کوتاهی هستیم. مغفرت الهی و گذشت الهی، مورد نیاز صدیقین و اولیای معصومین است؛ یعنی آنها هم «ما عِبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ»، حقّ عبادت الهی را، حقّ اطاعت الهی را به جا نیاوردند؛ با اینکه همه وجودشان غرق در عبادت و محبت و معرفت الهی است، در عین حال «ما عِبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ»؛ بنابراین می فرماید که «وَلَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَيْدِ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَطَاعَتِهِ. فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُعْبَدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ»

بعد برای همین مطلب که شما همیشه در محدوده مقصّرین - [یعنی] تقصیرکنندگان - قرار دارید، استدلال ذکر می فرمایند: خدای متعال آن چنان که شایسته عبادت او است، هرگز عبادت نمی شود! ما یک کاری می کنیم، [برای] یک وظیفه ای، یک راهی که در مقابل ما گذاشته اند، تلاشی می کنیم که باید این تلاش را بکنیم؛ هیچ وقت گمان نکنید که حالا آن کاری را که ما باید بکنیم، انجام داده ایم، ما حقّ بندگی را انجام داده ایم؛ نه، هیچ وقت چنین چیزی را تصوّر نکنید. خیلی جهالت می خواهد که انسان به صرف چند حسنه ای که انجام می دهد، کار خوبی که انجام می دهد، خودش را قانع کند بگوید: خب، دیگر الحمد ما فلان قدر صدقه که در روز می دهیم، نماز شب هم که می خوانیم، در فلان اداره هم که مشغول کار و تلاش هستیم، دیگر کارمان را انجام داده ایم؛ نخیر، ما مقصّریم، تقصیر داریم در قبال آنچه تکلیف و وظیفه ما است. عرض کردم که سند این روایت، یک سند بسیار معتبری است و انسان در بین این روایات اخلاقی و مانند اینها کمتر سند به این محکمی مشاهده می کند. □

منظورشان تعبیر کفایی باشد اگر تعبیر کفایی است باز هم تعبیر ربایی نیست.

پدر و فرزندى هیچ چیزى را اثبات نمی کنند پس راه کمال بشر چیست؟ یعنی تسلیم شدن در مقابل او، تسلیم همراه با تقدیس و محبت و عشق، این است که انسان را به تکامل می رساند، و این راهی است که انسان می تواند پیمودن آن راه را هدف از فریفتن خودش به حساب بیاورد. و عملاً این جورى شد که آن کسانی که خود را فرزند خدا می دانستند در عمل بنده همه چیز غیر از خدا شدند بنده هوای نفس در درجه اول که می دانید دنیای مسیحیت فسق و فجور و آلودگی همیشه بر زندگی مسیحیت به صورت غالب حکم فرما بوده است مصلحینی که در میان مسیحیت به وجود آمدند مواجه بودند با شهوت رانی های مردم و بنده شهوت بودن.

سرگذشت این فرزندان خدا به زعم خودشان از بندگانش شروع شده تا بندگی قدرت های گوناگون و بندگی انواع و اقسام نظام های مختلف. بندگی خدا وجود نداشته که آنها را منع کند از این بندگی ها در حالی که ما وقتی انسان را بنده خدا می دانیم معنایش این است که بنده هیچ کس دیگر نمی توانیم بشویم. پس نکته ای که در بندگی خداست نفی بندگی هر موجود و قدرت دیگر است که یکی از دو پایه اصلی توحید عبارتست از نفی عبودیت غیر خدا، نفی بندگی نفس در درجه اول، و انسانیت اساساً از اوج سقوط نمی کند مگر به تبعیت و بندگی هوس، و بندگی خدا این بندگی را نفی می کند. نفی بندگی خود تا نفی بندگی قدرت ها.

این آیه می گوید «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» تو را عبادت می کنیم البته این غیر از تعبّد هست تعبّد یعنی تو را عبادت می کنیم همین اگر به جای این ضمیر متصل خطاب آمدم ضمیر منفصل آوردیم و قبل از تعبّد آوردیم و گفتیم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» معنا یک تفاوت عمده پیدا می کند انحصار را می فهماند «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی فقط تو را عبادت می کنیم و هیچ موجود دیگری را جز تو عبادت نمی کنیم. پس در «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یک بحث داریم در اصل بندگی خدا که می گوئیم بندگی خدا یعنی بنده فضیلت و خیر و کمال و بندگی فضیلت یعنی در جهت فضیلت حرکت کردن این غیر از بندگی انسان ها است که مایه ننگ و ذلت است انسان، همان انسانی که حاضر نیست بگوید من بنده کسی هستم، نوکر کسی هستم، به راحتی می گوید من بنده احسان کسی هستم، این را انسان به راحتی قبول می کند این برای انسان افتخار آفرین و شرف آفرین است بندگی که انسان را به کمال برساند.

یک بحث دیگر این است که این بندگی کردن بندگی کردن انحصاری است فقط خدا را ما عبادت می کنیم و نه غیر خدا را و در قرآن یکی از اصول اساسی، عبادت نکردن غیر خدا است.

در بحث های قرآن ملاحظه خواهید کرد که یکی از چیزهایی که مکرر در قرآن ذکر می شود همین مسئله اجتناب از بندگی غیر خدا است مثلاً درباره خدا گرفتن و معبود گرفتن هوای نفس «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» این مضمون در قرآن مکرر ذکر شده است. □

بندگی از منظر امام خمینی ^(ره)

خانه وجود را به صاحبخانه واگذار کنید

■ امام خمینی ^(ره)

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) در بسیاری از آثارش که از خود به جا گذاشته‌اند، اشاراتی به معنا و مفهوم عبودیت و بندگی داشته‌اند. در متن زیر بخشی از کتاب «آداب الصلوة» را که به این مضمون پرداخته است، برگزیده‌ایم. ■

علی الله. کسی که از خانه‌اش بیرون شود در حالی که هجرت‌کننده به سوی خدا و رسول اوست، آنگاه مرگ او را در یابد، پاداش او بر خدا واقع (و لازم) شده. «هجرت صوری و صورت هجرت عبارت است از هجرت به تن از منزل صوری به سوی کعبه یا مشاهد اولیاء علیهم السلام، و هجرت معنوی خروج از بیت نفس و منزل دنیا است إلى الله ورسوله، و هجرت به سوی رسول و ولی نیز هجرت إلى الله است. و مادام که نفس را تعلقی به خویش و توجهی به آئیت است مسافر نشده، و تا بقایای انانیت در نظر سالک است و جدران شهر خودی و اذان اعلام خود خواهی مختفی نشده، در حکم حاضر است نه مسافر و مهاجر.

گوهربندگی

و در مصباح الشریعه است: «قال الصادق علیه السلام: العبودیه جوهره کنه‌ها الزبوییه، فما فقد من العبودیه وجد فی الزبوییه، و ما خفی من الزبوییه أصیب فی العبودیه.

یکی از آداب قلبیه در عبادات و وظایف باطنیه سالک طریق آخرت، توجه به عزربوییت و ذل عبودیت است، و آن یکی از منازل مهمه سالک است، که قوت سلوک هر کس به مقدار قوت این نظر است، بلکه کمال و نقص انسانیت تابع کمال و نقص این امر است. و هر چه نظرانیت و انانیت و خودبینی و خودخواهی در انسان غالب باشد، از کمال انسانیت دور و از مقام قرب ربوبیت مهجور است. و حجاب خودبینی و خودپرستی از جمیع حجب ضخیم‌تر و ظلمانی‌تر است، و خرق این حجاب از تمام حجب مشکل‌تر و خرق همه حجب را مقدمه است، بلکه مفتاح مفاتیح غیب و شهادت و باب الابواب عروج به کمال روحانیت خرق این حجاب است.

تا انسان را نظر به خویشستن و کمال و جمال متوهم خود است، از جمال مطلق و کمال صرف محجوب و مهجور است، و اول شرط سلوک إلى الله خروج از این منزل است، بلکه میزان در ریاضت حق و باطل همین است. پس هر سالک که با قدم انانیت و خودبینی و در حجاب آئیت و خود خواهی طی منزل سلوک کند، ریاضتش باطل و سلوکش إلى الله نیست، بلکه إلى النفس است: «مادربت‌ها، بت نفس شما است.»
قال تعالی: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ



بندگی خدا تنها راه رسیدن به کمال معنوی است

« عبودیت و پرستش خداوند بهترین و مؤثرترین راهکار رشد و تکامل آدمی است، به همین دلیل از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «عبودیت گوهری است که حقیقت آن خداوندگاری است.» (مصباح الشریعه، ص ۷) از این آموزه‌های متعالی معلوم می‌شود که عبودیت و بندگی خدا، ظاهرش پرورش و تکامل یافتن است و حقیقت و باطنش پرورش دادن و پروردگاری کردن است، یعنی آدمی بر اثر عبودیت خداوند به جایی می‌رسد که می‌تواند به عنوان مظهر «الرب» تجلی کند و بندگان خدا را تربیت کند و پرورش دهد تا به رشد و کمال و شکوفایی معنوی خود باز یابند.

حد نصاب تام این خصیصه عبودیت از آن انسان کامل است، ولی به طور کلی بر اساس حدیث یاد شده، عبودیت ویژگی یاد شده را دارد و در هر کسی به میزان متفاوت امکان ظهور و بروز دارد. حال باید دید که عبادت نبوی چگونه بوده و در حکمت امام خمینی (س) چگونه بازتاب یافته است؟ حضرت امام (س) در این باره به تفصیل سخن گفته که به دلیل اهمیت و درس آموز بودن این بحث در چند نکته طرح و تبیین می‌شود:

الف) یکی از نکته‌ها درباره عبودیت به خصوص عبودیت نبوی در کلام امام که به اشاره به حدیث پیش گفته آمده، این است: «چون سالک را مقام اسمیت دست داد، خود را مستغرق در الوهیت بیند «العبودیه جوهره کنه‌ها الربوبیه» پس خود را اسم الله و علامه الله و فانی فی الله بیند و سایر موجودات را نیز چنین بیند و اگر ولی کامل باشد، متخلق به اسم مطلق شود و برای او تحقق به عبودیت مطلقه دست دهد و «عبدالله» حقیقی شود و تواند بود که تعبیر به عبد در آیه شریفه «سبحان الذی اسرى به عبده، منزه است خدایی که شبانه بنده‌اش را سیر داد.» (قسمتی از آیه ۱ سوره اسراء) برای آن باشد که عروج به معراج قرب و افق قدس و محفل انس به قدم عبودیت و فقر است و رفض غبار انیت و خودی و استقلال است... چه که عبودیت، مرقات رسالت است... و او را به قدوم عبودیت به افق احدیت جذب فرمود و از کشور ملک و ملکوت و مملکت جبروت و لاهوت رها کنید.» (سر الصلوه، ص ۸۹ و ۹۰)

در این کلام، امام (س) از یک سوی تفسیر عرفانی عمیق از حدیث یاد شده ارائه گردیده و تصریح شده که سالک بر اثر عبادت خداوند، خود را فانی در اسم ربوبی دیده و آیت و علامت اسم ربوبی می‌شود و از سوی دیگر با الهام از آیه مبارکه اشاره شده که عبودیت نردبان رسالت نبوی بوده و ایشان بر اثر عبودیت خداوند به مقامی باریافت که موهبت رسالت نصیب ایشان گردد. بنابراین معلوم می‌شود که از نظرگاه امام (س)، عبودیت و بندگی خدا تنها راهکار رسیدن به هرگونه کمال معنوی است و بدون عبودیت نمی‌توان به مقصد عالی و کمال انسانی خود باریافت.

ب) عارفان معتقدند که عبودیت مراتب دارد و برترین عبودیت تنها نصیب کاملترین افراد می‌شود. در این رابطه گفته شده: عبادت و عبودیت برای عموم، عبارت از اظهار نهایت خضوع و تسلیم در پیشگاه خداوند است، ولی عبادت و عبودیت خواص به آن است که گذشته از این مرتبه، خود را با نیت پاک و به دور از هرگونه شائبه ناخالص در مسیر سلوک مشاهده کنند، اما خاص خاصان (اخص خواص) عبادت و عبودیتشان به آن است که بالاتر از دو مرتبه یاد شده خود را محو و فانی در عبودیت حق مشاهده نمایند و این عبادت کسانی است که حق تعالی را در مقام احدیت جمع و فرق عبادت کنند. □

بندگی گوهری است که باطن آن ربوبیت است، پس، هر چه از بندگی به دست نیامده باشد، در ربوبیت یافته می‌شود. و هر چه از ربوبیت پوشیده و پنهان باشد، در بندگی حاصل می‌گردد.»

کسی که با قدم عبودیت سیر کند و داغ ذلت بندگی را در ناصیه خود گذارد، و وصول به عزربوبیت پیدا کند. طریق وصول به حقایق ربوبیت سیر در مدار عبودیت است، و آنچه در عبودیت از انیت و انانیت مفقود شود در ظل حمایت ربوبیت آن رامی‌یابد، تا به مقامی رسد که حق تعالی سمع و بصرو دست و پای او شود، چنانچه در حدیث صحیح مشهور بین فریقین وارد است.

۱ تسلیم حق

چون از تصرفات خود گذشت و مملکت وجود خود را یکسره تسلیم حق کرد و خانه را به صاحبخانه واگذار نمود و فانی در عزربوبیت شد، صاحبخانه خود متصرف در امور گردد، پس تصرفات او تصرف الهی گردد، چشم او الهی شود و با چشم حق بنگرد، و گوش او گوش الهی شود و به گوش حق بشنود. و هر چه ربوبیت نفس کامل باشد و عزآن منظور خواطر شود، از عزربوبیت به همان اندازه کسر شود و ناقص گردد، چه که این دو مقابل یکدیگرند: الذنبا و الآخره ضرتان. دنیا و آخرت هووی یکدیگرند.

پس، سالک ای الله را ضرور است که به مقام ذل خود پی برد و نصب العین او ذلت عبودیت و عزت ربوبیت باشد. و هر چه این نظر قوت گیرد عبادت روحانی تر شود و روح عبادت قوی تر شود، تا اگر به دستگیری حق و اولیای کفل علیهم السلام توانست به حقیقت عبودیت و کنه آن اصل شود، از سر عبادت لمحهای در می‌یابد. و در جمیع عبادات - خصوصاً نماز که سمت جامعیت دارد و منزله آن در عبادات منزله انسان کامل است و منزله اسم اعظم بلکه خود اسم اعظم است - این دو مقام، یعنی مقام عزربوبیت که حقیقت است و مقام ذل عبودیت که رقیقه آن است، مرموز است. و در اعمال مستحبته «قنوت» و در اعمال واجبه «سجده» اختصاصی است که پس از اینان شاء الله به آن اشاره خواهیم کرد.

و باید دانست که عبودیت مطلقه از اعلی مراتب کمال و ارفع مقامات انسانیت است که جز اکمل خلق الله محمد صلی الله علیه و آله بالاصاله و دیگر اولیای کمل بالتبعیه کسی دیگر از آن نصیبی نیست، و دیگران را پای عبودیت لنگ است و عبادت و عبودیت آنها معلل است. و جز با قدم عبودیت نتوان به معراج حقیقی مطلق رسید، و لهذا در آیه شریفه فرماید: سبحان الذی انشری به عبده.

قدم عبودیت و جذبیه ربوبیت سیر داد آن ذات مقدس را به معراج قرب و وصول. و در «تشهد» نماز که رجوع از فنای مطلق است، که در سجده حاصل شده، باز توجه به عبودیت قبل از توجه به رسالت است. و ممکن است اشاره به آن باشد که مقام رسالت نیز در نتیجه جوهره عبودیت است. و این مطلب را دنباله طولی است که از وظیفه این اوراق خارج است. □

گفتا تو بندگی کن کو بنده پرور آمد

محمد بیابانی اسکویی

«إِلَّا لِيَعْبُدُون. جن وانس را نیا فریدم جز برای اینکه عبادتتم کنند.» «وَقَضَى رَبُّكَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ. حکم پروردگارت بر این قرار یافت که فقط او را عبادت کنید.» وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ. در هر اقلتی رسولی برانگیختم که خدا را عبادت کنید و از طاغوت دوری جوئید.

امام صادق (ع) در تفسیر آیه اول فرمود: آنان را خلق کرد تا امرشان کند که عبادتشان کنند و همین طور در تفسیر آیه مزبور فرمود: «خَلَقَهُمْ لِلْعِبَادَةِ». برای عبادت خلقشان کرد. و امیر المؤمنین (ع) در خطبه ذی قار می فرماید: «... فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) بِهِ الْحَقَّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ عِبَادِهِ إِلَى عِبَادَتِيهِ، وَ مِنْ عُهُودِ عِبَادِهِ إِلَى عُهُودِي، وَ مِنْ طَاعَةِ عِبَادِهِ إِلَى طَاعَتِيهِ، وَ مِنْ وِلَايَةِ عِبَادِهِ إِلَى وِلَايَتِيهِ.» همانا خدای تعالی محمد (ص) را به حق مبعوث کرد تا بندگانش را از پرستش بندگان به پرستش خود، و از بیعت بندگان به بیعت خود، و از فرمانبری بندگان به فرمانبری خود، و از ولایت و دوستی بندگان به ولایت خود در آورد.

حقیقت بندگی

آری عبد بودن یعنی بنده و کوچک بودن، و مولا بودن یعنی آقا و بزرگ بودن. کسی که مالک باشد آقا است و کسی که مملوک باشد بنده است. او که مالکیت مطلق دارد، تسلط بر همه امور، ولایت و حکومت بر همگان، امر و نهی و بزرگی و عظمت برای همه دارد. و بندگان و مملوک ها را در مقابل او فروتنی و افتادگی، کوچکی و فرمانبری لازم است. امام صادق (ع) فرمود: لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْعَلْمِ، إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يُقَعُّ فِي قَلْبٍ مِنْ يَرْبُدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ. فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوْلَا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ. وَ اطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ. وَ اسْتَفْهِمِ اللَّهَ يَفْهَمُكَ. علم آن نیست که به درس گرفتن و تعلم حاصل آید. بلکه علم نوری است که در قلب آن کس که خدای تعالی هدایت او را اراده کرده است، قرار می یابد. پس اگر چنین علمی را خواستی، در مرحله اول باید در نفس خود حقیقت عبودیت و بندگی را بجویی. و به دنبال آن، علم را به وسیله به کار گرفتن آن طلب کن و از خدای تعالی بخواه که فهم و هوش عطایت کند.

راوی می گوید: پرسیدم: حقیقت عبودیت چیست؟ حضرت فرمود: سه چیز است؛ عبد آنچه را خدا برایش داده ملک خود نپندارد. زیرا که بندگان و بردگان را ملکی نباشد. همه اموال

را مال خدا دانسته و آنجایش نهد که خدایش فرمان داده است. بنده برای خود تدبیری از پیش خود نیبندید. تمام مشغولیت خود را در امر و نواهی خدای متعال قرار دهد. پس اگر بنده خود را مالک عطایا و بخشش های خدای تعالی نداند، مصرف آنها در مواردی که خدایش دستور داده، برایش آسان آید. و اگر بنده ای تدبیر امورش را به خدای مدبّر واگذارد، مصیبت ها و حوادث ناگوار دنیا برایش سهل شود. و اگر اوقات خود را مشغول به اوامر و نواهی خدای متعال کند، دیگر او را وقتی برای جدال با مردم و فخر فروشی به آنها باقی نخواهد ماند و اگر خدای تعالی این سه را به بنده ای کرامت کند، دنیا و شیطان و تمامی خلائق در مقابل دیدگانش چیزی به حساب نیایند و دنیا را برای فخر فروشی و زیاده طلبی نخواهد، و مال مردم را برای توانمندی و برتری جویی خود طلب نکند، و دنیایی چند روزه خود را به تنبلی از دست ندهد.

همه اینها درجه اول از درجات تقوا است. خدای متعال می فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»: آن سرای بازسپین را برای آنان قرار دادیم که اراده برتری و فساد در زمین نکنند. و سرانجام خوب از آن متقین است.

تسلیم مطلق

پس عبد و آنچه در اختیارش است همه مال مولایش است. و از آن جهت که حقیقت هر چیزی به مشیت خداوند متعال تحقق پیدا کرده و می کند و هیچ چیزی خارج از مشیت او وجود نتواند گرفت، پس تمام ما سوی الله مخلوق و ممالک او خواهند بود. زیرا همه، وجودشان و بقایشان به مشیت خالق متعال وابسته است. و اطاعت و فرمانبری و دوستی و ولایت کسی غیر از او گناهی بزرگ و کفر به خداوند متعال است و عبادت غیر خدا خواهد بود. و اگر کسی دیگر در عرض خدا قرار داده شود شرک است.

خداوند فرماید: «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا. كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا.» مشرکان غیر از خدای تعالی خدایانی برای خود گرفتند تا موجب عزتشان باشند. چنین نیست! به زودی آن خدایان، پرستش آنان را انکار کرده و دشمن آنان خواهند شد. امام صادق (ع) در تفسیر آیه فرمود: آنان که غیر از خدای تعالی برای خودشان خدایانی



قرار داده‌اند، در روز ستاخیز خدایانشان با آنان به مخالفت برخاسته، از آنان و عبادتشان بیزار می‌خواهند جست. سپس امام (ع) فرمود: پرستش و عبادت، سجده و رکوع نیست؛ بلکه پرستش همان اطاعت است. هر کس مخلوقی را در نافرمانی و معصیت خدای تعالی اطاعت کند، او را پرستش کرده است. و امام باقر علیه السلام فرماید: شما (شیعیان) آن گروهی هستید که از عبادت طاغوت سرپیچی کردید. و هر کس ستمگری را اطاعت کند، همانا او را پرستش کرده است.

با توجه به اینکه بندگان آنچه در اختیار آنها قرار داده شده ملک طلق خداوند متعال است، پس این اعضا و جوارح و تمام ساختمان بدن انسان هم ملک اوست و استفاده از آنها منوط به اذن و رضای اوست و هر تصرفی در آنها، اگر مطابق حکم و اذن و رضای خدا نباشد، حرام خواهد بود. پس خداوند متعال همگان را مالکیت و سلطنت بر نفوس و اموالشان داده است، و حدود و ثغور آن را به وسیله شرایع آسمانی بیان کرده است. پس هیچکس را بر دیگری سلطنت و حکومت و فرماندهی نیست جز اینکه خدای تعالی داده باشد. خدای تعالی می‌فرماید: قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِهِ يَدُ الْخَيْرِ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. بگو: خداوند! ای دارنده ملک! می‌دهی ملک را به کسی که می‌خواهی، و می‌گیری از کسی که می‌خواهی. و عزت می‌بخشی کسی را که بخواهی. و ذلیل می‌کنی کسی را که خود می‌خواهی. همه خیرات در دست تو است. همانا



پرستش و عبادت، سجده و رکوع نیست؛ بلکه پرستش همان اطاعت است. هر کس مخلوقی را در نافرمانی و معصیت خدای تعالی اطاعت کند، او را پرستش کرده است

تو به هر چیزی توانا هستی. و باید متوجه بود همه حکومت‌ها و سلطنت‌ها در مسیر حکومت و سلطنت الهی نیست، و حکومت و سلطنتی در طول حکومت و سلطنت خداوند متعال قرار دارد که خداوند باشد. و آن، عبارت است از حکومت و سلطنت پیامبران الهی و اوصیای آنها و آنان که از ناحیه اینها مأذون به سرپرستی امور مردم باشند و از حدود و ثغور آن تجاوز نکنند. و از این میان حضرت محمد (ص) ولایت و مالکیتش شامل همه درجات و مراتب ولایت‌ها و مالکیت‌ها است، و مالکیت تمام ولایان امر، امیران لشکر، حاکمان بلاد، قضات و علما، و همچنین ولایت موالی بر عبید، همه تحت ولایت و مالکیت پیامبر گرامی اسلام (ص) قرار گرفته‌اند. امام باقر و امام صادق (ص) می‌فرمایند: إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَيَّ نَبِيَّهِ (ص) أَمَرَ خَلْقَهُ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتْهُمْ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «مَا أَنَاكُمْ إِلَّا رُسُلٌ فَاخْذُوا مِنِّي مَا تَهَاكُمُ عَنْهُ فَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ». خدای تعالی امور خلق را به پیامبرش تفویض کرد تا ببیند چگونه از او فرمان می‌برند. سپس حضرت این آیه را تلاوت کرد: هر چه رسول برایتان آورد اخذ کنید. و از هر چه نهی کرد ترکش کنید. و امام باقر (ع) فرماید: فَمَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ. هر چه را رسول خدا (ص) حرام کند، به منزله آن است که خداوند متعال حرام کرده است. و همین امر درباره امامان معصوم (علیهم السلام) که اوصیای گرامی پیامبر اسلام (ص) و ذریه آن حضرت هستند، جاری است جز اینکه آنان را حق تحلیل و تحریم نیست. □



هفت ویژگی عبد واقعی در کلام معبود

بنده خوب خدا

حجت الاسلام و المسلمین رفیعی

خداوند در شب معراج هفت ویژگی عبد واقعی را برای پیامبر اسلام (ص) بیان کرد: انسان با ترک گناه، سکوت، اشک از خوف الهی، حیا، کنترل شکم از حرام، پرهیز از حب دنیا و دوست داشتن مؤمنان می تواند عبد واقعی باشد. خداوند در سوره انبیاء بعد از



بیان داستان ۱۷ پیامبر و داستان حضرت مریم (س) از آیه ۹۲ تا پایان سوره نتیجه گیری و بیان کلیات را مطرح کرده است. آیه ۹۲ سوره انبیا نکات کلیدی و مهمی دارد. خداوند در این آیه می فرماید همه مردم یک امت و عبد خدا هستند و اگر تفرقه و اختلافی وجود دارد به خاطر نافرمانی از خدا و اطاعت نکردن از دستورات پیامبران الهی است، همانطور که بعد از پیامبر اسلام (ص) هم برخی برخلاف خواست ایشان عمل کردند و سبب تفرقه در اسلام شدند. هیچ پیامبری گفته های پیامبر دیگر را نفی نکرده است، انبیاء الهی به صورت پله پله هستند و پیامبر اسلام (ص) پله آخر و اسلام دین کامل است و نه حضرت موسی (ع) و نه حضرت عیسی (ع) در اصول دین چیزی خلاف حرف پیامبر اسلام (ص) نگفته اند.

قرآن با اختلاف و تفرقه مخالف است و می فرماید تمام بشریت عبد است و خدا معبود، تمام بشریت مخلوق است و خدا خالق، تمام عالم به توحید منجر می شوند و ما زیر این آسمان، باوری بالاتر از توحید نداریم.

امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه می فرماید بالاترین معرفت، شناخت خدا است و علامه طباطبایی (ره) می فرماید اگر قرآن را در یک کلمه جمع کنیم می شود توحید و اگر توحید را باز کنیم می شود قرآن و اگر ما شیعیان به اهل بیت (ع) توسل می کنیم به خاطر این است که دین خدا را بشناسیم.

عبودیت به معنای نماز و روزه نیست بلکه عبادت حقیقی بالاتر از اینها است و نماز و روزه بروز عبادت است. خداوند در شب معراج به پیامبر (ص) فرمود عبد واقعی فردی است که هفت ویژگی داشته باشد:

۱ چهارمین ویژگی عبد خدا حیا است به این صورت که انسان در خلوت از خدا بترسد و گناه را ترک کند؛

۲ پنجم کنترل شکم است که هر چیزی را نخورد زیرا بالاترین عبادت حلال خوری است.

۳ ششمین ویژگی عبودیت این است که دنیا در نزد او محبوب نباشد بلکه وسیله ای برای آخرت باشد.

۴ هفتم اینکه همانطور که خداوند بندگان خوب و مؤمنش را دوست دارد او نیز بندگان خوب خدا را دوست داشته باشند. □

۱ نخستین ویژگی عبد واقعی داشتن ورع و قدرت ترک گناه است و در روایات داریم که عابدترین مردم فردی است که بتواند ترک گناه کند و مدیریت نفس و خویشتن داری داشته باشد.

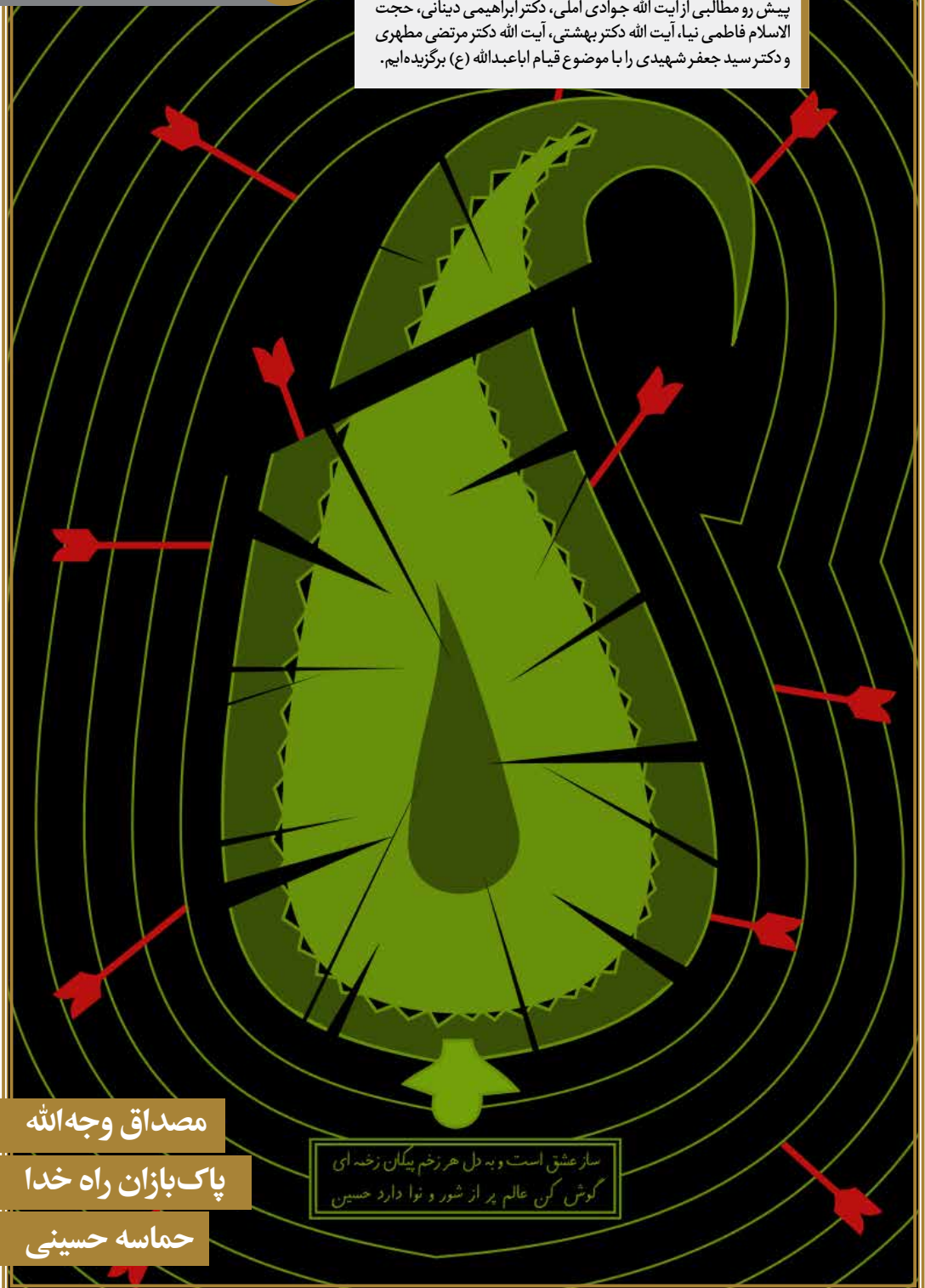
۲ دومین ویژگی قدرت سکوت است که هر چیزی را به زبان خود جاری نکند بنابراین کنترل زبان و پرهیز از گفتن حرف های بی ربط و ناپسند نشانه بندگی است.

۳ ترس از خدا و جاری شدن اشک از خوف خدا سومین نشانه عبودیت است. خداوند دو قطره را خیلی دوست دارد، یکی قطره خون شهید و دیگری قطره اشک از خوف خدا است.



امسال در حالی به ماه محرم و ایام عزاداری سیدالشهداء (ع) رسیده ایم که به سبب شیوع ویروس کرونا در شرایط ویژه ای قرار داریم. این شرایط ایجاب می کند که بیش از گذشته به کتابها و سخنرانی های موجود درباره عاشورا رجوع کنیم و حالا که موقعیت چندانی برای حضور در مجالس عزاداری فراهم نیست از این منابع بهره کافی ببریم. در بخش پیش رو مطالبی از آیت الله جوادی آملی، دکتر ابراهیمی دینانی، حجت الاسلام فاطمی نیا، آیت الله دکتر بهشتی، آیت الله دکتر مرتضی مطهری و دکتر سید جعفر شهیدی را با موضوع قیام اباعبدالله (ع) برگزیده ایم.

عترت



مصدق وجه الله

پاک بازان راه خدا

حماسه حسینی

ساز عشق است و به دل هر زخم پیکان زخمه ای
گوش کن عالم پر از شور و نوا دارد حسین



مصدق وجه الله

■ آیت الله جوادی آملی

انسانیت است که کیفیت تزکیه عقل بشر و نحوه تزکیه روح انسان و روش تضحیه نفس آدمی را بهتر از دیگران آگاه است؛ لذا مقدار حق جامعه بشری و اندازه تکلیف او را تفکیک کرده، همه اصول و احکام آن را از رهگذر عقل و نقل، مستحضر و در ابلاغ و اجرای آن امین است؛ بنابراین تأسی به آن حضرت مایه جذب کمال و پایه رفع نقص است. از اینجا اهمیت تولای انسان کامل معصوم و تبرای از مخالفان و محاربان وی معلوم خواهد شد.

سوم؛ انسان کامل و معصوم همچون حضرت آبی عبدالله (ع) در حد خود صراط مستقیم الهی است، که شناخت واقعی آن امام همام از دیدن موی باریک دقیق تر و اطاعت حقیقی وی از سلوک بر لبه تیز تیغ دشوارتر است. بهترین راهنمایی به مقصد ناب را باید از زبان صراط مستقیم شنید. زیرا تنها اوست که با مقصود نهایی پیوند زوال ناپذیر دارد و فقط اوست که ارتباط با او «سفینه نجات» از تیه و مصباح پر فروغ صحنه تاریک طبیعت است. آن حضرت تنها راه رسیدن به هدف والا را پیمودن راه اطاعت خدا معرفی کرد و اعلام داشت: «اگر کسی بخواهد از راه گناه به مقصود برسد، باید بداند که عصیان خداوند سبب می شود او بسیار سریع تکیه گاه امید خود را از دست بدهد و آنچه از او هراسناک است، زودتر گرفتار آن گردد؛ من حاول امرأ بمعصیه الله، کان أفوت لما یرجو و أسرع لمجیء ما یحذر». با این بیان نورانی معلوم می شود که هرگز هدف وسیله را توجیه نمی کند، بلکه برای نیل به هدف صحیح، باید از راه درست استفاده نمود، و کژراهه توان هدایت به هدف سامی را ندارد، و فقط اطاعت خدا در اوامر و نواهی مشتاقانه

آنچه می تواند اصحاب معرفت راقانع کند، نیل به اندیشه صائب و انگیزه صالح است. بهترین راه برای چنین مقصد سالمی و برای چنان مقصود عالی که عاکف و بادی را شیدا و عزیز و حسیض را واله، و پرده نشین و شاهد بازاری را تیهان و بالآخره حکیم حصولی و عارف حضوری را حیران کرده، حرکت در مسیر اسوه مجاهدان صحنه نبرد اصغر و اوسط و اکبر و اقتدا به قدوه مبارزان میدان طرغیان عیاش و متمزدان عیاش، و اهتدا به هدای امام هادیان علم و عمل، حضرت حسین بن علی بن ابیطالب (ع) است؛ زیرا این انسان کامل فرشته و ش هم اعماق فطرت بشری را شناخته و شکوفا کرده است، هم آفاق سپهر فرشتگی را پیموده و تنزل داده است؛ لذا مظهر اسم اعظم و از بارگاه تشریف خدا با خبر و از کارگاه تکلیف خلق آگاه است. چنین کون جامع و خلیفه تامّ الهی می تواند اسمای حُسنای مستخلف عنه و صفات غلبای او را در جامه جزم علمی و در کسوت عزم عملی ارائه نماید و همواره به بشر مُلکی بفهماند که تا بنده شدی، «تابنده» شدی؛ و به وی تعلیم دهد که چاره ای جز ستیز با اهریمن درون و نبرد با دیو و دد بیرون نیست؛ به ویژه در شرایط کنونی که قبیل های فضایی ابرهه غرب به عزم هدم کعبه استقلال و آزادی منطقه آمده، هر روز بی پناهان را مقتول، مصدوم و آواره می کنند. برای تبیین برخی از اصول اسلامی که از سنت و سیرت اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، مخصوصاً سالار شهیدان استنباط می شود، به تذکر چند مطلب بسنده می کنیم.



در سایه بهشت

یکم؛ حکومت و سایر مسائل وابسته به آن از علوم انسانی است و تحقیق علوم انسانی بدون تحلیل حقیقت انسان میسر نیست، و بررسی هویت انسان بدون شهود سیرت و سنت انسان کامل صعب است و تأمل تام در تاریخ پرافتخار انسان، گاهی چونان امام معصوم حضرت حسین بن علی (ع) بهترین راه برای انسان شناسی از یک سو و معرفت عناصر محوری حکومت دینی از سوی دیگر است؛ لذا بر حامیان حکومت دینی لازم است که حیات آن سیاستمدار الهی را الگو قرار دهند.

دوم؛ انسان کامل و امام معصوم همانند سیدالشهدا (ع) واسطه العقد و بیت الغزل سلسله

راهگشای مقصود برین است.

۱۴ | سرمشق آزادیگی

۱ چهارم؛ انسان کامل معصوم چونان حسین بن علی (ع) نه تنها از هر بندی آزاد و از هر رسم جاهلی و رسوب و همی رهاست، بلکه الگوی حریت از جهل علمی و آزادیگی از جهالت عملی است و چون آزادی کالایی گرانهاست، هر چیزی نمی تواند هزینه آن گردد. تنها سراسر است که در این مسیر باید قدم شود تا با پانهادن بر آن بتوان لایق حریت شد. قرآن کریم در این باره چنین می فرماید: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلْيُقَاتِلْ أَوْ يُغْلَبْ فَسُوفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»، یعنی کسی در راه خدا نبرد می کند که دنیا را به آخرت فروخته باشد.

چنین مجاهد نستوهی هنگام ورود به صحنه پیکار، بیش از دورا ندارد؛ یا شهادت یا پیروزی. هرگز راه سومی به نام تسلیم برای او مطرح نخواهد بود؛ زیرا ندای راهبردی پرچمدار آزادی این است: هیبهات منّا الذّله، بآبی الله ذلک و رسوله و المؤمنون و حجّو طابیت و أنوف حمیة و نفّوس ابیة؛ یعنی فرومایگی با فزایندی آزادمنشان نبوی و علوی و فاطمی و حسنی و حسینی (علیهم السلام) سازگار نیست.

۱۵ | سمت تدبیر و ارشاد

۱ پنجم؛ انسان کامل معصوم (ع) از آن جهت که خلیفه تامّ خداست، نسبت به سایر مردم سمت تدبیر و ارشاد، بلکه انعام و افاضه دارد و افراد دیگر در کنار مانده گسترده چنین انسان کاملی بهره مند خواهند بود؛ مثلاً اگر پرهیزگاران در سایه بهشت می آرند و رفاه آنان با ورود به بهشت تأمین می گردد، اصل بهشت در سایه مجاهدت های انسان های متکاملی که یا خلیفه خدایند یا مقتدیان به وی هستند، حاصل می شود.

این دو مطلب را می توان از قرآن کریم و سنت معصومان (ع) استنباط نمود. یکی آنکه پرهیزگاران در ظلّ بهشت به سر می برند: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ضَلَالٍ وَّ عُيُونٍ» و دیگری آنکه بهشت در ظلّ شمشیر مجاهد نستوه آرمیده است. چنان که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «الجنة تحت ظلال الشّیوف».

اگر بهشت رفتن رهین فداکاری ایثارگرانی است که دنیای خسیس و رخیص را فدای آخرت نفیس کردند، و اگر چنین بهشتی در سایه جهاد مجاهدان نستوه تأمین می شود، پس متقیان متوسط و پرهیزگاران عادی که در سایه بهشت متنعم اند، مرهون مبارزات راد مردان الهی اند. چه اینکه دینداری آنان نیز در دنیا در گرو مزد داری پیکارجویان دینی و نام آوران صحنه ستیز با بیگانه است؛ یعنی اوساط از مؤمنان در دنیا و آخرت، مرهون کوشش مشتاقانه اوحدی از اهل ایمانند.

۱۶ | در کار عشق، حاجت تیر و خدنگ نیست

۱ ششم؛ انسان کامل معصوم همانند حسین بن علی (ع) چون مؤخّد ناب است؛ و توحید خالص از لوث هرگونه



انسان

کامل مانند

سیدالشهدا (ع)

تمام کارهای خود

را برای وجه الله

انجام می دهد

و هیچ سپاس و

ثنائی از کسی

توقع ندارد؛ «لا

رُبیدُ منکم جزاءً و

لا شکورا». کسی

که تمام همت او

وجه الله باشد،

از مصادیق بارز

وجه الله خواهد

بود؛ زیرا وجیه

نزد خداست و هر

انسان کاملی که

مصدق وجه الله

شد، سهمی از بقا

داشته، مظهر تام

خدای سبحان

است که باقی

مطلق است و

همه چیز محکوم

هلا کند، مگر

وجه او؛ «كُلُّ

شیء هالک إلا

وجهه»

دوگانگی منزه است، لذا در تمام شئون علمی و عملی خود متوجه خدای سبحان بوده، جهاد او مانند نماز وی، قربان و عامل تقرب است و مبارزه وی همسان نماز او معراج و مایه عروج است؛ زیرا آنچه درباره نماز وارد شده که «الصلاة قربان کُلّ تقی»، یا چنین گفته شد: «الصلاة معراج المؤمن»، صبغه تمثیل دارد، نه تعیین.

بنابراین تمام عبادت های علمی و عملی انسان کامل، معراج وی خواهد بود؛ لذا حسین بن علی (ع) چونان امیر المؤمنین (ع) حکومت را نه برای جاه و نه به منظور رفاه شخصی نمی خواستند، بلکه فقط برای برگرداندن احکام فراموش شده و حقوق از دست رفته می طلبیدند. از این جهت آن حضرت فرمود: «اللهم انک تعلم انّه لم یکن ما کان منّا تنافساً فی سلطان و لا التماساً من فضول الخطام لکن لتزیدَ (لنری) المُعالم من دینک و نظهرَ الاصلاح فی بلادک و یأمنَ المظلومون من عبادک و یعملَ بفرائضک و شنک و احکامک، فإن لم تنصرونا و تصفونا قوی الظلمه علیکم و عملوا فی اطفاء نور نبیکم و حسبنا الله و علیه توکلنا و الیه أنبنا و الیه المصیر».

نی طالب حجازم و نی مایل عراق

نی در هوای شامم و نی در خیال طوس

تسلیم حکم ازل را چه احتیاج

غوغای عالم و جنبش لشکر، غریب کوس؟

در کار عشق، حاجت تیر و خدنگ نیست

آنجا که دوست جان طلبید، جای جنگ نیست

۱۷ | مصداق وجه الله

۱ هفتم؛ انسان کامل مانند سیدالشهدا (ع) تمام کارهای خود را برای وجه الله انجام می دهد و هیچ سپاس و ثنائی از کسی توقع ندارد؛ «لا رُبیدُ منکم جزاءً و لا شکورا»، کسی که تمام همت او وجه الله باشد، از مصادیق بارز وجه الله خواهد بود؛ زیرا وجیه نزد خداست و هر انسان کاملی که مصداق وجه الله شد، سهمی از بقا داشته، مظهر تام خدای سبحان است که باقی مطلق است و همه چیز محکوم هلا کند، مگر وجه او؛ «كُلُّ شیء هالک إلا وجهه».

از این منظر، انسان کامل را «بقیة الله» گویند؛ زیرا سندی دوام او را خدای باقی امضا فرموده است و گروهی که پیوندی با وجه خدا داشته، در راستای رضای او کوشش نموده و سعی می کنند، اولوا بقیة اند؛ یعنی صاحبان بقا و لاتقان دوام. برای نیل به وجه الهی جز گذر از وجاهت خلقی، راه دیگر نیست. برای رسیدن به چشمه بقا، جز عبور از دالان فنا مسیر دیگری نخواهد بود.

تنهارا هستی، نیستی است و راه مستقیم وجود، معدوم شدن است. آنچه دروازه عدم و لغت نیستی تعبیه شده، همانا ندیدن خود و نخواستن رضای خویش است؛ نه نبودن و از بین رفتن واقعی؛ زیرا هرگز عدم محض، کمال نبوده، نیستی صرف مسیر ارتقا نخواهد بود. اگر در ادبیات تازی و فارسی سخن از فنا برای بقا و نیستی برای هستی و عدم برای وجود مطرح می شود، مقصود همین است که اکنون به اشارت رفت. □



هدف

نهضت امام حسین (ع) جهل زدایی بود

■ حجت الاسلام و المسلمین فاطمی نیا



❏ دو هجرت سرنوشت ساز

حالا باورتان نمی آید بگویم این شیخ رفته ۶۰۰ صفحه را سه سطر و نیم خلاصه نویسی کرده، خیلی تماشایی است. ۶۰۰ صفحه، سه سطر و نیم. چه می گویند؟ یعنی جان کلام در نهضت فلسفه امام حسین (ع) این است که گفته. این عالم سنی می گوید در دنیا دو هجرت بود که سرنوشت بشر را عوض کرد. می گوید «الهجرت اولی لمحمد (ص)» هجرت اول هجرت اول پیغمبر اکرم (ص) بود. ما در نحو یک کان ناقصه داریم یک کان تامه. کان تامه به معنی وقوع است و این فرد کان تامه استفاده می کند یعنی هدف چه بوده است؟ هدف ساختمان اسلامی بوده، بالا رفتن کاخ اسلام بود. از این طرف می بینید که پیغمبر مولود مکه بود، اما مصلحت بر این بود که هجرت کند. هجرت کرد رفت در مدینه و مردم آمدند به استقبال، حتی روی دیوارها و پشت بام ها یا اگر درختی باشد روی شاخه آن نشستند و یک سرود تاریخی خوانده شد.

من به دوستان اهل بیته گفتم که به این نگویید سرود چون حقیقت ادانی شود. بگویند شهادتین دسته جمعی. تا این مردم صورت پیغمبر را دیدند همه شروع کردند به خواندن این سرود و شهادتین دسته جمعی. به دوستان بارها من

دستگاه امام حسین (ع) بسیار عظمت دارد. کسی که خداوند توفیق داده است که به هر عنوان در این نهضت نقشی داشته باشد باید به خود بیابد، یکی حالا صحبت می کند یکی ذاکراست، یک مداح است، یکی مجلس برگزار می کند. همه اینها انشاء الله تمامی با اخلاص مأجور هستند نزد پروردگار؛ به قول بعضی از اهل بیت می گویند محبت آتشی است که محبوب را می سوزاند. محبوب را! حالا شما می گویی آقا این مجلس چه می شود؟ اینجا بروم چه می شود؟ آنجا بروم چه می شود؟



در مورد فلسفه نهضت مولای ما اباعبدالله الحسین (ع) خیلی کتاب ها نوشته شده است. جداً زیاد است اما بنده گناهکار که در خدمت شما هستم در میان کتاب ها گشته ام و آنها را خوانده ام، اما یک شیخ سنی کتابی نوشته که واقعاً عجیب است. شما ماشاء الله اهل علم و عمل هستید، اهل قلم هستید. نکته ای عرض می کنم خدمتان که ما در علم ادب نکته ای داریم به نام خلاصه نویسی. خلاصه نویسی فنی است. یک سخنرانی را بیاورید در چند جمله جا بدهید بسیار هنر می خواهد. این شیخ مصری سنی که در فلسفه نهضت آقای ما مولای ما اباعبدالله (ع) کتابی نوشته است تقریباً ۶۰۰ صفحه است.

از شما آقایان می پرسم از شما علما، یک نفر که ۶۰۰ صفحه کتاب بنویسد و بگوید که آقا این را خلاصه نویسی کن تا آنجا که می توانی خلاصه و خیلی خلاصه کن، چقدر می تواند خلاصه کند؟ اگر ۶۰۰ صفحه بشود ۵ صفحه خیلی عالی است ولی اگر خیلی هنرمند باشد می تواند در ۲۰ صفحه خلاصه کند، می دانید که خیلی سخت است. من خودم سال ها قبل می خواستم کتابی را خلاصه نویسی کنم دیدم واقعاً خیلی سخت است؛ پوست آدم کنده می شود.

هدف نهضت

در زیارت اربعین این جمله هست که «وَبَدَلْ مُهَجَّتَهُ فِیکَ»
خدایا، امام حسین، مهجه خود را در راه تو داد.

مهجه چیست؟ در لغت می گویند: المهجه الروح، مهجه یعنی روح. خدایا امام حسین خون دلش را و جان و روحش را در راه تو فانی کرد: لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ بِرَأْسِهَا
اینکه بندگان تو را از نادانی بیرون بیاورد.

اصلاً فلسفه قیام و نهضت حضرت سید الشهداء (ع) جهل زدایی است، تمام جهالت ها و نادانی ها، نماینده یزید است، تمام علم ها، دانش ها، بصیرت ها، روشن بودن ها و فهمیدن ها، نماینده امام حسین (ع) است.

شما هر جای عالم که بنگرید که بویی از انسانیت و فهم و دانش برده باشند و پای تمدن به آنجا رسیده باشد، نام حضرت به عظمت برده می شود و از آن حضرت با تکریم و تعظیم به عنوان سرور آدگان و جوانمردان یاد می شود.

بدانید کتب ما، علمای ما و دانشمندان ما همه از برکت نهضت امام حسین است. خیلی خلاصه بخواهم به جوانان عزیز بگویم این است که یزید می خواست با کشتن سیدالشهدا در دانشگاه دین را ببندد ولی امام حسین (ع) با خون خود و عزیزانش این در را باز کردند. از همان روزهای نخستین شهادت امام حسین (ع) امام سجاد (ع) و عقیله بنی هاشم حضرت زینب کبری (س) به عنوان اساتید دانشگاه دین کار خود را آغاز کردند. تمام این سفر کوفه و شام درس دایر بوده تا رسیدند به مدینه و مستقر شدند.

در فضای خفقان مدینه فردی می گوید رفته خدمت سیدالسادین (ع) عرض کردم: یابن رسول الله کیف أصبحت؟ چگونه صبح کردید؟ جواب خیلی تلخ است. برای این جمله امام سجاد باید خون گریست. حضرت فرمودند: اصحننا خائفین به رسول الله. صبح کردیم در حالی که به خاطر انتساب به رسول خدا امنیت نداریم. ولی بقیه مسلمین در امنیت به سر می برند. انتساب به پیامبر مثل گناه بوده. اما در آن اختناق مدینه حضرت نهضت علمی به راه انداختند و این نهضت را به حضرت باقر (ع) سپردند. باز هم فضای خفقان بنی امیه بود. حضرت شاگردانی زیادی مثل کمیت را تربیت کردند و این نهضت را احیا کردند.

پس از شهادت امام باقر (ع) مدرسه به دست امام صادق (ع) افتاد. آواز علمی امام صادق در عالم پیچید به نحوی که از سراسر جهان برای کسب علم خدمت ایشان می رسیدند. این مدرسه از عجایب علمی عالم است. ما در دنیا مدارس طب داریم که پزشکان به آن مراجعه می کنند. مدارس اقتصاد داریم که اقتصاددان ها به آن رفت و آمد دارند. مدارس فقه را فقها مراجعه می کنند اما مدرسه امام صادق (ع) جامع همه علوم بود. فلاسفه، عرفا، فقها، کلامیون همه و همه گمشده خود را در این نهضت علمی امام صادق (ع) می یافتند. پس از امام صادق نیز بقیه ائمه به سهم خود در گسترش این نهضت تلاش کردند تا رسید به عصر ما که شیخ طوسی حوزه نجف را پایه گذاری می کند. □



یزید می خواست

با کشتن

سیدالشهدا در

دانشگاه دین را

ببندد ولی امام

حسین (ع) با خون

خود و عزیزانش

این در را باز کردند.

از همان روزهای

نخستین شهادت

امام حسین (ع)

امام سجاد (ع) و

عقیله بنی هاشم

حضرت زینب

کبری (س) به

عنوان اساتید

دانشگاه دین

کار خود را آغاز

کردند. تمام این

سفر کوفه و شام

درس دایر بوده تا

رسیدند به مدینه

و مستقر شدند

گفتم که نفاق در مدینه تأسیس شد. دیدیم که نفاق چه کرد. مختصر بگویم نفاق در مدینه تأسیس شد. چرا؟ برای اینکه در مکه مسلمین کم بودند. دیوارشان هم کوتاه بود. وقتی آمدند در مدینه تعداد مسلمین زیاد شد. پس مشرکین گفتند مسلمان ها کم بودند اما حالا زیاد شده اند، چه کار کنیم چه کار نکنیم؟ فردا می خواهیم دختر بگیریم، دختر بدهیم، معامله کنیم، نفاق را بنده تحقیق کردم و به فضل خدا رسیدم به اینکه ریشه نفاق می رسد به اینجا.

اگر بخواهم این نفاق را توضیح بیشتر بدهم، ببینید در عربی یک نوع موش بزرگ هست که به او می گویند تریبوع. این دو تالانه مجاور هم می سازد. مثل اینکه شما سه تا اتاق کنار هم بسازید در وسط یک راهرو بگذارید. غیر از اینکه یک راه در وسط دارید این دو اتاق هر کدام یک در مستقل هم به بیرون داشته باشد. این موش از یک در وارد اتاق می شود و از آن در وسط می رود داخل اتاق دیگر و از آن یکی می رود بیرون.

دشمن که دنبالش می رود وارد لانه می شود، از وسط رد می شود و از آن یکی می رود بیرون در حالی که دشمن نمی فهمد او کجاست. می گویند منافق هم دو تالانه دارد؛ یک لانه اش کفر و لانه دیگرش اسلام، یعنی تظاهر به اسلام.

بحث نفاق طولانی است، برگردیم به موضوع بحث خودمان؛ بنابراین پیغمبر هجرت کرد و آمد مدینه. چرا؟ هدف چه بود؟ می گوید هدف ساختن این ساختمان بود، ساختن ساختمان اسلام. اما یک هجرت دیگر هم بود و آن هجرت دوم هجرت امام حسین (ع) بود. «کانت المحافطت اسلام، آن هجرت برای بنا بود و این برای مقاومت. آمد که از ساخته جدش محافظت کند. خود حضرت فرمود آمده ام تا دین جدم را تجدید کنم... دین جدم را می خواهیم احیا کنم.

حالا اینجا آن آقا از آن طرف دنیا آمده تا این تحلیل را داشته باشد و اینها حرف علمای سنی است که می گویند: آیا امام حسین (ع) از شهادتش اطلاع داشت؟

حالا عده ای می گویند امام حسین (ع) می دانسته است که می خواهد شهید بشود و عده ای می گویند نه! نمی خواهم وارد این مسائل بشوم. ما شیعیان عقایدی داریم. این حرف ها زائد است که بگوییم امام حسین (ع) می دانسته است می خواهد شهید بشود. بله که می دانست اما همه اش این نیست. اینجا حرف هایی است که گفته نشده. ائمه گفتارشان محکم است، این عین قرآن است، اعمالشان هم همین طور است. ما که می خواهیم پیروی کنیم باید محکم پیروی کنیم. امام حسین (ع) از اول هم می دانست قرار است شهید شود، حالا یک عده چراهایی مطرح می کنند. اصلاً اصول دین را به ما آموخته اند که چرا چرا نکنیم! برخی از این چراهای دنیای اهل تسنن آمده و برخی دیگر هم از دنیای غرب. پس حقیقت و فلسفه نهضت امام حسین (ع) این است که آمده تا دین جدش را احیاء کند. حالا وظیفه ما چیست؟



(ع) امام حسین مظهر کامل عشق و عقل الهی است

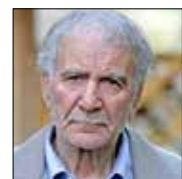
دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی

کدام عقل در انسان است که شهادت را می پذیرد؟

بعضی از آیات قرآن، بشر را تشویق به جهاد و شهادت می کند، مانند آنجایی که می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... انفال، آیه ۷۴»، اینجا مخاطب، کدام عقل در انسان است و این عقل چه منافی را جستجو می کند که تسلیم می شود تا جهاد کند و شهید شود؟ این خطاب به همه مؤمنین است. همه آیات قرآن همه انسان ها را مورد خطاب قرار می دهد. وقتی امر، امر خداوند باشد مقتضای عقل، تسلیم شدن در برابر آن است و به طور اساسی همین تسلیم هم حکم عقل است. تسلیم صفت عشق است یا عقل؟ عقل تسلیم خداوند

آنچه می خوانید گلچینی از دیدگاه های دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی درباره حرکت امام حسین (ع) و قیام عاشورا است که با عنوان «عقل و عشق در حریم عاشورا» منتشر شده است. ■

اساس عالم بر عقل و عشق استوار است که مظهر کامل آن، واقعه کربلاست. محرم، اوج زندگی و واقعه کربلا، عصاره آن است. مسئله عقل و عشق، مسئله ای بنیادی است، زیرا انسان هر دو ویژگی را دارد. هم عاقل است - و شاید تنها موجود عاقل در عالم باشد - هم عاشق، و عشق نیز از ویژگی هایش به شمار می آید.



چه در مرتبه پایین تر قرار گیرد، درجه عشقش پایین تر است تا اینکه می‌رسد به عشق حسی و شهوانی. عشق شهوانی هم به یک معنی عشق است، اما چون معرفت درستی در آن نیست در حد موضوعی شهوانی ارزش دارد. معرفت از خواص عقل است. هر اندازه که مراتب معرفت عاشق، بیشتر باشد، مراتب عشقش، لطیف تر است تا به عشق عالی الهی برسد که این همان عشق امام حسین (ع) است.

❑ حرکت امام حسین (ع) ذره‌ای خلاف عقل نیست

بیشتر نگاه‌ها به واقعه عاشورا، نگاهی احساسی و عاشقانه است و عقل را در آن کمتر داخل می‌دانند. آیا همه عاشورا و همه افعال امام حسین (ع) حکیمانه و مدبرانه نبوده است؟ در حرکت امام حسین (ع) ذره‌ای خلاف عقل نیست. او تجلی عقلانیت و تجسم عشق است. اگر خلاف عقل باشد اصلاً ارزشی وجود نخواهد داشت در حالی که امام حسین (ع) ولی مطلق خداوند است.

❑ فناء فی الله مرگ اختیاری است

اولیای خدا از مرگ نمی‌هراسند. ولی خدانه خوف دارد و نه غصه می‌خورد و اصلاً عاشق فناء در حق است. بنابراین، این مرگ، مرگ ظاهری است و اگر به دست ظالمی هم کشته نمی‌شد در مقام فناء فی الله بود:

مرگ را دانم ولی تا کوی دوست

راه اگر نزدیک تر داری بگو

در این شعر می‌گوید مرگی که تو می‌گویی می‌شناسم، اما راهی نزدیک به من نشان بده. مسئله کربلا هم همین است. قتل در عالم زیاد بوده است: غارت، کشتن، ظلم و ظالم و مظلوم. همه اینها از بدو خلقت و از زمانی که یکی از پسران حضرت آدم (ع) پسر دیگری را کشت، وجود داشته است و می‌دانیم وقتی خداوند می‌خواست انسان را بیافریند، ملائک گفتند او موجودی خونریز است، اما صحنه‌هایی در تاریخ است که تجلی الهی دارند؛ شهادت امام حسین (ع) این گونه است.

اگر کسی معرفت نداشته باشد، واقعه عاشورا را مانند دیگر وقایع تاریخی می‌بیند، اما زمانی که کسی به امام حسین (ع) معرفت می‌یابد و او را ولی خداوند می‌شناسد، می‌داند که صحنه شهادت و واقعه کربلا چه صحنه‌ای است و می‌داند امام حسین (ع) همیشه مقام فناء فی الله را داشته است. مولوی می‌گوید: خودم را به کربلا رساندم، شنیدم که اینجا سرها بریدند، استخوان‌ها قلم کردند، دیدم آنجا غوغایی به پا است:

رفتن و جولان سر میدان کنند

رقص اندر خون خود مردان کنند

چون رهند از دست خود، دستی زند

چون رهند از نقص خود رقصی کنند

مطربانشان از درون دف می‌زنند

بجرها در شورشان کف می‌زنند

این دهان بر بند از هزل ای عمو

جز حدیث روی او چیزی مگو ❑



بیشتر نگاه‌ها به

واقعه عاشورا،

نگاهی احساسی

و عاشقانه است و

عقل را در آن کمتر

داخل می‌دانند.

آیا همه عاشورا

و همه افعال

امام حسین (ع)

حکیمانه و

مدبرانه نبوده

است؟ در حرکت

امام حسین (ع)

ذره‌ای خلاف

عقل نیست. او

تجلی عقلانیت

و تجسم عشق

است. اگر خلاف

عقل باشد اصلاً

ارزشی وجود

نخواهد داشت

در حالی که امام

حسین (ع) ولی

مطلق خداوند

است

می‌شود، اتفاقاً عشق، سرکش است.

عشق از اول سرکش و خونی بود

تا گریزد هر که بیرونی بود

مردم اینگونه می‌اندیشند که عقل، سرکش است. عقل در مقابل خداوند تسلیم است و در جای خود کار می‌کند. بعضی دچار این اشتباه می‌شوند که عقل، متکبر است یا عقلاً متکبرند در حالی که انسان بی‌عقل است که کبر می‌ورزد. انسان عاقل تکبر ندارد. کسی که به وحدت نامتناهی حق ایمان دارد و با عقلانیتش می‌فهمد که خداوند، محیط علی الاطلاق است و همه هستی، ظل وجود حق تعالی و پرتو نور خداوند است و احاطه قیوم لایتناهی را درک کرده، چنین کسی چگونه تسلیم نشود؟

تسلیم شدن در برابر حق، حکم عقل است. این طور نیست که نخست دیندار باشیم و بعد عقل پیدا کنیم، بلکه ابتدا باید عاقل بود تا دیندار شد. انسان به مقتضای عقل دین را می‌پذیرد نه به مقتضای بی‌عقلی. اگر به مقتضای بی‌عقلی دین را بپذیرد، دینش ارزشی نخواهد داشت.

❑ قلب و عقل

انسان هم عقل دارد هم قلب. قلب انسان، عقل او نیست اما قلب زمانی سالم است که بر اساس عقل کار کند. اگر قلب انسان تقاضایی داشت و به مقتضای قلب بودن کارهایی انجام داد که از دایره عقلانیت و از حکم عقل خارج بود، آن کارها خوب نیستند.

کلمه قلب در فارسی، همان دل است. قلب یعنی چیزی که منقلب می‌شود، قلب آدمی هر لحظه دگرگون می‌شود و ثبات ندارد. بسیار حساس است و دگرگونی‌های فراوانی در آن اتفاق می‌افتد. قلب، لطیف‌ترین بخش وجودی انسان و در حقیقت، بخش اصلی هستی اوست، چه قلب معنوی چه قلب صنوبری.

این قلب ظاهری همین است که ضریبان دارد و گوشت است، اما قلب واقعی همان قلب معنوی و مرکز ادراک و احساسات، و آن خانه خداست. این قلب، حریم خدا و همان دل مؤمن است و البته دل انسان کامل. کعبه مجاز است و خانه‌ای است که با گل ساخته شده و البته مقدس، اما خانه حقیقی خداوند، دل مؤمن است.

حدیثی از امام جعفر صادق (ع) است که می‌گوید: انسان دارای قلب عقول است. عقول صیغه مبالغه عاقل و به معنی بسیار عاقل است، یعنی که قلب عاقل است. بنابراین عقل، با احساسات منافاتی ندارد و چه بسا اگر احساسات انسان با عقل هماهنگ نباشد بسیار زیان بخش خواهد بود.

به یقین، حضرت سید الشهدا همان طور که مظهر کامل عشق الهی است، مظهر کامل عقل الهی هم هست. اگر عقل الهی نداشت، عشق الهی هم نداشت. عقل و عشق امام حسین (ع) و دیگر اولیای خدا از یکدیگر جدا نیست. عشقش عقلانی بود، زیرا عشق هر عاشقی به اندازه عقل اوست. عقل، ظرف عشق اوست.

ارزش هر عاشقی به اندازه معرفت اوست. هر چه عاشق، معرفت بیشتری داشته باشد، عشقش لطیف تر است. هر

درباره وفای به عهد و حادثه عاشورا

هوشیار باشیم تا به سر ما آن نیاید که بر سر آنها آمد

■ دکتر فاطمه طباطبایی

الهی یعنی وفای به عهد و پیمان بیاندیشیم و هم به جزای پیمان شکنی فکر کنیم، قبل از آنکه فرصت ما به آخر رسیده باشد.

می‌دانیم که انسان‌ها در لحظات آخر زندگی مسائلی را می‌بینند یا می‌شنوند، به هر اندازه روح از مادیات جدا باشد به حقایقی راه پیدا می‌کند و مشاهداتی هم از این افراد نقل و ثبت شده است؛ قدر مسلم و بدیهی است هر کسی به اندازه اعمال و معرفت خود مسائلی را مشاهده خواهد کرد؛ بعضی ملک الموت را بسیار زیبا و برخی بسیار مخوف ملاحظه می‌کنند. معاویه هم در آن لحظه مفارقت اجباری روح از بدن حقایقی را مشاهده کرد و سخنانی تکان دهنده گفت؛ از میان مشاهدات معاویه چند جمله واقعاً گوینده است؛ از آن جمله: ای کاش برای رسیدن به سلطنت تلاش نکرده بودم! ای کاش در رویارویی بالذات دنیا مانند نابینایان بودم! یعنی آنها را نمی‌دیدم. ای کاش مانند کسی بودم که بهره‌اش از دنیا لباسی مندرس و طعامی ناچیز بود! کاش در چنین شرایطی بودم!

معاویه در آن لحظات، چه دیده بود که به این معرفت رسیده بود؟ نمی‌دانیم؛ اما این سخنان برای ما خیلی درس آموز، و عبرت‌انگیز است؛ قرآن همیشه به ما توصیه

یکی از جلوه‌های مهم اخلاقی قیام عاشورا، وفای به عهد است. از این منظر در آن اندکی بیاندیشیم؛ وفای به عهد دستور قرآنی است و خداوند به بندگانش فرمود: «اوفو بالعقود» به عهد و پیمانی که بسته‌اید وفادار باشید. وظیفه هر یک از ماست، که در هر جایگاهی که قرار داریم و در هر لباسی، به تعهداتمان وفادار باشیم. در این ایام درباره امام حسین (ع) و کسانی که نسبت به ایشان بدعهدی کردند زیاد می‌شنویم.



خوب است بدانیم پایبندی ایشان به عهد و پیمان و برخوردشان با عهدشکنی معاویه چگونه بود؛ دوستان امام حسین (ع) به ایشان مراجعه می‌کردند و از ظلم‌هایی که معاویه درباره آنها روا می‌داشت شکوه می‌کردند؛ اما ایشان تاکید داشتند که نمی‌خواهند عهدی را که امام حسن (ع) با معاویه بسته را بشکنند، ایشان نسبت به آن عهد مقتید بودند چون پیمان شکنی را جایز نمی‌دانستند و در اسلام پیمان شکنی از ذائل اخلاقی است. این ارتباط دوستان امام حسین (ع) با ایشان، طرفداران معاویه را به وحشت انداخت و برای معاویه نامه نوشتند و او را از خطراتی که از ناحیه امام حسین (ع) متوجه حکومت هست آگاه کردند؛ معاویه در پاسخ گفت تا حسین بن علی آشکارا اقدامی بر علیه ما نکرده با او کار نداریم، زیرا او هم می‌دانست که پیمان شکنی هزینه سنگینی دارد، اما علیرغم این فرمان نتوانست به این عهد وفادار بماند، چون وفای به عهد امر مشکلی است و به سادگی حاصل نمی‌شود و به ریاضت نیاز دارد.

او این پیمان را شکست و پیمان شکنی از طرف معاویه آغاز شد، اما امام (ع) همچنان بر عهدی که بسته بودند وفادار بودند، به یاران امام (ع) سخت گرفت آنها را تبعید و شکنجه کرد و... مردم هم از این عمل معاویه رنجیده خاطر شدند و تزلزلی در جامعه پیش آمد. معاویه در یک حرکت مزورانه، به امام حسین (ع) نامه نوشت؛ که شنیده‌ام علیه حکومت کارهایی انجام می‌دهی؟ اگر راست باشد دور از انتظار است و بدین ترتیب تو پیمان شکسته‌ای و جزای عهدشکنی مقابله به مثل است، اگر تو حکومت مرا تأیید نکنی من هم تو را تکذیب می‌کنم و اگر به من نیرنگ بزنی من هم نیرنگ می‌زنم. او می‌خواست در جامعه امام را عهدشکن معرفی کند و این امر ناپسند را به امام (ع) نسبت دهد.

امام حسین (ع) در پاسخ به او درحالی که تک‌تک کارهای او را برشمردند فرمودند: من اعمالی را که ذکر کردی هرگز انجام نداده و آهنگ جنگ با تو را ندارم، سخن چینیان می‌خواهند بین امت اسلام تفرقه بیندازند، در حالی که تو پیمان شکستی و یاران پیامبر (ص) و کسانی را که با بدعت گذاران مبارزه می‌کردند، آمران به معروف و ناهیان از منکر، را کشتی، صفت نیک وفای به عهد عرب را شکستی و کارهایی برخلاف مشی و شیوه پیامبر انجام دادی و... .

بعد از این عهدشکنی‌های معاویه بود که امام (ع) کارهای او را علناً اعلام کرده و معاویه در صدد بیعت از امام (ع) برآمد. از عبرت‌انگیزترین داستان‌های تاریخ درباره نقض عهد، می‌توان به ماجرای لحظه مرگ معاویه اشاره نمود، تا هم بیشتر به این فرمان



بخواهیم عمر بن سعد هم نباشیم که با شک و تردید روزگار را بگذرانیم؛ به حقایق عالم با شک و دودلی نگاه کنیم و در آخر کار هم دنیا را به دین و آخرت و زندگی ابدی ترجیح دهیم. چه باید کرد؟ باید تلاش کنیم تا مانند امام حسین (ع)، از آبرو و دنیا و جاه و مقام و ... به خاطر دین بگذریم.

از شنیدن این وقایع چه نتیجه‌ای باید بگیریم؟ از برگزاری جلسات و عزاداری‌ها چه چیزی باید عایدمان بشود؟ مسلماً تکرار بدون تفکر و تدبیر در واقعه عاشورا، دردی از ما دوا نخواهد کرد، از طرفی قطعاً این جلسات فوایدی داشته که راهبران و بزرگان دینی ما به برگزاری آنها سفارش کرده و حتی اشک بر مصائب اهل بیت (ع) را مایه انبساط روحی و شادی و فرح معنوی دانسته‌اند.

باید ببینیم، آیا حضور در این جلسات و آگاهی از فضائل امامان که واسطه فیض، راهبر و دستگیر ما هستند، ما را به مقصود و مطلوبمان می‌رساند و چه فایده‌ای می‌تواند برای ما داشته باشد؟ شنیدن رذائل اخلاقی انسان‌هایی که در توهم دینداری به سر می‌برند چه فوایدی برای ما می‌تواند داشته باشد؟ هوشیار باشیم، بیاندیشیم تا به سر ما آن نیاید که بر سر آنان آمد. □



.....

عاشورا صحنه

رویاری

عالی‌ترین

انسان‌ها با

پست‌ترین

انسان‌ها است

که عهد شکنی

کردند. مواظب

باشیم و گمان

نکنیم که این

رذائل اخلاقی از

ما دور است و

امکان ائصاف ما

به آنها نیست.

می‌کند از زندگی انسان‌ها عبرت بگیرید. امام (ع) به او فرموده بودند که تو پیمان شکنی کردی، در حالی که سوگند یاد کرده بودی یاران پیامبر (ص) را آزار ندهی و آنها از خشم تو در امان باشند.

این عهد شکنی معاویه به فرزندش یزید هم سرایت کرد. عاشورا صحنه رویاری عالی‌ترین انسان‌ها با پست‌ترین انسان‌ها است که عهد شکنی کردند. مواظب باشیم و گمان نکنیم که این رذائل اخلاقی از ما دور است و امکان ائصاف ما به آنها نیست. دقت کنیم کسانی که در کنار یزید قرار گرفتند هم ادعای دیانت و انسانیت داشتند، در عمل هم کارهای مثبتی داشتند، اما آن آمد بر سرشان که شنیدیم.

به تعبیر دکتر شریعتی در کربلا سه شخصیت برجسته داریم: یکی از آب گذشت اما از آبرو نگذشت، از دنیا گذشت ولی از دینش نگذشت. یکی از آبرو و دینش برای دنیا گذشت و یکی در حالت تردید ماند تا بالاخره از دین و آبرویش برای به دست آوردن دنیا گذشت. ما در زمره کدام دسته هستیم؟

مانند یزید هم نیستیم که از مال و نعمات دنیایی بهره‌مند باشیم و به خاطر حفظ آنها از دینمان بگذریم؛ از خدا





تفکر و تعهد در نهضت حسینی (ع)

پاک‌بازان راه خدا

■ شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

کردن نشان اکتفا نکرد، در افکار عمومی آنها را لگدمال کرد، مردان پاکی چون حجر بن عدی و عمرو بن حر [حقیق]، سیدان و شیعیان خالص مولا (ع) به دست عمال معاویه در کنار پایتخت حکومت اسلامی آن روز، سر به نیست شدند. آیا نمی‌نگرید در چنین شرایطی این سعادت‌مندان چگونه شهید شدند.

جالب این است که درست آن طور که سیدالشهدا (ع) در چند جمله بیان فرموده بود، دستگاه معاویه کسانی را که پیروان این حکومت پلید به نام مسلمان و با شعارهای اسلامی دین و دنیایشان را می‌فروختند، در افکار عمومی، مسلمان ممتاز و درجه یک معرفی می‌کرد و مردان و زنان مسلمانی را که دین تا اعماق جانیشان نفوذ کرده بود، نه از مرگ، نه از شکنجه، نه از زندان و نه از هیچ رنج و محرومیت دیگری ترسیدند، آن‌ها را به عنوان کسانی که گرایش‌های ضد اسلامی و مذهبی دارند معرفی می‌کرد!

□ چگونه می‌توانست بی‌تفاوت بماند؟

آیا امام (ع) می‌توانست در چنین شرایطی که مؤمنان خالص - که ایمان و اسلام برایشان مکتب است - به صورت کسانی که گرایش‌های ضد اسلام دارند، معرفی می‌شدند و با چنین مرزبندی، انحراف افکار عمومی مسلمانان از حقیقت تابناک ایمانی صورت می‌گرفت و در مقابل، یک مشت تجلیات تو خالی و درون‌تهی به نام مذهب مورد تجلیل قرار می‌گرفت، در چنین شرایطی امام حسین فرزند دل‌بند پیغمبر، فرزند علی و فاطمه (س) چگونه می‌توانست بی‌تفاوت بماند؟

نه امام حسن بی‌تفاوت می‌ماند، نه امام حسین، نه

متن حاضر بخشی از تعالیم آیت‌الله دکتر بهشتی در تشریح فلسفه قیام اباعبدالله الحسین (ع) ذیل تفسیر آیه ۸۵ سوره بقره است که ضمن جلسات هفتگی تفسیر قرآن کریم که در فاصله سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۴۹ برگزار می‌شد، بیان شده است. ایشان با نقد کجروی‌ها و بی‌تفاوتی در برابر آنها، خطر انحراف از فلسفه قیام امام حسین (ع) را گوشزد می‌کند و نگرانی خود را از خالی شدن نهضت حسینی از مفهوم و محتوا بیان می‌دارد. ■

از گذشته به زمان حال بیا، آینده را هم نگاه کن، سرگذشت زنده مولایمان حسین (ع) را به دقت مطالعه کن، ببین چه شد که حسین (ع) مدینه را پشت سر گذاشت و به مکه آمد؟ در آن روزهایی که همه مسلمان‌ها به سمت مکه، برای مراسم حج هجوم آوردند، در روز هفتم به جای اینکه به سمت عرفات کوچ کند، به سمت کوفه حرکت می‌کند، چرا؟



در سیره امام (ع)، نویسندگان مکرر و متعدد نقل کرده‌اند که امام (ع) در توضیح حرکتش فرمود: ای مردم با ایمان! امروز می‌بینم حق پایمال می‌شود، باطل حکومت می‌کند، با معروف مبارزه می‌شود، از منکر حمایت می‌شود، طرفداران حق پایمال می‌شوند، خودفروختگان به باطل تشویق می‌شوند، در چنین شرایطی یک انسان با ایمان متعهد نمی‌تواند آرام بگیرد و به جهاد، تلاش و کوشش در راه خدا کشیده می‌شود، چون با ایمان و متعصب است. این ایمان برایش دلخوش کن نیست؛ بلکه ایمان برایش راه زندگی است. مگر نه این است که پیغمبر (ص) فرموده است: در چنین شرایطی بی‌کار نشستن و دست روی دست گذاشتن گناهی بس بزرگ است. مگر نه این است که قرآن کریم در صدها آیه، بی‌تفاوت ماندن در چنین شرایطی را گناهی بزرگ می‌شمارد؟

ای مردم! من خود دیدم و ما خود دیدیم مردان پاک و مجاهد، انسان‌های باایمانی را که ایمان برایشان سخت‌تهدا و بود دستگاه پلید معاویه از خانه و کاشانه بیرونشان کشید، به سوی شام برد، در آنجا تهدیدشان کرد که از حقوقی و حمایت از حق دست بردارید. آنها تحت تأثیر این تهدید قرار نگرفتند، دستگاه پلید معاویه این‌ها را نابود کرد و به نابود



.....

نزدیکی به

حسین (ع) واقعی

و علی (ع) واقعی،

خود به خود

نزدیکی به خدا

است. چون اینها

راهی جز راه خدا

ندارند. بکوشید

تا اسلام، دین،

تشیع، ولایت،

حسین دوستی،

عزاداری، همه

اینها، به راستی

«راه» باشد، تعهد

بیاورد، مسیر

مشخص کند

یاران حسین (ع) چه نعمتی از این بالاتر می‌توانستند داشته باشند که می‌فهمیدند دنباله‌رو پیشوایی چون امام حسین (ع) هستند که به خودش، به راهش، به رهبری‌اش هیچ شک و تردیدی نداشتند. اما پذیرش چنین امام و پیشوایی در آن شرایط بحرانی، نصیب همه کس نمی‌شود. آنها که نامه‌های پی در پی به مکه فرستادند، امام حسین (ع) را به کوفه دعوت کردند، آنها هم در نامه‌هایشان نوشتند: ای فرزند رسول خدا! بیا، ما همه چیز داریم، شهری آباد، باغ‌هایی پرمیوه، باصفا، زندگی پررونق؛ اما یک چیز کم داریم، امام، پیشوا و رهبر نداریم. بیا امام، پیشوا و رهبر ما باش. آن‌ها پیشوا و امام را می‌خواستند. اما وقتی حسین (ع) آمد و اوضاع دگرگون شد و نماینده حکومت جبار یزید تمام راه‌ها را بر نهضت حسینی بست، و سوسه‌ها آمد و آنها را از چنین امامی دور کرد.

اکنون می‌دانید چرا وقتی در برابر تربت پاک شهدا می‌ایستیم عرض می‌کنیم: «یا لیتنا کثما معکم فَنَفُوزَ فَوْزاً عظیماً»؟ چون از یک طرف به نعمت بزرگ، یعنی وجود امام، پیشوا و رهبری که تا پیوستگی به خدا، مقام و منزلت بیت وحی خدا قابل اعتماد است، دسترسی داشتند. و همین طور این لیاقت را می‌بینیم که چطور این انسان‌های پاک لیاقت داشتند به دنبال چنین امامی بروند؟! همان طور که مکرر شنیده‌اید این لیاقت به صورت خاص در یک انسان موفق دیگر در روز عاشورا و در آن شرایط سهمگین روی آورد و او، حربین یزید ریاحی است.

□ یک لحظه تفکر

انسان در شرایط خراب باشد و از آن توفیق بهره‌مند شود، خیلی است. او یک سرباز ساده نیست، یک افسر و فرمانده است، نخستین مأموریت برای جلوگیری از آمدن امام (ع) به کوفه به او داده شده است. این مأموریت که با نجات هم همراه است، انجام گرفت. کاروان حسینی را به سرزمین کربلا آورده است. از این به بعد هم دیگر مسئولیت فرماندهی بر دوش او نیست، کار دست دیگری است. این بار رهبری جنگ یا بردوش عمر بن سعد است یا بردوش شمر بن ذی الجوشن، اما او افسر است، در آن صحنه کارزار ایستاده و می‌اندیشد، ببینید اینجاست که عاطفه با اندیشه همراه می‌شود. به این صحنه می‌نگرد، در این میدان چه چیزهایی مقابل هم ایستاده‌اند، چه کسانی رودر روی هم ایستاده‌اند؟ چه کسانی با هم پیکار می‌کنند؟ من که حربین یزید ریاحی هستم به چه نام به این میدان آمده‌ام؟ به این کارزار آمده‌ام؟ با خود فکری می‌کند به چه حساب آمده‌ام؟ با خود فکری می‌کند و به نتیجه می‌رسد.

حزّ به کدام سو می‌اندیشد و به یک نتیجه روشن می‌رسد. که باید به صف حسین (ع) بپیوندد. چه موقع؟ در لحظاتی که امید پیروزی برای یک افسر آشنا به فنون جنگ و مبارزه، امری موهوم نمی‌تواند باشد و پیوستن به حسین (ع) یعنی کشته شدن و شهادت با افتخار چیست؟ افتخار یعنی با روسفیدی در درگاه خدا حاضر شدن. حساب خدا که بیاید، دیگر افتخارات زیر پای می‌رود. □

موسی بن جعفر، نه امام رضا، نه حضرت جواد، نه حضرت عسکری، نه حضرت صادق. سلام الله علیهم اجمعین. همه اینها می‌کوشیدند با در نظر گرفتن حدود و امکانات زمانشان در برابر این کجروی‌ها بی‌تفاوت نمانند. چرا؟ برای اینکه اینها دین و ایمانشان برایشان مکتب سعادت آور بود نه دلخوش کننده.

وقتی علی (ع) در دل شب در مناجاتش با خدا ضجه می‌زند، خطاب می‌کند، خداوند! این بنده تو اگر از او خطا و گناهی سر زده است، با چه رویی در روز رستاخیز به سوی تو آید! ای شیعه علی از این مناجات علی (ع) چه می‌فهمی؟ از این می‌فهمیم که با ذکر یا علی و یا حسین گفتن، حساب تمام تعهد و اریزی می‌شود؟ از این می‌فهمی که با همین محبت خالص و مخلصانه اما بدون عمل، بدون اینکه توأم با عمل به واجبات و اجتناب از محرّمات، توبه از گناه و توبه از مسامحه و سهل انگاری در ادای وظیفه باشد، بدون اینکه همراه با اینها باشد، آیا می‌توانی در راه نجات قرار گیری؟

حسین (ع) سفینه نجات است بله که سفینه نجات است. اما کدام حسین؟ هر کس بر این سفینه سوار شود، به سوی نجات می‌رود، اما باید سوار شود، مثل اهل بیت (ع) و پیشوایان پاک از اهل بیت پیغمبر، مانند کشتی نوح است. هر کس در آن سوار شود نجات می‌یابد و هر کس از آن دوری جوید، غرق می‌شود اما سوار شدن چیست؟ دوری گزیدن چیست؟

اکنون من با صراحت و قاطعیت می‌گویم هر کس دنباله‌رو علی (ع) است، نجات پیدا می‌کند، هیچ شکی هم در این ندارم. همچنین کلمه ولایت یعنی هم پیمانی، هر کس هم پیمان علی (ع) و حسین (ع) است نجات پیدا می‌کند، من شکی در این ندارم.

□ راه خدا

نزدیکی به حسین (ع) واقعی و علی (ع) واقعی، خود به خود نزدیکی به خدا است. چون اینها راهی جز راه خدا ندارند. بکوشید تا اسلام، دین، تشیع، ولایت، حسین دوستی، عزاداری، همه اینها، به راستی «راه» باشد، تعهد بیاورد، مسیر مشخص کند تا دیگر از آنها به عنوان ایفون جامعه نام برده نشود.

در سفری که توفیق داشتیم به تربت پاک حسین (ع) و شهدای دیگر تشریف پیدا کنم، در برابر آنجایی که به عنوان قبور شهدا در حرم حسین (ع) است، ایستاده بودم، در زیارت آنها به خصوص در گفتن یک جمله خیلی تکان خوردم، آن جمله این است: «یا لیتنا کثما معکم فَنَفُوزَ فَوْزاً عظیماً»؛ (ای پاک بازان راه خدا، ای کاش ما هم با شما بودیم تا به سعادت بزرگ می‌رسیدیم.) می‌دانید چرا؟ موقع خواندن این جمله تکان می‌خوردم، حالا هم تکان می‌خورم، چون من خودم را در شرایط آن زمان می‌گذارم، می‌بینم یاران حسین (ع) از بزرگ‌ترین نعمت خدا برخوردار بودند، می‌دانید بزرگ‌ترین نعمت برای آدمی که در دلش احساس تعهد و وظیفه کند، چیست؟ نعمت دستیابی به رهبر قابل اعتماد است.



دکتر سید جعفر شهیدی:

قیام سید الشهدا (ع) برای ولایت بود

حجت الاسلام و المسلمین احمد احمدی



وی با اشاره به وضعیت اجتماعی صدر اسلام و با طرح این سؤال که «چرا چنین اجتماعی در زمان امام حسین (ع) تغییر کرد؟» اظهار داشت: علت عمده تغییر جامعه آن زمان مسلمانان، این بود که مکه پایگاه قدرت عرب‌های شمالی بود و مشرکان در آن جای داشتند، در سال ۸ هجری به وسیله مسلمانان فتح شد و رسول اکرم (ص) در اول سال ۱۱ هجری رحلت کردند؛ یعنی مردم مکه فقط ۲ سال با پیامبر ارتباط داشتند. دیگر عرب‌ها تابع مکه بودند؛ یعنی تا مکه تسلیم نشد، بقیه ساکنان جزیره العرب هم تسلیم نشدند؛ به همین جهت سال ۹ هجری رسول الله (ص) وفود نامیدند چون تا سال ۸ هجری کسی از مردم جزیره

مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی، استاد و عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران که آثار و کتاب‌های مشهوری درباره تاریخ صدر اسلام مانند «تاریخ تحلیلی اسلام» و واقعه عاشورا از جمله «تحقیقی پس از پنجاه سال درباره قیام امام حسین (ع)» نگاشته در گفتگویی که با خبرگزاری دانشجویان ایران داشته، به ذکر عوامل اصلی رخداد عاشورا پرداخته است. فزاهایی از این مصاحبه را که در حقیقت جنبه تحلیلی دارد، می‌خوانیم

دکتر شهیدی، کمرنگ شدن مفاهیم اسلامی بین مردم و سرگرم شدن آنها به مال دنیا را علت عمده حادثه عاشورا می‌داند و در ابتدای این گفتگو اظهار می‌دارد که جامعه آن روز از لحاظ اعتقادات دینی و سایر عوامل اجتماعی، جامعه منحطی بود.



.....

از زمانی که الجایتو می‌گوید مذهب شیعه هم مانند سایر مذاهب آزاد است؛ ایرانیان شروع می‌کنند به گریه کردن برای امام حسین (ع) و قبل از این مساله گریه کردن در ایران نبود.

وی گریه کردن بر سیدالشهدا (ع) و عزاداری برای ایشان را یکی از سنت‌های معروف بین شیعه خواند و اظهار داشت: این عزاداری قبلاً گاهی به صورت‌هایی درمی‌آمد که با فقه اسلامی تطبیق نمی‌کرد. این پژوهشگر و محقق در زمینه تاریخ اسلام گفت: شعرها و عزاداری‌هایی که مردم را برای قیام به امر به معروف و نهی از منکر، تهییج می‌کرد؛ در دوران قاجار به وقت گذرانی تبدیل شد. مفهوم عزاداری این بود که قیام امام حسین (ع) را زنده نگه دارد که هدف امام (ع) امر به معروف و نهی از منکر بود و اگر از این طریق خارج شود لطفی ندارد.

دکتر شهیدی درباره مظلوم جلوه دادن امام حسین (ع) در مراسم عزاداری ایشان اظهار داشت: مظلوم بودن با انضام فرق دارد. مظلوم بودن یعنی کسی تمام قدرت خود را برای پیشرفت صرف کند، منتهی طرف مقابل از نظر نیروی نظامی قوی تر است اما انضام این است که کسی دست روی دست بگذارد تا بیایند و او را بکشند، اینها برای گریه کردن و مجلس گرم کردن خوب است ولی هدف اصلی سیدالشهدا (ع) این نبوده است.

وی در توضیح سخن حضرت امام حسین (ع) که می‌فرمایند «اگر دین نداری لاقول آزاد باشی» اظهار داشت: وقتی عده‌ای به خیمه زن‌ها حمله کردند، امام فرمودند اسیر گرفتن معنی ندارد. شما با من جنگ می‌کنید. من هم مقابل شما ایستاده‌ام که اگر آزاد مردید کار خلاف مروت و جوانمردی نکنید.

دکتر شهیدی ادامه داد: در فقه اسلامی، کشتن انسان‌های بالغ و اسیر گرفتن زن و بچه، خاص کافران است؛ یعنی وقتی لشکر مسلمان به جایی که مردم آن کافر هستند، می‌رود؛ آنجا باید تبلیغ کرد و اگر تبلیغ اثر نکرد و مردم مقاومت کردند، باید حمله کنند؛ یعنی مردم کوفه در آن روز، نوه و خاندان پیامبر را کافر حربی فرض کردند که واقعاً خلاف آزادی است.

وی درباره تأثیر پذیری از قیام امام حسین (ع) در پایان این گفتگو، خاطر نشان کرد: قیام امام حسین (ع) مخصوص یک دوره نیست؛ البته دیگر امامی نیست و شماری هم مقابل او نخواهد بود؛ ولی رویارویی حق و باطل همیشه بوده و هست. بنابراین اگر زمانی دیدیم، سنت پیامبر از بین می‌رود باید مقابلش بایستیم و در هر موقعیتی باید در مقابل هر خطری که متوجه دین و سنت رسول الله (ص) است، بایستیم و جلوی بدعت را بگیریم.

دکتر شهیدی حرکت حضرت زینب (س) را متمم نهضت و حرکت عاشورا دانست و افزود: اگر حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) این مسیر را طی نمی‌کردند و حضرت امام سجاد (ع) آن خطبه‌ها را در کوفه نمی‌خواند و حضرت زینب (س) در مجلس یزید آن سخنان را نمی‌فرمود، شاید حادثه عاشورا فراموش می‌شد. □

قیام امام

حسین (ع)

مخصوص یک

دوره نیست؛

البته دیگر امامی

نیست و شماری

هم مقابل او

نخواهد بود؛ ولی

رویاری حق

و باطل همیشه

بوده و هست.

بنابراین اگر

زمانی دیدیم،

سنت پیامبر از

بین می‌رود باید

مقابلش بایستیم

و در هر موقعیتی

باید در مقابل هر

خطری که متوجه

دین و سنت

رسول الله (ص)

است، بایستیم و

جلوی بدعت را

بگیریم

العرب گمان نمی‌کرد که اسلام بتواند پایدار بماند؛ لذا به محض این که دیدند مکه تسلیم شد و نقطه مقاومت از بین رفت، آن وقت مسلمان شدند؛ اگر از لحاظ زمانی فرصتی پیش آمده بود که حداقل یک نسل از مردم مکه با رسول (ص) ارتباط پیدا کنند، مسلماً آن حادثه (عاشورا) اتفاق نمی‌افتاد و مردم تغییر می‌کردند.

دکتر شهیدی خاطر نشان کرد: اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان که آن زمان در شبه جزیره عربستان زندگی می‌کردند پیامبر را ندیده بودند. به علاوه تنها چیزی که اکثر مردم - به ویژه نسل جوان که چرخ فعالیت اجتماع را به حرکت درمی‌آورد - از نظام اسلامی یاد گرفته بودند، این بود که به نام اسلام جنگ کنند، غنیمتی به دست آورده و آن را بین خود تقسیم کنند. هم چنین بذل و بخشش‌های فراوانی که در زمان عثمان شد، روح اسلام را از بین برد و از اسلام جز وسیله‌ای که بتوانند با آن جایی را فتح کنند و مالی به دست آورند، نمانده بود. اگر این مردم، دوره پیامبر و علی (ع) را دیده بودند شاید حادثه عاشورا به وجود نمی‌آمد. وی درباره فلسفه قیام حضرت امام حسین (ع) اظهار داشت: امام (ع) خود در این زمینه فرمودند که «من نیامدم که بخوام بر شما حکومت کنم و قدرتی به دست آورم؛ بلکه سنت پیامبر (ص) از بین رفته و بدعت جای آن را گرفته است، من قیام کردم برای این که سنت نبوی را زنده کنم و بدعت را بمیرانم.»

دکتر شهیدی با اشاره به اینکه بین امام و پیغمبر تفاوت وجود دارد، تأکید کرد: وقتی از طرف خدا حکمی به پیامبر داده شود، او باید با مردم روبه‌رو شود و حکم خدا را برساند؛ اما یک امام، زمانی قیام می‌کند که مردم بگویند ما حاضریم تو را یاری کنیم؛ بنابراین زمانی تکلیف برای امام مشخص می‌شود که مردم بگویند ما ایستاده‌ایم و از او استمداد بطلبند؛ به همین جهت سیدالشهدا (ع) اول بار که به ایشان نامه دادند، اقدام نکرد تا نامه‌های متعدد آمد. نامه‌های متعدد که آمد باز هم اطمینان نکرد. مسلم را فرستاد. وقتی مسلم به امام نوشت؛ آن وقت تکلیف بر عهده امام است که قیام کند و قیام او نیز قیامی نه برای ریاست عموم، بلکه برای ولایت بوده است؛ ولایتی که حیطة عملش نهی از منکر و امر به معروف باشد.

هم چنین درباره توجه هماهنگ به صورت و سیرت قیام امام حسین (ع) عنوان کرد: آنچه تا به امروز تشیع را گسترش داد و حفظ کرد مساله شهادت امام حسین (ع) و عزاداری برای ایشان است. وی ادامه داد: در سال ۳۶۲ هجری، معزالدوله دیلمی که حاکم بغداد بود دستور داد که زن‌ها چهره خود را سیاه و عزاداری کنند. تا آن زمان چنین چیزی سابقه نداشت. به همین جهت اهل سنت آن سال را سال بدعت نام نهادند ولی همان چیزی که آنها اسمش را بدعت گذاشتند، سبب شد که شیعه گسترش یابد.

دکتر شهیدی گفت: گریه کردن بر سیدالشهدا (ع) پس از کشته شدن امام حسین (ع) انجام گرفت و این سنتی موروثی در خانواده ائمه (ع) شد. پس از آن شیعیان در مساجد بغداد می‌نشستند و عزاداری می‌کردند. در ایران



حماسه حسینی

■ استاد شهید مرتضی مطهری

در آن صفحه، دیگر جنایت نیست، تراژدی نیست، بلکه حماسه است، افتخار و نورانیت است، تجلی حقیقت و انسانیت است، تجلی حق پرستی است. آن صفحه را که نگاه کنیم، می‌گوییم بشریت حق دارد به خودش ببالد. اما وقتی صفحه سیاهش را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که بشریت سرافکننده است و خودش را مصداق آن آیه می‌بیند که می‌فرماید: «قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدس لک» مسلماً جبرئیل امین در مقابل اعلام خدا که فرمود: «انی جاعل فی الارض خلیفه» سوالی نمی‌کند، بلکه آن دسته از فرشتگان که فقط صفحه سیاه بشریت را می‌دیدند و صفحه دیگران را نمی‌دیدند، از خدا این سؤال را کردند که: آیای خواهی کسانی را در زمین قرار دهی که فساد کنند و خون‌ها بریزند؟ و خدا در جواب آنها فرمود: «انی اعلم ما لا تعلمون»؛ من می‌دانم چیزی را که شما نمی‌دانید. آن صفحه، صفحه‌ای است که ملک اعتراض می‌کند؛ بشر سرافکننده است و این صفحه صفحه‌ای است که بشریت به آن افتخار می‌کند. چرا باید حادثه کربلا را همیشه از نظر صفحه سیاهش مطالعه کنیم؟ و چرا باید همیشه جنایت‌های کربلا گفته شود؟ چرا همیشه باید حسین بن علی از آن جنبه‌ای که مورد جنایت جانیان است مورد مطالعه ما قرار بگیرد؟ چرا شعارهایی که به نام حسین بن علی می‌دهیم و می‌نویسیم، از صفحه تاریک عاشورا گرفته شود؟ چرا ما صفحه نورانی این داستان را کمتر مطالعه می‌کنیم، در حالی که جنبه حماسی این داستان صد برابر جنبه جنایی آن می‌چربد و نورانیت این حادثه بر تاریکی آن خیلی می‌چربد پس باید اعتراف کنیم که یکی از جانی‌های بر حسین بن علی ما هستیم که از این تاریخچه فقط یک صفحه‌اش را می‌خوانیم، و صفحه دیگرش را نمی‌خوانیم. جانی‌های بر امام حسین آنها هستند که این تاریخچه را از نظر هدف منحرف کرده و می‌کنند. □

همه می‌دانیم که فلسفه عزاداری و تذکرامام حسین (ع) که به توصیه ائمه اطهار سال به سال باید تجدید شود، به خاطر آموزندگی آن است، به خاطر آن است که یک درس تاریخی بسیار بزرگ است. برای اینکه یک درس را انسان مورد استفاده خودش قرار بدهد، اول باید آن درس را بفهمد و حل کند. در نهضت حسینی عوامل متعددی دخالت داشته است و همین امر سبب شده است که این حادثه با اینکه از نظر تاریخی و وقایع سطحی، طول و تفصیل زیادی ندارد، از نظر تفسیری و از نظر پی بردن و به ماهیت این واقعه بزرگ تاریخی، بسیار پیچیده باشد. یکی از علل اینکه تفسیرهای مختلفی درباره این حادثه شده و احیاناً سوء استفاده‌هایی از این حادثه عظیم و بزرگ شده است، پیچیدگی این داستان است از نظر عناصری که در به وجود آمدن این حادثه مؤثر بوده‌اند.



حادثه کربلا یک جنایت و یک تراژدی است، یک مصیبت است، یک رثاء است. این صفحه را که نگاه می‌کنیم، در آن، کشتن بیگناه می‌بینیم، کشتن جوان می‌بینیم، شیر خوار می‌بینیم، اسب بر بدن مرده تاختن می‌بینیم، آب ندادن به یک انسان می‌بینیم، زن و بچه را شلاق زده می‌بینیم، آب ندادن به یک انسان می‌بینیم، اسیر را بر شتر بی جهاز سوار کردن می‌بینیم، از این نظر قهرمان حادثه کیست؟ واضح است وقتی که حادثه را از جنبه جنایی نگاه کنیم، آنکه می‌خورد قهرمان نیست، آن بیچاره مظلوم است. قهرمان حادثه در این نگاه یزید بن معاویه است، عبیدالله بن زیاد است، عمر سعد است، شمر ذی الجوشن است، خولی است و یک عده دیگر؛ لذا وقتی که صفحه سیاه این تاریخ را مطالعه می‌کنیم، فقط جنایت و رثاء بشریت را پس می‌بینیم. پس اگر بخواهیم شعر بگوییم چه باید بگوییم؟ باید مرثیه بگوییم و غیر از مرثیه گفتن چیز دیگری نیست که بگوییم. باید بگوییم:

ز آن تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد

فریاد العطش ز بیابان کربلا

اما آیا تاریخچه عاشورا فقط همین مصیبت است و چیز دیگری نیست؟ اشتباه ما همین است. این تاریخچه یک صفحه هم دارد که قهرمان آن صفحه دیگر پسر معاویه نیست، پسر زیاد نیست، پسر سعد نیست، شمر نیست. در آنجا قهرمان حسین است.

فرو خوردن خشم یک حسنه اخلاقی و یکی از مهارت‌های ارتباط اجتماعی است که به آرامش فردی و عمومی جامعه کمک بسیاری کند. در این بخش به این موضوع پرداخته‌ایم. معنا و مفهوم کظم غیظ در قرآن و سنت به قلم آیت‌الله مکارم شیرازی اولین مطلب این بخش است و در ادامه تبیین تفاوت خشم انسانی و خشم حیوانی از نظر شهید آیت‌الله دستغیب، مقایسه مدل‌های مدیریت هیجان در آموزه‌های دینی و روانشناسی، ویژگی‌های خشم مقدس و خشم تباه کننده و ۲۰ تکنیک کاربردی برای کنترل عصبانیت را می‌خوانیم.

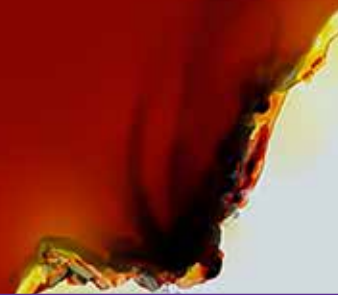
در پرتو معنا



خاموشی آتش‌ها

نام محبوب خدا

آرامش بهشتی



معنا و مفهوم کظم غیظ
در قرآن و سنت

صفت بهشتیان

| آیت الله ناصر مکارم شیرازی



کنترل خشم و غضب یکی از مهم‌ترین آموزه‌های مورد تاکید دین مبین اسلام است، زیرا فرهنگ جاهلیت دعوت به «حمیت» و «تعصب» و «خشم جاهلی» می‌کند، ولی فرهنگ اسلام به «سکینه» و «آرامش» و «تسلط بر نفس» از سوی دیگر باید گفت اسلام مجموعه‌ای از عواطف، اخلاق، عقاید و برنامه‌های عملی است اما دنیای مادی اینها را از بین می‌برد و این آموزه‌های مورد تأکید در جامعه در حال کمرنگ شدن است. متأسفانه شهرهای بزرگ ما، که کم‌رنگ شهرهای غربی را به خود می‌گیرد از رعایت حسن همجواری خبری نیست و این مسأله بسیار کمرنگ شده است. هم چنین باید گفت زبان‌ها و قلم‌ها دارد خشن می‌شود، حالت پرخاشگری از افراد پیدا می‌شود که این مسأله خلاف دستورات دین مبین اسلام است.

«کظم غیظ» در لغت و مفهوم

«کظم» (بر وزن هضم) دارای معنای مصدری و به معنی نفس را حبس کردن است که کنایه از خویشتن داری به هنگام خشم و مانند آن است. مفردات راغب گوید: «کظم» محل خروج نفس را گویند و در موارد سکوت استعمال می‌شود (انسان ساکت کسی است که گویا محل خروج کلمات را بسته است). در مورد «غیظ» نیز می‌گوید: شدیدترین حالت غضب است و آن حرارتی است که انسان از فوران خون قلبش احساس می‌کند.

«کظم» در لغت به معنای بستن سرمشکی است که از آب پر شده باشد، و به طور کنایه در مورد کسانی که از خشم و غضب پرمی‌شوند، و از اعمال آن خودداری می‌نمایند به کار می‌رود. لذا

«کظیم» به کسی می‌گویند که مملو از اندوه و غضب شده و خویشتنداری می‌کند، و به اصطلاح دندان بر جگر می‌فشارد. «غیظ» نیز به معنی شدت غضب و حالت برافروختگی و هیجان فوق‌العاده روحی است، که بعد از مشاهده ناملایمات به انسان دست می‌دهد. غیظ به معنی شدت خشم است که بر اثر بروز ناملایمات به انسان دست می‌دهد و به نظر می‌رسد که غیظ مرحله شدید و بالایی خشم می‌باشد بنابراین کظم غیظ به معنی خویشتن داری و سلطه بر نفس به هنگام بروز شدت غضب است و این صفت بسیار بالایی است.

لذا باید گفت «کظم غیظ» مربوط به آنجاست که خشم وجود انسان را پر کرده گویا می‌خواهد از درون او خارج شود و او گوی خود را می‌فشارد تا خشمش بیرون نریزد. فردی که در حالت عصبانیت به سر می‌برد کوره‌ای از آتش می‌شود، اگر خود را کنترل کند کظم غیظ کرده است.

گاهی حلم به صورت کظم غیظ است، که به آن (تحلم) گویند، یعنی شخصی ناراحت شده و غیظ می‌کند، ولی خود را کنترل می‌نماید. اگر انسان چنین شد، پس از مدتی دارای ملکه حلم می‌شود، تحلم وسیله رسیدن به حلم است و وقتی حلم به صورت ملکه درآمده، آنقدرها مشکل نخواهد بود.



۴ «کظم غیظ» در قرآن

در آیات قرآن مجید درباره کظم غیظ (فرو خوردن خشم) و نکوهش غضب تعبیرات بسیار پرمعنا آمده است. در سوره «شوری» یکی از نشانه‌های افراد با ایمان را این می‌شمرد که چون از دست کسی عصبانی می‌شوند او را می‌بخشند و خشم خود را فرو می‌خورند. «وإذا ما غضبوا هم یغفرون».

هم چنین در آیه ۱۳۴ سوره «آل عمران» در نشانه‌های مؤمنان و نیکوکاران می‌خوانیم: «أنها کسانی هستند که در زمان شادکامی و ناراحتی در راه خدا اتفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم در می‌گذرند»؛ «الذین ینفقون فی السراء والضراء والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین».

بی تردید دستور به حلم و بردباری و عفو و مدارا و کظم غیظ، افزون بر این‌که در آیات قرآن و روایات اسلامی به صورت گسترده وارد شده، از اموری است که عقل و خرد به آن حکم می‌کند. زیرا اگر مردم پاسخ بدی را به بدی بدهند و به هنگام غضب طغیان کنند عکس العمل‌ها پشت سر هم رخ می‌دهد و خشم‌ها شدت پیدا می‌کند و عداوت‌ها ریشه‌دار می‌شود و گاه به خونریزی گسترده می‌انجامد و امنیت از همه گرفته می‌شود؛ اما با حلم و بردباری و عفو و مدارا و کظم غیظ، مفاسد و خشم‌ها و عداوت‌ها در همان محل دفن می‌گردد و آرامش و امنیت و محبت و دوستی جای آن را می‌گیرد.

از سوی دیگر باید دانست خشم و غضب در مورد پروردگار نه به آن معنی است که در مورد انسان‌ها می‌باشد، زیرا خشم در انسان یک نوع هیجان و برافروختگی درونی است که سرچشمه حرکات تند و شدید و خشن می‌شود، و نیروهای وجود انسان را برای دفاع، یا گرفتن انتقام، بسیج می‌کند، ولی در مورد پروردگار هیچ‌یک از این مفاهیم که از آثار موجودات متغیر و ممکن است وجود ندارد، بلکه خشم الهی به معنی برچیدن دامنه رحمت و دریغ داشتن لطف از کسانی است که مرتکب اعمال زشتی شده‌اند.

این گونه است که از امام کاظم (ع) روایت شده است که فرمود: «من کف غضبه عن الناس کف الله عنه غضبه یوم القیامه؛ هر که خشمش را از مردم بازدارد، خداوند در روز قیامت خشمش را از او باز خواهد داشت». طبق این روایت، خداوند برای پرورندگان خشم (الکاظمین الغیظ)، رحمت الهی و پاداش امنیت در روز قیامت در نظر گرفته است، زیرا اگر خداوند در روز قیامت که به «یوم الحسره»، «یوم البروز»، «یوم الخوف»، «یوم الوحشه الاکبر» و «یوم الفزع» معروف است، به انسان امنیت بدهد بالاترین نعمت و موهبت است، زیرا اگر انسان تمام دنیا را داشته باشد ولی آرامش خاطر نداشته باشد گویی هیچ چیز ندارد.

اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که در قرآن مجید، در پاداش پرهیزگاران که خشم خود را فرو می‌برند نوید بهشت برین با وسعتی به اندازه آسمان‌ها و زمین داده شده است. و در قرآن کریم، کظم غیظ (فرو خوردن خشم) یکی از صفات بهشتیان و پرهیزگاران معرفی شده است.

۴ «هنر کظم غیظ»، امام کاظم (ع)

بسیارند کسانی که در هنگام خشم راه خشونت را پیش می‌گیرند و خشونت‌ها به صورت تصاعدی پیش می‌رود و گاه به جاهای خطرناک می‌رسد؛ ولی اگر انسان بر نفس خویش مسلط باشد و با اراده و تصمیم خود را در برابر خشونت‌ها کنترل کند و به جای خشونت، راه نرمش را پیش گیرد، نه تنها خشونت‌ها پایان می‌گیرد بلکه جای خود را به دوستی و محبت و نرمش می‌دهد، همان گونه که قرآن مجید بر این معنا تأکید می‌نهد و نیکی را در برابر بدی توصیه می‌کند و نیکی را سبب جلب دوستی می‌داند.

لذا از طریق ابراز محبت و دوستی، عاقبت بهتری وجود دارد، چرا که در آینده بیم خشونت و وجود نخواهد داشت در حالی که اگر فردی با خشونت بر طرف مقابلش پیروز شود هر زمان باید در انتظار خشونت جدید از سوی دشمن باشد؛ به تعبیر دیگر در روش اول دشمن همچنان دشمن باقی می‌ماند در حالی که در روش دوم، دشمن مبدل به دوست می‌گردد. از سوی دیگر فرو بردن خشم بسیار خوب است اما به تنهایی کافی نیست زیرا ممکن است کینه و عداوت را از قلب انسان ریشه کن نکند، در این حال برای پایان دادن به حالت عداوت باید «کظم غیظ» با «عفو و بخشش» توأم گردد.

در حالات موسی بن جعفر علیهما السلام می‌خوانیم، که مردی از دودمان خلیفه دوم، در مدینه بود که امام (ع) را بسیار اذیت و آزار می‌کرد، و به امیرمؤمنان علی (ع) ناسزا می‌گفت، بعضی از یاران امام عرض کردند اجازه بده او را به قتل برسانیم (و شر او را دفع کنیم).

امام (ع) با شدت از این کار منع کرد و پرسید جایگاه این دشمن ما کجا است؟ عرض کردند در یکی از نواحی اطراف مدینه زراعت می‌کند، امام سوار بر مرکب شد و به سوی مزرعه او آمد و مشاهده کرد، او در مزرعه است امام با مرکب خود وارد مزرعه شد، آن مرد فریاد کشید چه می‌کنی؟ زراعت ما را پایمال نکن. امام اعتنا نکرد و نزد او آمد و با خوش رویی و خنده فرمود چقدر خرج این مزرعه کرده‌ای؟ عرض کرد: صد دینار، فرمود: چقدر امید داری از آن بهره برداری کنی؟ عرض کرد: علم غیب ندارم، فرمود: من می‌گویم چقدر امید داری عائد تو شود، عرض کرد: دویست دینار، امام فرمود: این سیصد دینار را بگیر و زراعت تو مال خودت، آن مرد (شدیدا تحت تأثیر این حسن خلق و کرامت نفس و محبت امام واقع شد و) برخاست و سر حضرت را بوسید، امام بازگشت و به مسجد پیامبر (ص) آمد، ناگهان آن مرد را در مسجد یافت که در گوشه‌ای نشسته، هنگامی که چشمش به امام افتاد گفت: «الله اعلم حیث یجعل رسالته؛ خدا آگاه‌تر است که نبوت (وامامت) را در کجا قرار دهد».

یارانش به او گفتند داستانت چیست؟ تو قبلاً حرف‌هایی بر خلاف این می‌زدی، او با یارانش به تندی سخن گفت و آنها را نهی کرد و پیوسته به امام (ع) دعا می‌کرد، امام (ع) به اصحاب خود که قبلاً اراده کشتن او را داشتند فرمود: «کدام یک از این دو بهتر بود، کاری را که شما قصد داشتید، یا کاری که من قصد داشتم». □

در قرآن مجید،

در پاداش

پرهیزگاران که

خشم خود را فرو

می‌برند نوید

بهشت برین با

وسعتی به اندازه

آسمان‌ها و زمین

داده شده است.

و در قرآن کریم،

کظم غیظ (فرو

خوردن خشم)

یکی از صفات

بهشتیان و

پرهیزگاران معرفی

شده است

درباره خشم انسانی و خشم حیوانی

درنده‌های در عالم ملکوت نباش

شهادت آیت الله سید عبدالحسین دستغیب

خشم حیوانی

خشم حیوانی آنجاست که عقل و شرع آن را مجاز نمی‌داند، هر جا که به حکم عقل و شرع، خشم در آنجایی مورد باشد؛ از لحاظ کیفیت و چگونگی انتقام نیز هر جا بر خلاف میزان عقل و شرع باشد آن نیز خشم حیوانی و ناپسند است. باید خشم را در راه صحیح به کار برد و آن در این است که هر جا مانع پیشرفت و کمال بود، خشم کند و هر کسی که خواست به تو ستم کند، باید خشم کنی یعنی جلوستم او را بگیری، نه جایی که اصلاً خشمش بی مورد باشد. ناچار با ذکر مثال، مطلب را روشن می‌کنیم.

اگر از طرف شخصی بدون قصد و عمد، صدمه‌ای به شما رسید و شما به زحمت افتادید، اگر بر او خشم کنید و به او دشنام دهید و گلاویز شوید، بخواهید انتقام بگیرید، این خشم حیوانی و بی مورد است، او که عمداً این کار را نکرده و در این کار قصدی نداشته است. عمد و سهو را حیوان درک نمی‌کند، همین قدر که بر خلاف میلش واقع گردد در صدد انتقام بر می‌آید، اما انسان که درک می‌کند آیا طرف، قصد صدمه زدن به من را داشته یا نه؟

خشم حالتی است در انسان که در برخورد با ناملایمات برایش پیش می‌آید؛ خوی از باطن به ظاهر توجه می‌کند، تهییج می‌شود که با آن مانع و ناملایم گلاویز شود و اگر دسترسی نداشت سعی می‌کند در آینده انتقام بگیرد. ممکن است خشم، انسان را به تباهی بکشد و در نتیجه صورت ملکوتیش، حیوان درنده‌ای بشود مطابق آنچه رفتار کرده است، قرآن مجید می‌فرماید: «به درستی که بدترین جنبنده‌ها نزد خداوند، کران گنگی هستند که بی شعورند». [إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ / الأنفال، ۲۲] آدمی از هر درنده‌ای بدتر می‌شود، اگر راه خشم حیوانی را طی کند، عاقبتش چنین است. این حقیقت را باید روشن کنیم که چه قسم خشونت، راه حیوانی است و چه قسم آن، انسانی است، که اگر آدمی راه و روشش را طبق خشم حیوانی قرار داد، آخرش درنده‌ای در عالم ملکوت می‌شود و اگر راه و روشش را طبق خشم انسانی قرار داد، انسان کامل، مصدر خیرات و مورد برکات می‌شود.

وجود خشم در انسان ضروری است

البته آدمی بدون اینکه خشم داشته باشد نمی‌تواند زندگی کند، ولی به شرطی که آن را در راه صحیح به کار بیندازد. وجود خشم در انسان لازم است تا در راه انسانیت آن را به کار ببرد، آدمی بدون شهوت و غضب نمی‌تواند زندگی کند، باید شهوت در او باشد تا به دنبال خوراک و ازدواج برود. اگر خشم نداشته باشد، با وجود موانع چگونه به حیات خویش ادامه می‌دهد؟ اما اگر این خشم را در راه حیوانی و هوا و هوس به کار برد، آنگاه موجب سقوطش از عالم انسانیت می‌گردد. حال ببینیم خشم انسانی چیست و حیوانی کدام است؟

صلاحش بود، به دست این و آن حل می‌شد، لذا با التفات به این معنا، هرگز خشم بیجا به افراد پیدا نمی‌کند چون توقعش را از آنها برداشته است.

❑ خشم در برابر ستمگر و گناه آشکار

در برابر ستمگر، باید خشم کرد؛ همچنین متجاهرین به فسق، کسانی که آشکارا گناه می‌کنند؛ مخالفت امر خدا می‌نمایند. خشم در برابر ظلم و گناه باید مقدارش نیز مناسب آن ظلم و گناه باشد. بعضی از گناهان از برخی دیگر شدیدتر و خشم در برابر آن نیز باید بیشتر باشد و انتقام از آن نیز به همین نسبت متفاوت است.

این فهد حلی لطفه‌ای فرموده: دو نفری که در حال خشم هستند، اگر می‌خواهی بدانی مؤمن به خدا هستند یا نه، به یکی از آنان بگو بیا برای خدا درگذر، اعتنائی نمی‌کند، اما سکه یا اسکناسی در کنار دستش بگذارد و بگو این را بگیر و آرام باش، می‌بینی آرام می‌گیرد! آری، اکثر مردم مصداق آیه شریفه اند که «اخذل الی الارض»؛ - به زمین و زندگی مادی چسبیده‌اند و به آخرت مایل نیستند.

به فرموده شیخ بهائی: اهل علم باید این آیه را زیاد نبرند: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» - این سرای آخرت را برای کسانی قرار دادیم که برتری را در زمین نخواهند و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است (القصص، ۸۳)

دنیا نزد او مهم نباشد، کسی که ریاست دنیا نزد او مهم است، کجا به این مقامات می‌رسد، بلکه نکته مهم در آیه شریفه، جمله «لَا يُرِيدُونَ» می‌باشد، نفرموده «لَا يعلون» - کسانی که در زمین برتری تجویبند؛ بلکه فعل قلبی اراده را به کار برده و فرموده است: «لَا يُرِيدُونَ»؛ اصلاً برتری را نخواهند.

در سرش علو در زمین را نخواهد، برتری و شهرت را نخواهد؛ زیرا کسی که برتری و مقام را خواستار شد، معلوم می‌شود جاهل است و هنوز حقیقت دنیا را در نیافته و به حقانیت و پایداری آخرت پی نبرده. بدیهی است کسی که جاهل باشد، از مقامات اخروی نیز بی‌بهره است؛ زیرا «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» - آیا یکسانند کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، همانا تنها صاحبان خرد متذکر می‌شوند (الزمر، ۹) - آری اهل علم «أُولُو الْأَلْبَابِ» هستند، صاحبان خرد می‌باشند، آنانند که در هر حال به یاد خدایند. تا کسی اهل خرد نشود، دنیا نزد او از آخرت مهمتر باشد، چه انتظاری از او دارید؟!

هر کس هستی او به اندازه ادراکش می‌باشد؛ کسی که از حد حیوانیت تجاوز نکرده است، چگونه به جوار رب العالمین می‌رسد؟! اینکه می‌فرمایند خشمستان را منتظم کنید، به خشم حیوانی نیفتید، چون بی‌بند و باری، آدمی را آخرش حیوانی (در عالم ملکوت) می‌سازد.

هر کس آخرت نزد او مهم است، در خشم و شهوتش آشکار می‌شود، چنانکه کسی که بی‌اعتنا به آخرت است، بی‌بند و باریش نیز در هنگام خشم و شهوت ظاهر می‌شود و تمام فکرش تحصیل آبروی دنیا و مقام است، اما نسبت به امر آخرت چون نزدش مهم نیست، اعتنائی ندارد. ❑



❑ خلاف توقع موجب خشم بیجا می‌شود

منشاء بسیاری دیگر از خشم‌های ناپسند، خلاف توقع‌هایی است که با آن مواجه می‌شویم. برای مثال عرض می‌کنم: فلان شخص توقع دارد که از رفیقش وام بگیرد، وقتی از او مطالبه می‌کند، پاسخ رد می‌شنود عصبانی شده و خشمگین می‌گردد، بغض او را در دل می‌گیرد؛ اینجاست که انسان خطرناک می‌شود.

در روایتی که از حضرت صادق (ع) نقل شده، حضرت به شیعیانش سفارش می‌فرماید که تا می‌توانند از کسی حاجتی نطلبند، علتش هم معلوم است. وقتی از طرف چیزی خواست و به او نداد، ناراحت می‌شود و حالت انفعال نفسی آن خشم، و بعد خدای نکرده بغض و کینه است. در حالی که وظیفه این است که اگر طرف به شما چیزی نداد، حمل بر صحت کنید، ممکن است نداشته باشد، شاید خودش نیاز داشته، اصلاً مگر من طلبکارش بودم؛ حق واجب بر او داشته‌ام؟! خلاصه توقع خودش را کم نماید. شاید به من اطمینان نداشته که مالش را به من بپردازد.

از امام سجاده (ع) می‌پرسند: چه چیز ایمان را قوی و چه چیز ایمان را ضعیف می‌کند؟ حضرت می‌فرماید: ورع، ایمان را قوی و طمع، ایمان را ضعیف می‌سازد. آدمی پیش خودش انتظار دارد که فلان شخص باید کار مرا اصلاح کند، باید به من قرض دهد، رفع نیاز مرا بنماید و نظایرش.

از همان اول انسان موحد، باید مشکل گشا و کارساز را خدا بداند و بس. و اسباب را تا مقداری که خداوند اراده اش تعلق بگیرد مؤثر بدانند. اگر خدا نخواهد، از هیچ سببی کاری بر نمی‌آید. موحد کسی است که تمام خیرات را از خدا بداند «بیده الخیر خیر به دست اوست». مخلوق را مجاری خیر خدا بداند، اگر کسی نزد مخلوقی برود و همه نظرش به او باشد که کارش را اصلاح کند، خود این حال، شرک است. من اگر مسلمان و موحدم باید حالم این طور باشد: «خدایا! من به امید تو نزد این شخص می‌روم، اگر برای من مقدر فرموده باشی، به دست او این کار حل شود».

❑ توقع را کم کنید تا خشمناک نشوید

نشانه‌اش که راستی حالش چنین می‌باشد و موحد است، این است که اگر کارش انجام نشد، گله ندارد، ناراحت نیست، می‌گوید: خدا نخواست، صلاح نبود و اگر کارش انجام شد، شکر خدا می‌کند و می‌گوید: پروردگارا! لطف فرمودی، کارم را به دست فلان شخص حل نمودی. البته منافاتی ندارد که از او هم سپاسگزاری کند؛ زیرا کسی که از مخلوق سپاسگذاری ننماید، از خالق نیز سپاسگزاری ننموده است.

همانطور که عرض شد، ایمان مجاری لطف و خیر خداوند هستند، لذا به عنوان سببی که خدا برای اصلاح کارها فراهم فرموده، تشکر از آنان نیز لازم است، نه به عنوان مستقل که خودش را کارکن به حساب بیاورد و مشرک شود.

آدم وقتی از خلق، توقع داشت و برآورده نشد، خشم می‌کند، بغض و کینه پیدا می‌کند. از همان اول باید متوجه باشد که کار به دست او نبوده و نیست. اگر خدا می‌خواست یعنی

مقایسه مدل‌های مدیریت هیجان
در آموزه‌های دینی و روانشناسی

کوه را کی در برابر تندباد؟

صدیقه اشتری

با نگاهی به کظم غیظ و مفهوم آن، می‌توان تفاوت‌هایی را بین آن و سرکوبی خشمی که در روان‌شناسی روز از مضرات آن صحبت می‌شود، برشمرد:

صورت مساله

در کظم غیظ فرد سعی بر آن دارد که مسئله به وجود آمده را حل کند، اما در سرکوب خشم، بنا بر دلایلی مانند ناتوانی در کنترل خشم، عدم حل مسئله، خودپنداره منفی، ترس، عدم عزت نفس، فقدان مهارت‌های ارتباطی مناسب، فرد معمولاً صورت مسئله را پاک می‌کند.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت: کظم غیظ، خشم را رویکرد مسئله‌مداری کنترل می‌شود، ولی در سرکوب خشم رویکرد اجتنابی و هیجان‌مداری بر شخص غالب می‌شود.

استاد مطهری در کتاب فلسفه اخلاق در این باره می‌نویسد: غیظی که انسان پیدا می‌کند درست حالت عقده‌ای را دارد که در انسان پیدا می‌شود. حل کردن این عقده را کظم گویند؛ مثل غده سرطان که وقتی آن را زیر برق می‌گذارند آب می‌شود. از نظر روحی، کظم غیظ این است که انسان کاری نکند که نه تنها اثری بر غیظ خودش مترتب نکند، بلکه آن عقده و کینه که در قلبش وجود دارد، حل شود و مثل یخی که آب می‌شود، آب شود.

کینه

در کظم غیظ، با جایگزینی منافع برتر، هیچ کینه‌ای از

مطالعه منابع اسلامی در مورد شیوه‌های مهار خشم نشان می‌دهد که ۱۴۰۰ سال پیش، اسلام راهبردهای مقابله‌ای بسیار مناسبی را در اختیار انسان گذاشته است و همه آنها را تحت عنوان کظم غیظ مطرح می‌نماید و در منابع متعدد بر آن تأکید نموده است. ائمه اطهار و پیشوایان دینی ما همواره در سیره عملی خود آن را نشان داده‌اند.

بحث کنترل و مدیریت خشم در هوش هیجانی، بحثی جدید است و در دهه‌های اخیر مطرح شده، در حالی که با کمی تأمل درمی‌یابیم اسلام چندین قرن پیش، بحث مدیریت هیجان‌ها، به ویژه هیجان خشم را مطرح کرده و انسان را به کنترل آن دعوت نموده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: هرکس غضب خود را نگه دارد، خداوند عیب او را بپوشاند. مدیریت خشم به معنای نادیده گرفتن خشم به طور کلی نیست. هرگاه عده‌ای قصد هتک حرمت، تجاوز به ارزش‌ها، ناموس، استثمار و حق‌کشی داشته باشند و در صدد اشاعه فحشا و منکر برآیند، در درجه اول باید با شیوه قاطعیت یعنی برقراری روابط صادقانه، صریح و همراه با احترام متقابل و دعوت به کارهای مثبت و معروف، با آنها رفتار نمود، اما اگر این کار نتیجه بخش نبود، باید ارزش‌های خود را با چنگ و دندان دفاع کرد.

خداوند متعال در قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان‌های الهی و پارسا پیشه را کظم غیظ و عفو از مردم می‌شمارد. در لغت نامه‌های فارسی، خشم به غضب، غیظ، قهر، سخط و مقابل خشنودی معنا شده است. البته غیظ به معنای شدت غضب و حالت برافروختگی و هیجان فوق‌العاده روحی است که پس از مشاهده ناملایمات به انسان دست می‌دهد. کظم در لغت، به معنای بستن سرمشکی است که از آب پر شده باشد و به کنایه، در مورد کسانی که از خشم و غضب خودداری می‌نمایند، به کار می‌رود.

در مباحث اخلاقی، از فرو بردن خشم (کظم غیظ) سخن به میان آمده و قرآن کریم این را از صفات پرهیزگاران برشمرده است: **الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ** (آل عمران: ۱۳۴)؛ همانان که در توانگری و خندگستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطاهای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. خداوند حکیم نفرموده کسانی که فاقد خشم و غضب هستند.



از گذشت در مقام قدرت است. در این روایت، در عملکرد امیرالمؤمنین نکته ظریف و مهم، این است که امام در مقام قدرت و غلبه بر دشمن می‌توانستند جان او را بگیرند، ولی ایشان خشم خود را به خاطر ایمان به خدا و رضای او، که از ویژگی‌های والکاظمین الغیظ است، فروخوردند و تغییر موقعیت و حالت دادند. که این خود یکی از راه‌های غلبه بر خشم در روان‌شناسی نوین است. و سپس دشمن را از پای درآوردند. این امر نشان می‌دهد که عفو و کظم غیظ در موضع ترس رخ نمی‌دهد. نکته دیگر این‌که در عملکرد حضرت می‌توان مؤلفه‌های هوش هیجانی از جمله خودآگاهی و شناخت احساسات، کنترل هیجان و تنظیم روابط با دیگران را که با کظم غیظ ارتباط تنگاتنگی دارد مشاهده نمود.

منطق

یکی از روش‌های مدیریت خشم، این است که فرد در لحظه عصبانیت عکس‌العمل غیرمنطقی از خود نشان ندهد و بهتر است ابتدا خود را آرام کند و سپس، به شیوه‌ای سازنده‌تر با فردی که موجب برانگیخته شدن خشم او شده، مقابله کند تا نزاع فرو بنشیند. پس از فروکش کردن خشم، با استدلال و منطق درباره عامل برانگیزاننده خشم صحبت کند و حرف دلش را خردمندانه بیان کند، این امر از جمله مؤلفه‌هایی است که در کظم غیظ وجود دارد. کینه‌ای از طرف مقابل باقی نمی‌ماند تا به عقده تبدیل گردد، اما در سرکوب خشم، حرف‌ها به مثابه آتش زیر خاکستر باقی می‌ماند و بعد به شکل پرخاشگری و... بروز می‌کند.

برنده

در کظم غیظ سیستم برنده-برنده حکم فرماست، به گونه‌ای که منافی چون روابط دوستانه، عزت نفس، احترام متقابل حفظ می‌شود و هیچ یک از طرفین آسیبی نمی‌بینند، ولی در سرکوب خشم همواره یک نفر بازنده است (سیستم برنده-بازنده)، به شکلی که فرد با درون ریختن خشم با مشکلات زیادی، چون حقارت و عدم حرمت نفس و بی‌ارادگی دست به گریبان می‌شود.

انتقام

در کظم غیظ، انتقامی وجود ندارد، رفتار با عفو و گذشت همراه است. بنابراین، کینه و نفرتی باقی نمی‌ماند. به نظر می‌رسد، یکی از مصداق‌های مناسب، داستان اهانت مرد بازاری به مالک اشتر باشد که مقداری ته مانده سبزی به مالک پرتاب کرده و به او می‌خندد، ولی مالک بی‌آنکه سخنی بگوید به مسجدرفته برای آن مرد طلب آموزش نموده و از خداوند هدایت و اصلاح او را طلب می‌کند. رفتار مالک اشتر در این داستان، نمونه‌ای از کظم غیظ و بردباری انسان‌های خودساخته است. در این نمونه نیز جنبه‌های هوش هیجانی، خودآگاهی، شناخت احساسات و تنظیم روابط با دیگران مشهود است، اما سرکوبی می‌تواند به رفتارهای انفعالی تهاجمی منجر شود.



در کظم غیظ

سیستم

برنده-برنده

حکم فرماست،

به گونه‌ای که

منافعی چون

روابط دوستانه،

عزت نفس،

احترام متقابل

حفظ می‌شود

و هیچ یک از

طرفین آسیبی

نمی‌بینند، ولی

در سرکوب خشم

همواره یک نفر

بازنده است

طرف مقابل باقی نمی‌ماند، مثلاً فردی که خشم خود را فرو می‌خورد، انتظار پاداش و منفعت از جانب خداوند را دارد و گوهرهای فراوانی می‌یابد. مانند محبت خدا، امنیت خاطر، آرامش، سکینه و رضایت الهی که بالاترین پاداش است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هر که خشمش را فرو خورد، در حالی که بر گذراندن آن قادر باشد و بردباری نماید، خداوند او را پاداش شهید عطا فرماید. در جای دیگر می‌فرماید: هر که خشم خود را بازدارد خداوند عذابش را از او بازدارد.

در حدیثی دیگر پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: هر که جرعه خشمی را فرو خورد، اگر چه بخواهد آن را بگذراند می‌تواند انجام دهد خداوند قلب او را از امن و ایمان پر نماید اما در سرکوب خشم، آتش کینه افروخته ترمی گردد.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: خشم، کینه‌های نهفته را بر می‌انگیزد.

قدرت

کظم غیظ هم در موضع ضعف و هم در موضع قدرت رخ می‌دهد و به دلیل ترس از طرف مقابل نیست، ولی سرکوب خشم، همواره در موضع ضعف رخ می‌دهد و ممکن است ترس عامل آن باشد و احساس حقارت و مشکلات دیگر را موجب شود.

برای نمونه، خویشتن داری امیرالمؤمنین (ع) در جنگ خندق با یکی از قهرمانان عرب مصداق بسیار مناسبی

عفو

در کظم غیظ خداوند انسان‌ها را به عفو و گذشت دعوت کرده و به پیامبرش می‌فرماید: پس با گذشتی زیبا و دلنشین از مردم درگذر و آنان را مشمول عفو خود ساز قَاصِحِ الصَّفْحِ الْجَمِيلِ (حجر: ۸۵). اما در سرکوب، خشم بازداری شده، جنبه متراکم پیدا کرده و بعدها با شدت بیشتری تخلیه می‌گردد. برخی نیز معتقدند: ابراز خشم موجب می‌شود احساس بهتری پیدا کنی، در صورتی که امروزه یافته‌های علمی نیز این باور عامیانه را قبول نداشته و تأیید نمی‌کند. برون ریزی خشم، یکی از بدترین راه‌های خاموش کردن آن است؛ زیرا انفجار غضب عموماً برانگیختگی مغز هیجانی را تقویت می‌کند و موجب می‌شود افراد در عوض خشم کمتر، عصبانیت بیشتر احساس کنند.

تأثیر عمده بیرون ریزی خشم نسبت به عامل تحریک کننده، طولانی‌تر کردن حالت روحی افراد می‌باشد و نه خاتمه دادن آن. همان‌گونه که امیرالمؤمنین می‌فرماید: بردباری آتش خشم را فرو می‌نشاند و تندی آن را شعله و رتر می‌کند.

امروزه مضرات پرخاشگری و خشم بر کسی پوشیده نیست و یافته‌های علمی و منابع اسلامی آن را تأیید می‌کند. از جمله این مضرات جسمانی و روحانی، بالا رفتن فشار و قند خون، بیماری‌های قلبی و عروقی، سوءهاضمه، تسریع تنفس، افسردگی و اضطراب، کاهش اعتماد به نفس، برهم خوردن آرامش خواب، سفت شدن عضلات، کوتاه شدن عمر و مضرات دیگر است. امام باقر (ع) می‌فرماید: چون کسی از شما عصبانی شد، چشمان او سرخ می‌شود، رگ‌های گردن او باد می‌کند و شیطان در او وارد می‌شود و فرو نمی‌نشیند تا جایی که او را وارد آتش کند. امیرالمؤمنین (علی ع) می‌فرماید: هر که عنان خشم خود را رها کند، مرگش شتاب گیرد. در حدیثی دیگری می‌فرماید: خشم شدید چگونگی گفتار را تغییر می‌دهد، و اساس استدلال را به هم می‌ریزد، تمرکز فکری از میان می‌برد و فهم آدمی را پراکنده می‌سازد.

در نهایت، مؤلفه‌های کظم غیظ که به آنها اشاره گردید، در راستای اثبات این امر است که مدیریت و کنترل خشم همان کظم غیظ است و می‌توان نتیجه گرفت: افرادی که مهارت کظم غیظ را دارند از مؤلفه‌های هوش هیجانی (کنترل احساسات، برانگیختن هیجانی، شناخت احساسات دیگران، تنظیم روابط با دیگران) در سطح بالایی برخوردار بوده و کظم غیظ مستلزم هوش هیجانی است، اما سرکوب خشم، یک سازوکار دفاعی رشدنا یافته است که در آن فرد هیجان را برای مدتی به ناهشیار خود می‌فرستد و قادر به حل و رفع آن نیست. سرکوب خشم و هر هیجان دیگر، نه تنها تجربه هیجانی را کاهش نمی‌دهد، بلکه فعالیت فیزیولوژیکی فرد را در هنگام بروز مجدد هیجان افزایش داده و می‌تواند کارایی شناختی، عاطفی و رفتاری فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

مسیر محبت

هیجان خشم، که در معارف اسلامی به مفهوم غضب یاد



قرآن انسان‌ها را

به کنترل خشم

(مدیریت خشم)

سفارش کرده

است؛ زیرا انسان

قدرت خویش

را در تفکر سالم

و صدور احکام

و دستورهای

صحیح حفظ

می‌کند. کاری

انجام نمی‌دهد و

سخنی نمی‌گوید

که بعداً پشیمان

شود

می‌شود، یکی از نعمت‌های الهی جهت حفظ و بقای انسان است که در صورت عدم کنترل مضراتی را در پی دارد.

در اسلام، مدیریت غضب در سه شیوه شناختی، عاطفی، رفتاری پیشنهاد می‌شود که در مفهوم کظم غیظ تجلی می‌یابد.

با تأمل در مفهوم کظم غیظ و عناصر پیشنهاد شده آن در منابع دینی و اسلامی، مشخص شد که کظم غیظ همه نکات و روش‌های پیشنهادی جدید در روان‌شناسی برای کنترل خشم، یعنی راهبردهای مقابله‌هشیارانه و تنظیم هیجان را یک جا دربردارد و فروبرندگان خشم در اسلام، از سطح بالایی از هوش هیجانی برخوردارند.

کظم غیظ شامل حل مسئله، مدیریت خشم، عدم وجود کینه، رخ دادن در موضع ضعف و قدرت، بیان منطقی حرف دل، عدم ترس و گرفتن انتقام، وجود سیستم برنده-برنده و... است، اما در سرکوب خشم، درون ریزی هیجان‌های منفی و نگهداشت آنها به صورت دست نخورده منجر به افزایش تراکمی این هیجان‌ها شده و آثار منفی روان‌شناختی و فیزیولوژیکی فراوانی مانند تضعیف خودپنداره، افت اعتماد به نفس، کاهش عزت نفس، افسردگی، اضطراب، مشکلات قلبی، مداومت کینه، تثبیت احساس حقارت و... را در پی دارد.

در نتیجه، آنچه که منجر به بروز اختلالات جسمی و روانی گوناگون می‌شود، سرکوب خشم است، نه کظم غیظ. کظم غیظ یکی از بهترین روش‌های تنظیم و کنترل هیجان‌هاست، نه تنها منجر به امراض جسمی و روحی نمی‌گردد، بلکه سلامت جسمی و آرامش روحی و مهم‌تر از آن رسیدن به پاداش اخروی و رضوان الهی را در پی خواهد داشت.

برتری دین اسلام در این است که فروخورندگان خشم، حتی اگر هیچ یک از مهارت‌های هوش هیجانی برای کنترل هشیارانه خشمشان را نیز نداشته باشند، ایمان به خدا کافی است تا کظم غیظ آنها به سرکوب خشم مضر تبدیل نشود؛ زیرا فرد خشمگین به یاری ایمان و با جایگزینی اجرو پاداش دنیوی و اخروی که خداوند عادل و عده داده، از سرکوب خشم درمان خواهد بود؛ زیرا آنها با خدا معامله می‌کنند و به خاطر خدا می‌بخشند.

قرآن انسان‌ها را به کنترل خشم (مدیریت خشم) سفارش کرده است؛ زیرا انسان قدرت خویش را در تفکر سالم و صدور احکام و دستورهای صحیح حفظ می‌کند. کاری انجام نمی‌دهد و سخنی نمی‌گوید که بعداً پشیمان شود. بنابراین، تشنج جسمی ناشی از افزایش نیرو که آن هم نتیجه افزایش ترشح مواد قندی توسط کبد است، به او دست نمی‌دهد و به این ترتیب از دست زدن به اعمال خشونت‌آمیز مانند تجاوز فیزیکی به دشمن، که اغلب در هنگام خشم اتفاق می‌افتد، دوری می‌کند.

در دست داشتن کنترل حالت انفعالی خشم و عدم تجاوز اعم از جسمی یا لفظی به دیگران و تداوم رفتار نیک و توأم با آرامش نسبت به مردم، قاعدتاً موجب ایجاد آرامش در فرد مقابل می‌شود و خود نیز آرام می‌گردد و این مسئله بی‌شک منجر به جلب دوستی و محبت مردم می‌شود. □

کظم غیظ، منشأ حلم است

علی اکبر بخشی

«حلم عبارت است از صفتی نفسانی و حالتی روحانی که از آن به سکونت نفس و آرامش خاطر تعبیر می‌کنند که با ورود امر ناملایمی، شخص زود از جا به در نمی‌رود. اما کظم غیظ، عبارت از اینکه شخص، حالت سکونت و آرامش را به خود بدهد که آن تحلم است و این امری است عارضی برخلاف حلم که فطری انسان است. اگر کسی حلیم باشد از غضب ناجا و مذموم جلوگیری می‌کند و نمی‌گذارد چنین غضبی وارد دل شود ولی صاحب کظم غیظ از غضب وارد شده جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر حلم در شخص حلیم مانند صفت عدالت است در شخص عادل که نمی‌گذارد از او معصیت صادر شود ولی کظم در آدم کاظم حکم توبه را دارد نسبت به شخص تائب. مثال حلم مثال آب است که فطرت آن این است که همیشه به طرف سرازیری متمایل است و پایین می‌رود لکن تحلم (کظم غیظ) مثال آبی است که به وسیله تلمبه یا ادوات برقی بخواهد برخلاف جریان طبیعی اش به سمت بالا برود. با این حساب روحی که دارای حلم است افضل است از روحی که تنها کظم غیظ دارد؛ و البته در کنترل غضب اولی آسان تر است از دومی. زیرا در دومی میان غضب و کظم غیظ جنگ واقع می‌شود تا کدام غالب شوند و کدام مغلوب، ولی در شخص حلیم، غضب اصلاً پیدا نمی‌شود. پس یک مرتبه هست که روح حالت سکونت را واجد است و یک مرتبه هست که باید او را وادار به سکونت نمود و لذا با تمرین و ممارست، انسان تحولاتی پیدا می‌کند و کم کم حالت تحلم می‌رسد به حلم، جایی که حکم می‌شود. چنانچه رسول اکرم (ص) فرمود: «تعلّم کنیّد تا عالم شویّد و تحلم و رزید تا حلیم شویّد.» و لذا طریق پیدایش حلم، پیش گرفتن تحلم و کظم غیظ است. بنابر مناسبت مقام و ارزش صفت حلم، به ذکر چند روایت می‌پردازیم:

حضرت امام زین العابدین (ع) فرمود: «إنّه ليعبئني رجلان يدرکه حلمه عند غضبه»؛ یعنی خوشم می‌آید از آن مردی که در هنگام هجوم غضب، حلمش مانع می‌شود. از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که فرمود: «کفی بالحلم ناصراً»؛ یعنی اگر انسان فقط حلم داشته باشد می‌تواند او را در مشکلات یاری کند. هم چنین امام رضا (ع) فرمود: «لا یكون الرجل عابداً حتى یكون حلیماً»؛ یعنی مردم عابد، عبادت کننده نمی‌شود مگر این که حلیم باشد. از این روایات الی ماشاء الله زیاد است.

کظم غیظ، صفت ممدوحی است و چون این صفت در نفس رسوخ کند، کم کم منتهی به حلم می‌شود. پس تحلم و کظم غیظ، منشأ حلم است کما آنکه تعلم، منشأ علم است. تحلم، مصدر از باب تفعّل و این باب برای تکلف آمده است یعنی با مشقت خود را به حلم وادار کردن. به عبارت دیگر تحلم، عبارت است از حلم عرضی و مجازی که همین حلم عرضی به حکم المجاز قنطرة الحقیقة، انسان را به جایی می‌رساند که حلیم بالطبع می‌شود. خداوند بندگان کاظم خود را در قرآن مدح کرده و می‌فرماید: «والکاظمین الغیظ والعاقین عن الناس والله یحب المحسنین»؛ چنانچه در بحار الانوار از رسول اکرم (صل الله علیه و آله) منقول است: «افضل الاعمال احمزها»؛ (بحار الانوار/ ۲۰۷/۶۷) با فضیلت ترین عمل‌ها، عملی است که مشقت آن بیشتر باشد، مانند سحر خیزی در شب‌های سرد زمستان و یا پیاده رفتن به عتبات عالیات، هم چنین در قسمت غضب جلوگیری کردن از غضب برافروخته شده، افضل است از کسی که حلیم بالفطره باشد و قومی نزد خدا محبوب تر نخواهد بود مگر اینکه خداوند آنها را امتحانشان می‌نماید به این معنا که قوه شهویه و غضبیه و عاقله را به آنها می‌دهد. سپس امر می‌فرماید: در جایی که سزاوار است دفع شهوت و غضب نماید تا اینکه ملائکه با شما مرتبط شوند. □



با اندکی مذاقه در متون دینی و روایی خود درمی یابیم که خداوند و اهل بیت (ع) به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته‌اند و با تقسیم بندی خشم به خشم مقدس و خشم تباہ کننده، نسبت به هر کدام از آنها توصیه‌هایی داشته‌اند.

حضرت امام خمینی (ره) در کتاب شرح جنود عقل و جهل پیرامون موضوع غضب و خشم می‌فرماید: «غضب یک حرکت و حالت نفسانی است که به واسطه آن جوشش و غلیان در خون قلب، برای انتقام حادث می‌شود.

بنابراین وقتی این حرکت سخت شود، آتش غضب را فروزان کرده و شریان‌ها و دماغ از یک دود تاریک مضطربی پُر می‌گردد که به واسطه آن عقل منحرف شده و از ادراک و رویه باز خواهد ماند. (امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۳۸)»

❑ خشم در متون دینی

قرآن کریم هرگز اصل خشم را تخطئه نمی‌کند، بلکه خشم‌های مقدس را می‌ستاید. اساساً خشم مقدس یکی از صفات الهی است که در نام‌های خدا با نام قهار و جبار به آن اشاره شده است. با کمک این غریزه الهی است که اموری مانند جهاد با دشمنان، حفظ نظام بشر، امر به معروف و نهی از منکر، اجرای تعزیرات، دفاع از جان و مال و جهاد با نفس معنا می‌یابد و اگر این غریزه در انسان وجود نداشت، بشر رو به تباہی می‌نهاد.

با وجود اینکه اسلام در بسیاری از موارد خشم را نکوهش کرده و به فرو خوردن آن سفارش نموده، اما در مواردی هم خشم را یک امر پسندیده تلقی نموده است؛ چرا که برخی غضب‌ها، هدف مقدسی را دنبال می‌کنند، حدود معینی دارند و برای رویارویی با کار خلافی به وجود می‌آیند، این گونه غضب‌ها قطعاً ممدوح هستند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۹۷).

حدیثی از امیرمؤمنان (ع) درباره پیامبر اکرم (ص) وارد شده که مؤید این مطلب است: پیامبر خدا (ص) برای دنیا به خشم نمی‌آمد، اما هرگاه حق، او را به خشم می‌آورد، هیچ کس او را نمی‌شناخت و هیچ چیز نمی‌توانست جلوی خشم او را بگیرد تا آن‌گاه که انتقام حق را می‌گرفت (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۴۳۹).

این خشم و غضب مقدس سبب می‌شود تا مؤمنان به تعبیر قرآن در برابر دشمن «اشداء علی الکفار» باشند و بتوانند با استفاده از این قوه به ایستادگی و مقاومت در برابر دشمن پرداخته و حقوق مظلومان را استیفا نمایند.

اما از سویی نیز «کظم غیظ» و فرو خوردن خشم و مقابله با خشم یکی از ویژگی‌های مؤمنان شمرده می‌شود و از صفات پسندیده بر شمرده می‌شود تا جایی که خداوند در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «الَّذِينَ يُقْفُونَ فِي السُّرَّاءِ وَالصُّرَّاءِ وَالْكَاطِبِينَ الْغَيْظَ وَالْعَاقِبِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُخْسِنِينَ» (متقین) کسانی هستند که در راحت و رنج انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از (خطای) مردم می‌گذرند، و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

کظم غیظ، کلید گشودن گره‌های اجتماعی است

آبی بر آتش

❑ وحید کرچک زاده

❑ خشم، خشونت، اضطراب و بی‌حوصلگی یکی از ویژگی‌های جوامع مدرن محسوب می‌شود و انسان‌هایی که در این جوامع مشغول زندگی هستند به تبع شرایط اجتماعی، تحت تأثیر عوامل و محرک‌های بیرونی قرار گرفته و دچار خشم و عصبانیت می‌شوند. در حقیقت می‌توان عصر مدرن را عصر انسان‌هایی دانست که مدیریت خشم را کنار نهاده و عصبانیت، خشم، بی‌حوصلگی و اضطراب از ویژگی‌های آنان شمرده می‌شود.



.....

موافق نباشید؛ اینجا استدلال و منطق حاکم باشد؛ اگر این استدلال و منطق آمیخته شد با خشم، کار را خراب می‌کند؛ تجاوز از حد انجام می‌گیرد، اسراف به وقوع می‌پیوندد؛ رتبا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا. اسراف یعنی زیاده‌روی»

۴ | فرهنگ اهل بیت (ع)

توجه به سبک زندگی و سیره اهل بیت (ع) و امامان معصوم (ع) به عنوان راهنما و هادیان جامعه، می‌تواند بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی در جامعه را مرتفع کند و در حقیقت زندگانی سراسر نور و رحمت این انوار مقدس و مطهر، درس زندگی و شیوه صحیح زیست الهی را به انسان‌ها می‌آموزد.

نمونه و الگوهای فراوانی از کظم غیظ و رفتار کریمانه آن ذوات مقدس با افرادی که به ساحت این الگوهای الهی جسارت کرده‌اند در تاریخ نقل شده است و توجه به ابعاد زندگانی ائمه (ع) به ویژه امام موسی بن جعفر (ع) که به سبب فرو بردن خشم خود و برخورد کریمانه با افراد به کاظم مشهور شده‌اند، می‌تواند الگوی اساسی جامعه کنونی برای برون رفت از معضلات بی اخلاقی، خشم، عصبانیت و مشکلات فراوانی باشد که به سبب این رذیله در جامعه به وجود آمده است.

در ارشاد شیخ مفید آمده است: «مردی از اولاد خلیفه دوم در مدینه می‌زیست که امام کاظم (ع) را از آرمی داد و گاهی به ایشان با دشنام، توهین می‌کرد؛ برخی از یاران امام کاظم (ع)، پیشنهاد می‌کردند که او را تأدیب کنند؛ اما امام شدیداً ایشان را از این کار باز می‌داشت. روزی امام کاظم (ع) بر مرکب سوار شده و به مزرعه آن مرد رفتند و او را در مزرعه یافتند و چون کنار او رسیدند، از مرکب پیاده شدند و با گشاده‌رویی و بزرگواری از او پرسیدند: چقدر برای این مزرعه خرج کرده‌ای؟ گفت: صد دینار. فرمود: چقدر امید سود داری؟ گفت: غیب نمی‌دانم. فرمود: گفتم چقدر امیدوار هستی؟ گفت: امید ۲۰۰ دینار سود دارم. حضرت ۳۰۰ دینار به او مرحمت فرمودند و فرمودند زراعت هم از آن خودت، خدا به تو آنچه به آن امید داری خواهد رسانید.

آن شخص برخاست و سر آن گرامی را بوسید و از او خواست که از گناهان و جسارت‌های وی درگذرد. امام تسمی فرمودند و بازگشتند... روز بعد، آن مرد در مسجد نشسته بود که امام کاظم (ع) وارد شدند. آن مرد تا نگاهش به امام افتاد، گفت: «الله اعلم حیث یجعل رسالت»؛ خدا بهتر می‌داند که رسالت خویش را به چه کسانی بدهد. دوستانش با شگفتی پرسیدند، داستان چیست، قبلاً از او بد می‌گفتی؟ او دوباره امام را دعا کرد و دوستانش با او به ستیزه برخاستند... امام با یارانی از خود که قصد قتل او را داشتند فرمود: کدام بهتر است، نیت شما یا اینکه من با رفتار خویش او را به راه آوردم؟»

امروز جامعه ما بیش از پیش نیازمند کظم غیظ و مبارزه با خشم و عصبانیت‌های ناصواب است و این موضوع جز با تأسی به فرهنگ اهل بیت (ع) و سبک و سیره زندگی آن انوار مقدس میسر نخواهد شد. □

پیامبر اکرم (ص) نیز درباره این صفت پسندیده می‌فرماید: «از محبوب‌ترین راه‌ها به سوی خداوند عزوجل دو جرعه (نوشیدن) است: جرعه خشمی که با بردباری آن را رد کنی و جرعه مصیبتی که با صبر آن را برگردانی (کلینی، ۱۳۶۵، باب کظم الغیظ، ح ۹)»

۴ | جامعه امروزی

همان گونه که پیشتر اشاره شد، یکی از آفت‌های زندگی مدرن و ماشینی شدن زیست انسانی، موضوع عصبانیت و برافروختگی و عدم توانایی کنترل خشم در میان انسان‌ها است. با اندکی دقت در رفتار خود و اطرافیان می‌توان دریافت که میزان پر خاشاگری و عصبانیت‌های ناشی از حجم انبوه فعالیت‌های روزانه و بی‌روح و بی‌اخلاق شدن جامعه، به میزان قابل توجهی افزایش یافته است و این پر خاشاگری و خشم در سطوح مختلف روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی و شغلی به وضوح قابل مشاهده است. ریشه بسیاری از نزاع‌ها، درگیری‌ها، شرارت‌ها و حوادث تلخ در جامعه را می‌توان در موضوع خشم، پر خاشاگری، عصبانیت و بی‌حوصلگی افراد جامعه دانست که این موضوع سبب شده است. در واقع عدم کنترل خشم و بیگانه بودن انسان عصر کنونی با «کظم غیظ» در هنگام خشم، سبب بروز مشکلات فردی و اجتماعی فراوانی شده است و خودکشی‌ها، قتل‌ها، تصادفات و نزاع‌های فردی و اجتماعی و گروهی را می‌توان از آسیب‌های این موضوع دانست.

۴ | دری نایاب

خلأ الگوی «کظم غیظ» و فرو بردن خشم به عنوان یکی از صفات پسندیده دینی، امروز بیش از پیش در جامعه احساس می‌شود و این کمبود در میان مسؤولان نظام اسلامی بیشتر به چشم می‌آید. اهمیت توجه به این موضوع در میان مسؤولان تا حدی است که رهبر معظم انقلاب ۱۶ مرداد ۱۳۹۰ در دیدار با مسؤولان درباره خشم، غضب و کظم غیظ فرموده‌اند: «و کظم الغیظ؛ فرو خوردن خشم. یک وقت هست که شما یک فرد معمولی متعارفی هستید، خشم شما نسبت به یک برادر دینی است، نسبت به یکی از اهل خانواده است، نسبت به یکی از کارکنان است. کظم غیظ خیلی فضیلت دارد؛ و الکاظمین الغیظ و العاقین عن اللئاس. یک وقت هم هست که شما یک مسؤول اجتماعی هستید، جایگاهی دارید؛ حرکت شما، اثبات و نفی شما، قول و فعل شما در جامعه اثر می‌گذارد؛ در یک چنین شرایطی، خشم شما دیگر با خشم یک آدم معمولی برابر نیست.

علیه کسانی، علیه جریانی خشمگین می‌شویم و حرفی می‌زنیم؛ آثار این چنین خشمی با آثار یک خشم معمولی که حالا انسان بر فرض خشمگین می‌شود و یک نفر را کتک می‌زند، خیلی متفاوت است. کظم غیظ؛ خشم را فرو بخورید؛ کار از روی خشم انجام نگیرد. ممکن است شما با یک کسی، با یک جریانی، با یک مجموعه‌ای

۲. در آرامش، ناراحتی خودتان را ابراز کنید

هر وقت که آرامش شما به اندازه‌ای است که می‌توانید بدون اینکه به کسی آسیبی برسانید، احساساتتان را بیان کنید و ناراحتی خود را مطرح کنید، بهتر است وارد گفتگو با دیگران شوید تا به آنها بگویید که چه چیزهایی شما را آزار می‌دهد.

۳. کمی ورزش کنید

فعالیت بدنی می‌تواند به کاهش استرس شما کمک کند. اگر احساس می‌کنید که عصبانیت مادر حال افزایش است، با پیاده‌روی سریع و یا دویدن به خودتان کمک کنید.

۴. راه‌حل‌های ممکن را مشخص کنید

تمرکز اغلب ما همواره روی این مسأله است که از چه چیزی عصبانی شده‌ایم. به جای آن مدتی روی حل مسئله تمرکز کنید. آیا از اتاق کثیف فرزندتان ناراحت و عصبانی هستید؟ آیا هر شب برای خوردن شام باید مدت‌ها منتظر همسر خود باشید؟ به خودتان یادآوری کنید که عصبانیت فقط اوضاع را وخیم‌تر می‌کند. به دنبال راه حل باشید.

۵. به اظهاراتی که با «من» شروع می‌شوند بیشتر

فکر کنید

برای توصیف مشکلاتان از عباراتی که با «من» شروع می‌شوند استفاده کنید. قابل احترام‌ترین رفتاری است که می‌توانید از خودتان نشان دهید. به جای اینکه بگویید «تو هیچوقت کارهای خانه را انجام نمی‌دهی»، از عبارت «من ناراحت هستم که...» استفاده کنید.

۶. طعنه نزنید

هر چند که باید در مواجهه با آنچه شما را عصبانی می‌کند، از شوخ‌طبعی استفاده کنید اما در این حالت هم باید مراقب باشید که از طعنه‌گویی اجتناب کنید که این کار می‌تواند احساسات دیگران را آزرده و اوضاع را وخیم‌تر کند. شوخی در هنگام عصبانیت، فضای پرتنش را تا حد زیادی می‌شکند.

۷. تمرین مهارت‌های آرامش

وقت در حال شعله‌ور شدن هستیم، مهارت‌های آرامش را برای خودمان شروع کنیم. تمرین با نفس عمیق، گوش دادن به موسیقی، نوشتن و انجام کارهای مثبت تمرینی برای جلوگیری از خشم شدید است.

۸. مدت کوتاهی از بحث فاصله بگیرید

به یه مکان آرام بروید، چشم‌های خود را ببندید و در آرامش به چیزهایی که تصورش برایتان خوشایند است فکر کنید. توصیف دقیقی از آنچه دوست دارید را مرور کنید. قله کوه مورد نظرتان چه شکلی است؟ پرنده‌ها چگونه به نظر می‌رسند؟ این عمل می‌تواند به آرامش یافتن در میان خشم شما کمک کند.



۲۰ تکنیک کاربردی برای کنترل عصبانیت

خشم

دودی که به چشم خودمان می‌رود

بحثی بین ما و همکاران پیش آمده و ناگهان از کوره در می‌رویم و فریاد می‌زنیم. به همسرمان حرف‌هایی می‌زنیم که بعداً قادر به دفاع کردن از آن نیستیم. همه اینها یعنی ما قادر نیستیم وقتی که خشمگین می‌شویم خودمان را کنترل کنیم و همین ماجرا ریشه بسیاری از مشکلات ماست. راه‌هایی برای کنترل این حالت وجود دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱. قبل از صحبت کردن فکر کنید

خیلی اوقات به راحتی حرف‌هایی می‌زنیم و خیلی زود هم از گفتنشان پشیمان می‌شویم. نمی‌دانیم چه چیزی باعث شده است که آن حرف‌ها را بزنیم. به قول خودمان ناگهان «آمبر» چسبانده‌ایم. اگر قبل از واکنش به خودمان قول بدهیم که کمی فکر کنیم، تأمل کنیم و به خودمان فرصت بدهیم مسائل را پیچیده‌تر از آنچه هستند نمی‌کنیم.

واغراق آمیز کردن آن بهره‌رزید. از خود پرسید که آیا واقعاً ارزش ناراحتی دارد؟ آیا این موضوع در یک هفته، ماه یا سال بعد هم برایتان اهمیتی خواهد داشت؟

۱۶. خودتان را به آرامش دعوت کنید

ناامیدی و استرس محصول خشم و عصبانیت شما است. در چنین شرایطی لازم است ذهن و بدن خود را به آرامش دعوت کرده و حواس خود را به حالت عادی برسانید. برای این کار از محیط دور شوید، موسیقی مورد علاقه‌تان را گوش کنید، یک فنجان چای با شکلات میل کنید، کودکان را نوازش کنید، از رایحه‌های آرامش بخش استفاده کنید، به تابلوی ارزشمندی که در اتاقتان است نگاه کنید و یا حتی می‌توانید از ماساژ و ورزش بهره ببرید تا خود را از وضعیت منفی دور کرده و به ذهنیت مثبت برسید.

زمانی که توقع‌مان از شخصی زیاد است و مرتب در فکرمان چرا، چطور، درست و نادرست می‌کنیم پس به کوچک‌ترین رفتار و صحبت‌ها هم حساس می‌شویم و افکاری بی‌صدا در ذهنمان شکل می‌گیرد که با مسموم کردن ذهن باعث خشم ما خواهد شد.

۱۷. در مواقع عصبانیت شوخ طبعی‌تان گل کند

شوخ طبعی و بازیگوشی به شما کمک می‌کند که ذهنتان را آرام‌تر کنید و اختلافات را از بین ببرید. به جای عصبانی شدن و دعوا کردن سعی کنید در مورد آن موضوع شوخی کنید. زمانی که از شوخ طبعی برای کاهش تنش و عصبانیت استفاده می‌کنید می‌توانید فرصتی برای ارتباط و صمیمیت ایجاد کنید.

۱۸. تاملی‌تان بنویسید

یکی دیگر از کارآمدترین کارها برای کنترل خشم نوشتن است. فرقی نمی‌کند با یک قلم، لپ‌تاپ یا تلفن همراه، شروع به نوشتن کنید. درباره هر چیزی که روح و روانتان را می‌آزارد و عصبانیتان می‌کند بنویسید. نوشتن در مواقع عصبانیت تأثیراتی شگرفی در فروکش کردن آن دارد.

۱۹. نفس عمیق بکشید

نفس عمیق به دلیل اینکه باعث کاهش ضربان قلب می‌شود و در نتیجه می‌تواند به کاهش فشارخون و کنترل خشم منجر شود و این یکی از قوی‌ترین مکانیسم‌های خوددرمانی بدن است.

۲۰. عادات‌های بد را ترک کنید

فرقی نمی‌کند از کشیدن سیگار گرفته تا تغذیه ناسالم و تمایل به مصرف گوشت‌های قرمز و غذاهای تند و روغنی و... این عادات نه تنها تأثیر بدی بر سلامتی دارد بلکه باعث به هم ریختگی روانی هم می‌شوند و زودرنجی و عصبانیت را به دنبال دارند. با ترک این عادات قطعاً عصبانیت و پرخاشگری نیز کاهش می‌یابد. □



.....

معمولاً همه ما

زمانی که در

موقعیت بحث

و جدل قرار

می‌گیریم شروع

به پیش کشیدن

نارضایتی‌های

گذشته می‌کنیم

و همین

باعث خشم و

عصبانیت بیشتر

می‌شود. به جای

اینکه نگاهمان

به گذشته

باشد باید روی

مشکلی که در

زمان حال برایمان

پیش آمده تمرکز

کنیم و فقط و

فقط درصدد

حل آن باشیم

نه اینکه آن را با

نارضایتی‌های

گذشته ادغام

کنیم

۹. از دوستان‌تان کمک بگیرید

گاهی ما نیاز داریم با دوستانمان صحبت کنیم و از آنها کمک بگیریم. هیچ اشکالی ندارد که ما احساسات خودمان را مطرح کنیم و از حال خودمان با کسی حرف بزنیم. عصبانیت هیچ چیزی را درست نمی‌کند. این را بدانیم که باید زودتر به خودمان کمک کنیم. مشورت کنیم و ایرادهای خودمان را باور کنیم.

۱۰. از متخصص کمک بگیرید

یادگیری کنترل خشم برای برخی از افراد کار ساده‌ای نیست، گرچه این ماجرا برای همه پرچالش است. در مورد افرادی که خودشان نتوانسته‌اند خشمشان را کنترل کنند، کمک گرفتن از متخصص کاربدهی و لازمی است.

۱۱. اعتراف کنید

اولین قدم برای کنترل خشم، اعتراف به آن است. اگر اعتراف کردید که برای کنترل خشم‌تان مشکل دارید در واقع قدمی مثبت و رو به جلو برداشته‌اید. برای این کار ابتدا باید علت عصبانیت مشخص شود و سپس با آگاهی از عوامل عصبانیت به دنبال راه‌حلی برای آرام کردن خودتان باشید.

۱۲. توقع‌تان را پایین بیاورید

زمانی که توقع‌مان از شخصی زیاد است و مرتب در فکرمان چرا، چطور، درست و نادرست می‌کنیم پس به کوچک‌ترین رفتار و صحبت‌ها هم حساس می‌شویم و افکاری بی‌صدا در ذهنمان شکل می‌گیرد که با مسموم کردن ذهن باعث خشم ما خواهد شد.

۱۳. در زمان حال متمرکز باشید

معمولاً همه ما زمانی که در موقعیت بحث و جدل قرار می‌گیریم شروع به پیش کشیدن نارضایتی‌های گذشته می‌کنیم و همین باعث خشم و عصبانیت بیشتر می‌شود. به جای اینکه نگاهمان به گذشته باشد باید روی مشکلی که در زمان حال برایمان پیش آمده تمرکز کنیم و فقط درصدد حل آن باشیم نه اینکه آن را با نارضایتی‌های گذشته ادغام کنیم.

۱۴. خوب بخوابید

کاهش خواب به افزایش خشم کمک می‌کند. کسانی که در طول شبانه‌روز کم می‌خوابند بیشتر به خشم و عصبانیت گرایش پیدا می‌کنند و بالعکس افرادی که خواب خوبی دارند توانایی زیادی برای مقابله با شرایط ناامیدکننده دارند.

۱۵. پرهیز از اغراق

بعد از اینکه از موضوعی عصبانی شدید قبل از اینکه واکنشی نشان دهید و به بدترین وضعیت آن فکر کرده و سریع نتیجه‌گیری کنید، منطقی فکر کنید و از دراماتیک

دردمند نشود و بدی را مصیبتی درآورد نماند، در واقع باید از این راه، نشانه شناسی کند و به شناخت خودش نزدیک تر شود و دریابد که هنوز خوبی کردن و «نیک انسان» بودن در جان او ننشسته است؛ باید تمرین کند.

همچنین امام کاظم که درود خدا بر او بادا فرمود: دلیل العاقل التَّفَكُّرُ و دلیل التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ (میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۰۴) اندیشیدن، راهنمای خردمند است و سکوت، راهنمای اندیشیدن. در این کلام کوتاه چهار کلمه آمده که درباره هر یک از آنها، یک دنیا حرف و سخن هست:

۱. دلیل

۲. عاقل

۳. تفکر

۴. صمت (سکوت)

سه کلمه نخست، از پربسامدترین کلمات در زبان آدمیان است؛ و کلمه چهارم، با بسامدی بسیار پایین، گهگاه لابلائی کلمات دیگر بکار می‌رود و نکته ظریف این است که بکار بردن کلمه «سکوت»، ضد سکوت است.

این کلام شگفت‌انگیز - که علاوه بر عمق معنایش، در کلماتش نیز چینش عجیبی به چشم می‌خورد - از نظر این جانب، در چند جهت، افق‌گشایی می‌کند که تفصیل آنها در این فضا نمی‌گنجد؛ فقط به برخی از این افق‌ها اشاره می‌کنم:

الف. اگر کسی عاقل، و اهل تفکر است، باید بداند که از راه «سکوت» می‌تواند فکر خود را تغذیه کند و از راه تفکر، می‌تواند به تقویت عقل بپردازد.

ب. اگر ما بخواهیم بدانیم که عاقل و اندیشمند کیست، باید بینیم چه کسی بیشتر، اهل سکوت است و از راه سکوت شخص، به عقل و تفکر او، پی ببریم. کسی که زیاد حرف می‌زند فرصت تعقل و تفکر ندارد و وقتی سخن می‌گوید، سخنش یا فاقد عمق است و یا عمق کمی دارد.

ج. سکوتی که نشانه تعقل و تفکر است و ما از راه آن، می‌توانیم به عاقل و متفکر بودن کسی پی ببریم، سکوتی از جنس «حضور» است؛ نه آن سکوتی که کسی اختیار کرده تا به دیگران، القا کند که اهل تفکر است. به بیان دیگر، آنچه از سنخ حضور است - در اینجا سکوت - اگر ظاهر شود، می‌تواند دروغ باشد. پس ما گاه بر اثر سکوت دیگران، ممکن است فریب بخوریم یعنی می‌پنداریم که او اهل تفکر است در حالی که با سکوت خود در حال شیطنت است. به بیان دیگر، سکوت ذهنی و قلبی است که می‌تواند به تفکر و تعقل، مدد رسانی کند نه صرف سکوت زبانی.

د. کسی که در خلوت و تنهایی خود نشسته، از راه سکوت ذهنی و قلبی می‌تواند زمینه بارش آگاهی را فراهم کند و تمرین «شنیدن» کند؛ شنیدن از «خود آگاه». زبان حال «خود آگاه» این است که اگر سخن بگویی، سکوت می‌کنم؛ و اگر سکوت کنی، سخن می‌گویم. □

شرح دو حدیث از
امام موسی کاظم (ع)

راه نیکی



دکتر نصرالله حکمت

امام کاظم (ع) که درود خدا بر او باد، فرمود: مَنْ لَمْ يَجِدْ لِلْإِسَاءَةِ مَصْضًا، لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ لِلْإِحْسَانِ مَوْعٌ. (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۲) هرکس از درد بدی کردن نسوزد، نزد او خوبی کردن جایگاهی ندارد. «مَصْض» یعنی درد جانکاه، دردی که کسی تاب آن را نیاورد، دردی که شدت آن، جان را بسوزاند.

خوبی کردن به دیگران و رفتار زیبا و نیک داشتن، البته بسیار پسندیده است، اما سخن در این است که رفتار نیک، در صورتی استمرار دارد که از جان «نیک انسان» بجوشد و جریان یابد. از چنان انسانی، ما همیشه و در همه جا انتظار خوب بودن و خوبی کردن داریم؛ چرا که خوبی کردن و نیک رفتاری نزد او مرتبه و جایگاه خاص خود را دارد و بر اثر ملاحظات ویژه، یا ریاکاری و ظاهر سازی نیست. به عبارت دیگر، رفتار نیکو خوی و خصلت چنان انسانی است.

سخن امام این است که چنان خصلتی، مولود بیزاری از بدی و بد رفتاری است. انسان شریف و نیک رفتار، از دیدن بدی‌ها و بد رفتاری‌ها، احساس دردی جانسوز می‌کند چندان که تاب تحملش را ندارد. اگر کسی، از دیدن بد رفتاری دیگران، یا از رفتار بد خود، آزرده و

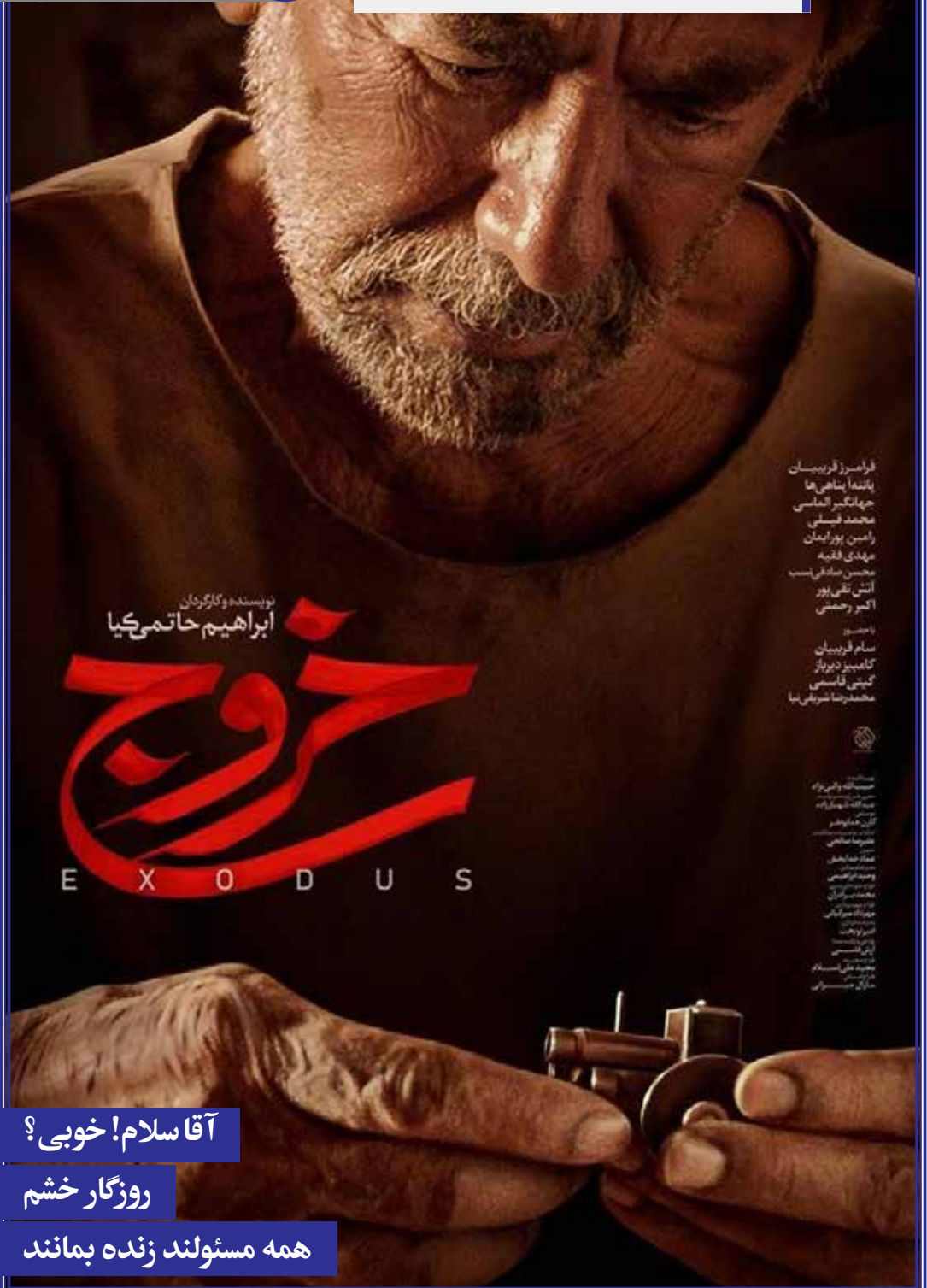




۴۴-۵۳

بخش فرهنگ این شماره با گفتگویی جذاب با کم‌دین برنامه عصر جدید آغاز می‌شود. سپس دو نقد کوتاه می‌خوانیم درباره فیلم خروج آخرین اثر حاتمی‌کیا و در ادامه چند شعر کرونایی و یادداشتی با موضوع نگاهی به بیماری‌های مسری در زمان‌های معروف و گفتگو با نویسنده کتابی درباره حاج حسین ملک را خواهیم خواند.

فرهنگ و ادب



فرمانروا فریدبیان
 پانته‌ا پناهی‌ها
 جهانبگر المانی
 محمد فیلی
 رامین پورابیان
 مهدی فقیه
 محسن صادقی‌نسب
 آتش تکی پور
 آکس رحمتی
 رامین پور
 سام فریدبیان
 کامیوز دوبراز
 گیتی قاسمی
 محمدرضا شریفی‌نیا

نویسنده و کارگردان
 ابراهیم حاتمی‌کیا

خروج
 E X O D U S

تولید و توزیع: سینما سوره
 توزیع: سینما سوره
 کارگردان: ابراهیم حاتمی‌کیا
 فیلمنامه: ابراهیم حاتمی‌کیا
 فیلمبرداری: کامیوز دوبراز
 تدوین: کامیوز دوبراز
 صداگذاری: کامیوز دوبراز
 موسیقی: کامیوز دوبراز
 طراحی لباس: کامیوز دوبراز
 طراحی صحنه: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش مو: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش ناخن: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش چشم: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش لب: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش بینی: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش ابرو: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش پلک: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش مژه: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش ریش: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش کتف: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش گردن: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش دست: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش پا: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش سر: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش بدن: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش صورت: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش چهره: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش بدن: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش صورت: کامیوز دوبراز
 طراحی آرایش چهره: کامیوز دوبراز

آقا سلام! خوبی؟

روزگار خشم

همه مسئولند زنده بمانند



گفتگو با کم‌دین برنامه «عصر جدید»

که حال مردم ایران را خوب کرد

آقا سلام! خوبی؟

|| مریم شریفی

گفتم: نه. حوصله ندارم. حالم خوب نیست. اما در مقابل اصرارهای ایشان و دررودبایستی فی‌البداهه شروع کردم به اجرای سیاه‌بازی. آقای جاوید هم تمام مدت از من فیلم می‌گرفت. خیر نداشتم ایشان آن فیلم را برای برنامه عصر جدید فرستاده.

و همه چیز از وقتی شروع شد که اولین اجرای شما از تلویزیون پخش شد. درست است؟

بله. آن شب با اجرای یک نمایش با موضوع شهدای غواص، با رأی داوران به عنوان نفر اول به مرحله بعد راه پیدا کردم. گذشت تا روز ۳۱ خرداد که اجرای من از تلویزیون پخش شد؛ نمایشی که نشان دهنده ارادتم به شهدای غواص بود. البته من با این وادی از قبل آشنا بودم چون یکی از عموهاییم از شهدای گرانقدر دفاع مقدس است. آن شب به محض پخش اجرایم از تلویزیون، سیل پیام‌های تبریک دوستان و اقوام و آشنایان شروع شد. حتی دو نفر از برادران یکی از مقامات ارشد نظام هم لطف داشتند و حدود ساعت یک نیمه شب پیام ارسال کردند و بابت این اجرا به من تبریک گفتند. تا صبح ۲۷۷ تماس تلفنی و ۶۰۰ پیام داشتم. دیگر برای اینکه بتوانم پاسخگوی لطف همه باشم، فقط می‌نوشتم «سیاس... فدات» (با خنده) برای افرادی که با آن‌ها رابطه رسمی داشتم، می‌نوشتم: سیاسی و برای خودمانی‌ترها می‌نوشتم: فدات. خلاصه به لطف خدا، بازتاب خیلی خوبی داشت. اینها به کنار، نمی‌دانید وقتی برای اولین بار بعد از پخش برنامه به خیابان رفتم، مردم چطور مرا شرمند کردند...

«گاهی گمان نمی‌کنی ولی خوب می‌شود»، از «عباس رثایی» هنرمند مشهدی پرسید، یک دنیا حرف برایتان دارد در وصف این شعرزیبای «قیصر امین‌پور». یک سینه نقل و روایت دارد از ۲۱ سال زحمت و تلاش، از صبری تمام‌نشدنی در طلب موفقیت و بالاخره از ره صدساله‌ای که ناباورانه در یک شب طی شد. تا همین ۲ ماه قبل از نگاه عباس آقای کم‌دین، راه رسیدن به موفقیت و شهرت از میان خنده‌های مخاطبانی عبور می‌کرد که سال‌ها به عشق شاد کردن آن‌ها، با صورت سیاه خاک صحنه خورده بود. کارگردان روزگارا اما اراده کرده بود این داستان را جور دیگری هدایت کند. اینطور بود که بلورهای اشک همان مخاطبان و دل‌های پرکشیده‌شان تا قبله شرقی ایران، پل عبور کم‌دین مشهدی ما از گمنامی به موفقیت، شهرت و محبوبیت شد!

آنچه در برنامه «عصر جدید» برای عباس رثایی، بازیگرو کارگردان تئاتر رقم خورد، از آن اتفاقات شیرینی است که به آب نطلبیده می‌ماند. او گرچه عمری را با عطش رسیدن به قله‌های موفقیت در عرصه هنرهای نمایشی سپری کرده بود اما طی یک اتفاق به عصر جدید رسید و همان کسی که دستش را گرفته و به این برنامه رسانده بود، حضوری فراموش‌نشدنی را بر این صحنه استعدادیابی برای او رقم زد. متن و حاشیه‌های جذاب ۲ اجرای او در برنامه عصر جدید و بازخوردهای خاص و عجیبی که از مخاطبان دریافت کرد، محور گپ و گفت ما با این هنرمند خوش صحبت مشهدی بود. با این گفتگو همراه باشید.

چطور شد گذرتان به عصر جدید افتاد که یک برنامه استعدادیابی است؟

راستش را بخواهید، من برنامه‌ای در این زمینه نداشتم. حضور در برنامه عصر جدید وقتی که من در یک شرایط عجیب و غریب بودم، برایم رقم خورد. آن روزها روی نمایشنامه شاه ریچارد اثر شکسپیر که آن را تبدیل به مونولوگ (تک‌گویی) کرده بودم، کار می‌کردم. می‌خواستم این اثر را به عنوان دوازدهمین اثر تک‌گویی خودم روی صحنه ببرم. یک روز در جمع گروهی از دوستان بودیم و من هم به لحاظ روحی خیلی به هم ریخته بودم. استاد هوشنگ جاوید، پژوهشگر برجسته موسیقی آیینی و موسیقی نواحی ایران هم که در آن محفل دوستانه حضور داشت، وقتی دید گوشه‌ای نشست‌ام و سر حال نیستم، گفت: «عباس! کمی سیاه‌بازی در بیاور و بر ایمان‌آواز بخوان.»



.....

یکی نوشته بود:

«این آقا تپله

یک جوری دل

ما رو سوزاند و

اشکمون رو درآورد

که برایمان جالب

است بیایم

مشهد و این

امام رضا(ع) که

میگه رو بیشتر

شناسیم!» تعداد

زیادی از جوانانی

که اهل موسیقی

رپ و موسیقی

زیرزمینی و این

چیزها هستند

هم برایم پیام

فرستاده اند و

نوشته اند: «ما که

چیز زیادی در این

زمینه نمی دانیم

اما با اجرای شما

حال کردیم و

اشک ریختیم و

لذت بردیم.»

مرا «این آقا تپله» خطاب می کنند. یکی نوشته بود: «این آقا تپله یک جوری دل ما رو سوزاند و اشکمون رو درآورد که برایمان جالب است بیایم مشهد و این امام رضا(ع) که میگه رو بیشتر بشناسیم!» تعداد زیادی از جوانانی که اهل موسیقی رپ و موسیقی زیرزمینی و این چیزها هستند هم برایم پیام فرستاده اند و نوشته اند: «ما که چیز زیادی در این زمینه نمی دانیم اما با اجرای شما حال کردیم و اشک ریختیم و لذت بردیم.»

اما فکر می کنم شیرین ترین اتفاقی که می توانست برای شما بیفتد، دعوت تولیت آستان قدس رضوی و تقدیر رسمی بود که از شما در حرم مطهر امام رضا(ع) صورت گرفت. برایمان از این اتفاق فراموش نشدنی بگویید.

اول از همه حجت الاسلام «مروی»، تولیت آستان قدس رضوی، فیلم اجرای مراد صفحه شخصی شان بازنشر کردند و به این ترتیب حمایت خود را از کار من اعلام کردند. در دیداری هم که با مسئولان بزرگوار آستان قدس رضوی داشتم، آقای دکتر «محمد مهدی برادران»، مدیر عالی حرم مطهر رضوی و حجت الاسلام «مهدوی فر»، رییس سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی با اهدای یک جلد قرآن مجید و لوح تقدیر، مراد لطف قرار دادند. در آن دیدار، آقای برادران خطاب به من گفتند: «من یک عمر در راه اهل بیت (ع) خدمت کرده ام، شاگردها در این مسیر تربیت کرده ام... اما الان حاضر ثواب تمام آن خدمات چندین ساله را با ثواب این اجرای شما عوض کنم.» در جواب با احترام گفتم: من به هیچ وجه قبول نمی کنم. ایشان تا این جمله را از من شنیدند، به شدت و با صدای بلند گریه کردند.

چه چیزی باعث شد اینقدر قاطع، نه بگویید؟

وقتی می خواستیم حرم را ترک کنیم، دوباره آقای برادران گفتند: «من با شما شوخی نکردم ها. بیایید الان در محضر حضرت رضا(ع) با هم معامله کنیم...» گفتم: آقای دکتر! من یک مطرب هستم، یک کم دین، یک دلکف. و البته به این کم دین بودن چون در جهت شاد کردن دل مردم است، افتخار می کنم. حالا که این کم دین مفتخر شده به اینکه ۱۰ دقیقه اجرا، دل میلیون ها ایرانی را وصل کند به امام رضا(ع)، من ثواب این کار را با هیچ چیزی عوض نخواهم کرد... من این را گفتم و ایشان دوباره به گریه افتادند. خلاصه حال و هوای عجیبی ایجاد شده بود.

البته آستان قدس یک لطف دیگر هم به من داشته. یک فیلم ۵ دقیقه ای به همت مسئولان محترم آستان قدس به نام «عصر امام رضا(ع)» تولید شده که به متن و حاشیه اجرای من در تلویزیون و اتفاقات بعد از آن می پردازد. فیلم با تصاویر حضور من در حرم مطهر حضرت رضا(ع) و ابراز لطف مردم شروع می شود و در مقاطعی برش می خورد به اجراییم در صحنه عصر جدید. این فیلم در صفحه آستان قدس رضوی هم منتشر شد. □

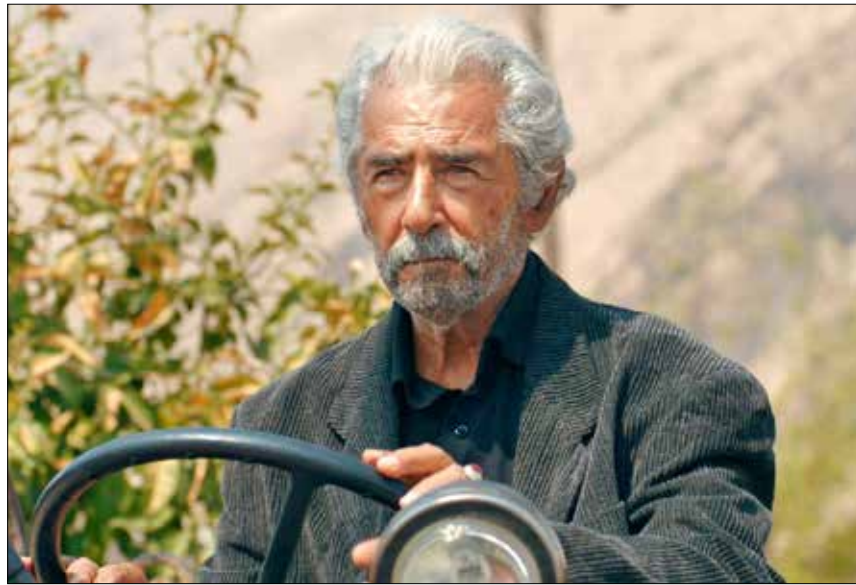
اما نقطه عطف ماجرای حضور شما در برنامه عصر جدید، اجرای دوم بود؛ همان اجرا که با عرض ارادت دوست داشتی به محضر امام رضا(ع)، حس و حال خاصی گرفت و مخاطبان هم ارتباط قلبی عجیبی با آن برقرار کردند.

۱۱ تیر ماه ضبط دوم انجام شد. شرایط عجیب و غریبی بود. برای سرگرم کردن تماشاگران، موسیقی شاد با صدای بلند پخش می شد و سالن مملو از هیاهو و صدای جیغ و دست مردم بود. مانده بودم در آن شرایط، چطور برای اجرا تمرکز کنم. همین طور که به زمان اجرا نزدیک می شدیم، یک لحظه دردلم به امام رضا(ع) متوسل شدم و گفتم: آقا خودتون کمک کنید. نمی دانم در این شرایط با این سطح از هیجان و شادی و سرو صدا، چطور می خواهم جوسالن را با یک کار معنوی به دست بگیرم. یا امام رضا(ع) کمک کنید. واقعیت این است که بعضی از اتفاقات این نمایش، فراتر از خواست و اراده من و نویسنده پیش رفت. ماجرا این بود که من برای کسب آمادگی برای این نمایش ۱۳ شب به حرم رفتم و آنجا از ۱۲ صحن و زاویه مختلف، دیالوگ ها را خطاب به حضرت رضا(ع) می گفتم و تمرین می کردم. اصلاً خیلی از این اصطلاحات و عبارات ها را خودم از زائران شنیدم. مثلاً این اصطلاح «چشم مایی» یا به قول تهرانی ها «چشم مایی» که حالا خیلی گرفته و انگار شده مال من و شخصیتی که بازی کردم، این اصطلاح را از یک زائر تهرانی شنیدم که دست بر سینه، خطاب به امام رضا(ع) می گفت: «آقا! چشم مایی». یا این درد دل بی ریا با حضرت رازیک زائر آذری زبان شنیدم. دوستم گفت: «متوجه می شوی چه می گوید؟ دارد به امام رضا(ع) می گوید: آقا سلام. حالت چطور؟ خوبی؟ چه کار می کنی؟...» در واقع بعضی از دیالوگ ها را فراتر از متن هوشنگ جاوید، از زائران حضرت رضا(ع) الهام گرفتم. و خب، حرفی که از دل برآمده بود، بر دل ها هم نشست.

با رأی داوران، آن شب حضور شما در برنامه عصر جدید به پایان رسید اما این تازه شروع ماجراهای شما با دلدادگان امام رضا(ع) و محبان جدید ایشان بود. درست است؟

بله. من بعد از آن اجرا، ۵ هزار کامنت داشتم و الان که بعد از حدود یک ماه از آن اجرا دارم با شما صحبت می کنم، این کامنت ها که بعضی هایش عجیب و غریب است، همچنان ادامه دارد. از پسران و دخترانی پیام دریافت می کنم که معلوم است هیچ میانه ای با مقوله مذهب و توسل نداشته اند اما دلشان با این نمایش لرزیده و متوجه امام رضا(ع) شده اند. باور کنید جرأت ندارم بعضی از این پیام ها را مرور کنم چون قدرت مواجهه با علاقه ای که مردم به این نقش و ارادتی که به واسطه آن به امام رضا(ع) پیدا کرده اند را ندارم. با خواندن این پیام ها، گریه ام می گیرد و حالم به هم می ریزد.

احساس صمیمیت شان هم جالب است. خیلی هایشان



درباره فیلم خروج آخرین اثر حاتمی کیا که این روزها در اکران آنلاین است

روزگار خشم

! خسرو نقیبی

چه «چ»، چه «بادیگارد» و چه «به وقت شام» از نظر نگارنده از این آسیب بیرون مانده بودند.

حاتمی کیا فریادهاش را بیرون پرده سینما و روی صحنه می زد و فیلمساز درون فیلمش اتفاقاً مصلح بود و پی آرامش. چمرانش متهم بود که «چمران بازرگان» است، نه «چمران خمینی». بادیگاردش می خواست محافظ شخصیت نظام باشد، نه شخصیت های آن؛ و «به وقت شام» روایت مظلومیت بچه های ایرانی مقابل خشونت داعش بود و نه روایت خشم ایرانی.

با این حال، اینجا مناسبات سیاسی و تصویر «دولت علیه مردم»، شعارهای اطرافیان رئیس جمهوری و کنایه به مذاکره به شکلی مستقیم راه به اثر پیدا کرده. چیزی که می دانم در این سال ها حاتمی کیا مراقب رخ ندادنش بود و حالا، انگار، کار به همان جایی رسیده که روزگاری زمان ساختن «موج مرده» رسیده بود.

راستش بیش از هر فیلم دیگری از خالق، «خروج» برای من یادآور «موج مرده» است. با همان میزان خشم و همان اندازه افت وخیز. سکانس ها و دیالوگ هایی دارد که از بهترین سکانس ها و دیالوگ های تمام سال های فیلم سازی حاتمی کیاست (آن فیلم هم چنین بود و هنوز به چند سکانس بسیار اثرگذار در ذهن ماندگار شده) و در مقابل سکانس هایی دارد بسیار با فاصله از کلاس کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا (آن فیلم هم چنین بود و برای همین حتی میان ۱۰ فیلم مهم او هم نامی ازش دیده نمی شود).

«خروج» قطعاً فیلم مهمی است. تصویر یک زمانه. تصویر نزدیک تری حتی از حال امروز فیلمسازش. یک فیلم «دو ستاره/ خوب» که در ابعاد کارنامه خالقش پایین تر از «آثار کامل» او قرار می گیرد. مسأله همین است. انتظار ما از مؤثرترین فیلمساز پس از انقلاب خیلی بیش از اینهاست. این تصویر را او خودش برای ما ساخته است. □

«خروج» یک قهرمان کاریزماتیک دارد. شبیه قهرمان های وسترن. یک افتتاحیه باشکوه.

پیرمردی تک افتاده در مرزعه پنبه اش که هلی کوپتری وارد حریمش می شود. هلی کوپتر رئیس جمهوری. «پنبه ناز دارد».

بخشی از دارایی مرد از بین می رود برای کمک به رئیس جمهوری که «جمهور یعنی مردم» و رئیس جمهوری یعنی رئیس مردم. وقتی دیگر، آب شور به پنبه زار می ریزند. «یک بار وقتی برای رئیس جمهوری مشکلی پیش آمد من هرچه در وسعم بود برای او گذاشتم. حالا برای من مشکلی پیش آمده. می خواهم او هم آنچه در وسعمش است برای ما بگذارد». اینها شاکله «خروج» است.

آنچه ابراهیم حاتمی کیا را از دل یک داستان واقعی مجاب کرده روی پرده تصویرش کند. جمله های در گیومه نقل به مضمون از دیالوگ های فیلم است.

از روی کاغذ مشخص است که این داستان چه اجرایی سختی خواهد داشت. چقدر می تواند برای یک فیلم بلند سینمایی تنه لاغری داشته باشد. اما حاتمی کیا داستان هایی از این کم رقم تر را هم روی پرده تماشایی از کار در آورده.

سه گانه اکشن آخرش (چ، بادیگارد و به وقت شام) نشان داده چه اندازه مشتاق تکنیک های تازه سینما و جاه طلبی های اجرایی است. چه اندازه مشتاق جلوه های بصری و امکان های تازه ای که به سینمای ایران می دهد. اینجا هم از این سکانس ها فراوان داریم. سکانس هایی که بر حضور قهرمان در محور آن استوار است.

حضور یگانه فرامرز قریبیان که وقتی با تراکتور وارد خیابان های تهران می شود، تاریخ سینما سی سال ورق می خورد و تصویر او را سوار بر اسب «رد پای گرگ» کیمیایی، به این تصویر تازه که گرد پیری بر آن نشسته، وصل می کند.

«خروج»، اما بهترین آثار حاتمی کیا نیست. آن تنه لاغر را معمولاً حاتمی کیا به مدد بازی های درخشان و اتمسفر صحنه پر می کرد. اینجا، اما انتخاب سایر بازیگران به اثرش ضربه زده است.

«خروج» زمانی که به پیرمرد های روستا می رسد، ناگهان به یک فیلم تلویزیونی تقلیل پیدا می کند. حتی انگار فیلمساز هم جایی دیگر قطع امید کرده و توانش را روی صحنه های تنهایی و دونفره های او و وزن (پانته آ پناهی ها) گذاشته.

حسرت «خروج» همین جاست که اگر دو سه پیش برنده دیگر میان پیرمرد ها بازیگرانی در قواره قریبیان بودند، فیلم تازه حاتمی کیا چه اندازه می توانست یک «اتفاق» در سینمایی باشد که هنوز از جاده و اقلیم های تازه می ترسد؛ و البته خشم این سال های فیلمساز که بالاخره به آثارش هم راه پیدا کرد.

هیچ آتشی را یارای چیرگی بر ابراهیم نیست

ابوین اسکری



فیلم مشخصاً در بخش‌های میانی و در افراط بیش از حد در نمایش روابط ساده دلانه روستاییان، دچار کسالت و رخوت نزد تماشاگر می‌شود، اما سریع خود را بازمی‌یابد و با احضار منش امنیتی برآمده از مواجهه دولت با روستاییان و ایجاد تقابل میان حاشیه با مرکز و تمرکز بر مردانگی عاقل و ساکت، انرژی منفی انباشته شده در رحمت و تماشاگر را با جسارت آزاد می‌کند. در این مسیر صحنه حضور روستاییان در حرم حضرت معصومه (س) در نسبت با حضور رئیس جمهوری تحت تدابیر امنیتی معنادار و دلنشین است و لحظه برخورد تند نیروهای دولتی با رحمت در آستانه نزدیکی به ساختمان ریاست جمهوری در مقیاس سینمای حاتمی‌کیا فراموش نشدنی.

«خروج» در لحظه مطلوبی به پایان می‌رسد. جایی که رحمت بالاخره خودش را از خلال محافظه‌کاری و سرکوب و مخالفت دولتی به رئیس جمهوری می‌رساند تا فریاد و دردش را به او منتقل کند. صورت لایه به لایه فرامرز قریب‌بان بخش مهمی از معنا و کانون تماتیک «خروج» است. تاکید و عمق و سنگینی چهره قریب‌بان گویای خروج از همه نبایدها و به منزله پذیرش حقوق طبیعی شهروندان و اعتراض حقیقی از سوی ایرانیان است. مرد دوست‌داشتنی سینمای ایران در آخرین حضورش، بهترین بازی کارنامه خود را با شمایلی ماندگار در قامت یک مرد جاافتاده رقم زده و با بازی در نقش رحمت سرسخت و لجوج و کم حرف، برای اولین بار در سینمای حاتمی‌کیا یک قهرمان پیرمرد خلق می‌کند. ابراهیم در «خروج» بعد از مدت‌ها از حاج کاظم‌های میانسالش گذر کرده و بعد از شهادت باشکوه حاج حیدر در «بادیگارد»، و با گذاشتن خودش به پیری، دست به سوی مردان پیر دراز می‌کند. «خروج» می‌تواند شروع دوره تازه‌ای در سینمای حاتمی‌کیا باشد. دوره فیلم‌های ملی و توجه به همه ایرانیان با مسائل و مشکلاتی که دارند. □

برای سعید، یونس، کاظم، عباس، راشد، مصطفی، حیدر و رحمت... برای مردان اخموی خشنی که قلب‌های تپنده مهربان دارند... برای ابراهیم. «خروج» را فیلمسازی ساخته که جنگ‌هایش را رفته، زخم‌هایش را خورده، آتش‌های ریز و درشت را به جان خریده، بددلی‌ها و دشمنی‌ها را از سر گذرانده و حالا به دنبال روایت داستانی به ظاهر آرام، اما تعیین‌کننده از منظر جهت‌گیری سیاسی - اجتماعی است. پخته و آرام و سرشار از نگرانی واقعی نسبت به اوضاع ایران.

بیستمین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا فیلمی دردمند و مؤثر است. اثری گزنده که جای درست را هدف می‌رود و با شوراندن روستاییان علیه اشرافیت دولتی، با برانگیختن مظلوم علیه ظالم و مشروعیت بخشیدن به حق اعتراض شهروندان و مردمان ستم دیده، هم حاکمیت را به برخورد عقلانی با حقوق مردم فرامی‌خواند و هم با برخوردی به شدت انتقادی علیه دولت مستقر (دولت حسن روحانی)، نادیده گرفتن مردم واقعی و برخورد ریاکارانه با روستاییان و حاشیه‌نشین‌ها را مورد نقد جدی قرار می‌دهد. در کمتر فیلم ایرانی معاصر شیوه مدیریتی غیرصادقانه و اشرافی دولتی تا این حد نقد شده و در کمتر فیلم این سال‌ها، کارگردانی فراسی و زیرکی آن را داشته که ناعدالتی تثبیت شده و ضد مردمی را به نفع استیفای عدالت و حق طلبی برجسته کند. ابراهیم خسته است. خسته و تنها. خسته از جور زمان، تنها در پیگیری ایده‌های فردی و آرای برآمده از فرهنگ روادار اسلامی در تناسب با حساسیت‌های ملتهب و حاد زمانه و تک‌افتاده در مواجهه با تندروهای دو سر طیف که هیچ‌گاه خام و رام حرف‌هایشان نشده است.

این یک وسترن ساخته شده توسط فیلمسازی است که هم در این سال‌ها تا انتهای تنهایی و انزوا رفته و هم کم و بیش در فیلم‌هایش فضا سازی وسترن را تجربه کرده و حالا به واسطه تجربه «خروج» تمام و کمال یک فیلم وسترن ایرانی ساخته است. قصه حاشیه‌نشینان محترم و مظلومی که برای اعاده حق خویش و به قصد ملاقات رئیس جمهوری رهسپار مسافتی طولانی به سوی مرکزی می‌شوند و در این میان تنها سلاح و دارایی‌شان تراکتورهای فرتوت و مستهلک است.

فیلم با رویکرد اعتراضی و خروشان یادآور بهترین اثر ابراهیم «آژانس شیشه‌ای» است، به لحاظ ارتباط پدر و پسر و صحنه تأثیربرانگیز خاکسپاری پسر شهید، «بوی پیراهن یوسف» را به خاطر می‌آورد و از نظر کار با امکانات اینترنتی و پلان‌های موبایلی تماشاگر را به یاد «گزارش یک جشن» فیلم نمایش داده نشده حاتمی‌کیا می‌اندازد. ابراهیم، اما در «خروج» برخلاف «گزارش یک جشن» موضع ملی و بلوغ یافته تری می‌گیرد و در مود، بارها دورتر از فضای گرم و احساساتی «بوی پیراهن یوسف» با حال و هوایی پیرانه‌سرو و خوشبخت‌دار، از جایگاه یک پیرمرد هفتاد و خرده‌ای ساله، عاقله‌مردانه و پدران به جهان می‌نگرد.



« **سیدعلی میری رکن آبادی**

شد فرصتی آماده که در خانه بمانید
 بار از نفس افتاده که در خانه بمانید
 سیمای دل انگیز شده خوش خبر این بار
 جانی به طرب داده که در خانه بمانید
 از جام جهان بین پُرانگیزه شنیدم
 باز است خم باده که در خانه بمانید
 ایهام ندارد سخنم نظم دقیق است
 گفتم غزلی ساده که در خانه بمانید
 از نصف جهان چشم ببستید و ز شیراز
 ماندید در آباده که در خانه بمانید
 از حسرت دیدار رفیقان که گذشتید
 گویند به همسایه که در خانه بمانید
 تصنیف دعایی که شکوفا شده در باغ
 گل کرده به سجاده که در خانه بمانید
 این گرگ که افتاده در این گله آهو
 ببیند به قلاده که (اگر) در خانه بمانید
 آرام شود بانوی دل بسته به بازار
 با دفتر و لباده که در خانه بمانید
 دلگیر نباشید ز عشاق در این راه
 بن بست شده جاده که در خانه بمانید
 در قافیه مانده غزل بی رمق من
 شعر از نفس افتاده که در خانه بمانید

چند شعر کرونایی

چراغ‌های تو سَل به روی دست بگیرد

□ **علیرضا قزوه**

چه رازها که هدر رفت و روزها که هبانشد
 چه می‌کنید اگر خاک هم پراز کرونا شد؟
 اگر که سقف و ستون‌های خانه پر شد از آتش
 و بال گردن ما بدتر از هزار و با شد
 چه آتشی است که افتاده در جهان؟ چه عذابی ست
 شبیه صبح قیامت، شبیه روز جزا شد!
 همیشه قسمت ما درد بود و داغ و جدایی
 دوباره آه و غم و غصه، سهم آینه‌ها شد
 چراغ‌های تو سَل! به روی دست بگیرد
 به مضطربان پریشان بگو که وقت دعا شد
 دعا کنیم که با عقل و عشق و صبر و توکل
 هزار قفل شکست و هزار پنجره وا شد
 چه دیده‌اید خدا را که شاید از پس طوفان
 هزار باد موافق رفیق کشتی ما شد
 ز عقل و حکمت و تقوی مدد بگیر که شاید
 کلید معجزه روزگار، دست شما شد

□ **نغمه مستشار نظامی**

کرونا هم تمام خواهد شد
 من دوباره تو را
 در آغوش خواهم گرفت
 ترانه‌های ایلپاتی را
 زیر گوشت زمزمه خواهم کرد
 پسرم
 کرونا هم تمام خواهد شد
 زنگ تفریح
 مدرسه را از هیاهو
 سرشار خواهد کرد
 کتاب‌های دل‌تنگ کتابخانه
 پرندگان شعر را
 در آسمان نگاهت
 آزاد خواهند کرد
 کرونا هم تمام خواهد شد
 و
 جهان
 سراسر
 بوسه
 آغوش
 و
 لبخند می‌شود

□ **سعید بیابانکی**

باغ سپید پوش که بسیاری و کمی
 بر برگ برگ خاطر من لطف شب‌نمی
 با هر نفس، بهار مرا تازه می‌کنی
 تقویم سبز خاطره در شادی و غمی
 تا در بهشت خانه خود زندگی کنم
 خاموش و بردبار، میان جهنمی
 دادی به جان میهن من خون تازه‌ای
 سبز سپید پوشی و هم‌رنگ پرچمی
 از پانمی نشینی و قد خم نمی‌کنی
 چون سرو، استواری و چون کوه، محکمی
 ما خانه مانده ایم و تو شمشیر می‌زنی
 یعنی شهید زنده خط مقدمی
 بعد از خدا سلامت ایران به دست تو ست
 آه‌ای دمی که همدم عیسی ابن مریمی ... □

□ **محمد حسین انصاری نژاد**

به جای بازی چرخ و فلک طناب زدید
 و جای تازه دمی باهل و گلاب زدید
 بهار رد شد و اما نند گلی به سری
 بهار رد شد و خود را فقط به خواب زدید
 درخت چون غزل حافظ است تازه، شگفت
 تقالی به ورق‌های این کتاب زدید؟
 به عید دیدنی‌ای برج هایتان آباد
 کجا گلی به سرخانه‌ای خراب زدید؟
 چه غم تهی ست اگر دست و بال همسایه
 به یاد سفره خالی او کباب زدید
 چه غم که مشتری آنجا حساب، دستش نیست
 چه غم که برج‌گرش زخم بی حساب زدید
 در این بهار، رفیقی که دست چین کردید
 لگد به بختش از این حسن انتخاب زدید
 به نفی فلسفه عاشقی کمر بستید
 چرا به کوچه دیوانگان نقاب زدید؟!
 چه حسن عاقبتی در عقب نشینی هاست
 شکار کبک نشد قسمت و عقاب زدید
 نه چشم زخم ستاره ست پشت این کرونا؟
 تمام شب کرم ضد آفتاب زدید

نگاهی به بیماری‌های مسری
در رمان‌های معروف

همه مسئولند زنده بمانند

و برای زنده ماندن دیگران مبارزه کنند

محمد قائم‌خانی

جوهری دارد، برای همین فراتر از حوزه عمومی و خصوصی رسالت پرستاری از همه را دارد. او بیناست، پس مسئول است، و بر خصوصی‌ترین امور دیگران هم تسلط دارد. این تسلط را خود بینایی برایش آورده است. به همین دلیل بعدها هم مورد تعرض آنها که این حقیقت را فهمیده‌اند قرار نمی‌گیرد. رابطه او با بقیه، غیر از رابطه انسان‌های کور با همدیگر است. او منجی دیگران از قرنطینه‌ای است که بیماری بر جمع تحمیل کرده. بخش مهمی از رمان درباره قرنطینه است، یعنی دنیایی بسته که همه مسائلش باید همان جادرون آن حل شود. هستی ما همین شهر است و کس دیگری در جای دیگری وجود ندارد که بشود رویش حساب کرد؛ حالا باید همین انسان‌ها این زندگی را به هر روشی که می‌دانند اداره کنند. قرنطینه ما را به لبه زندگی حیوانی و مسئولیت‌ناپذیری می‌کشاند و تنها کسانی از این وضعیت می‌رهند که تحت پرستاری مادرانه قرار بگیرند.

بغرنجی موقعیت آن است که این حیوان درون، در آستانه مرگ قرار گرفته است. آری، قرنطینه انسان‌ها را به «حیوانی در یک قدمی مرگ» تبدیل می‌کند، البته حیوانی که سرشار از قدرت حیات است. انسان در قرنطینه، تبدیل به یک قربانی می‌شود. هر قربانی در حالت نهایی خود، حیوانی است در یک قدمی مرگ، با قدرت و میل فراوان حیات. چه چیزی ما را از این وضعیت نجات خواهد داد؟ حفظ انسانیت. پس همه مسئولند انسانیت خویش را حفظ کنند و به مسئولیت «همه» را بر عهده بگیرند. بیماران یا مشکوکان به بیماری باید به جای همه با بیماری مبارزه کنند، و آنها که سالم هستند چون مادری دلسوز همه، از هر کسی که می‌تواند پرستاری بکنند. هر دورمان به یک‌جای می‌رسند؛ باید فشار گسترش بیماری را با امید به بهبودی تا انهدام کامل آن حفظ کنیم. □



• نویسنده: ژوزه ساراماگو

• مترجم: زهره روشنفکر



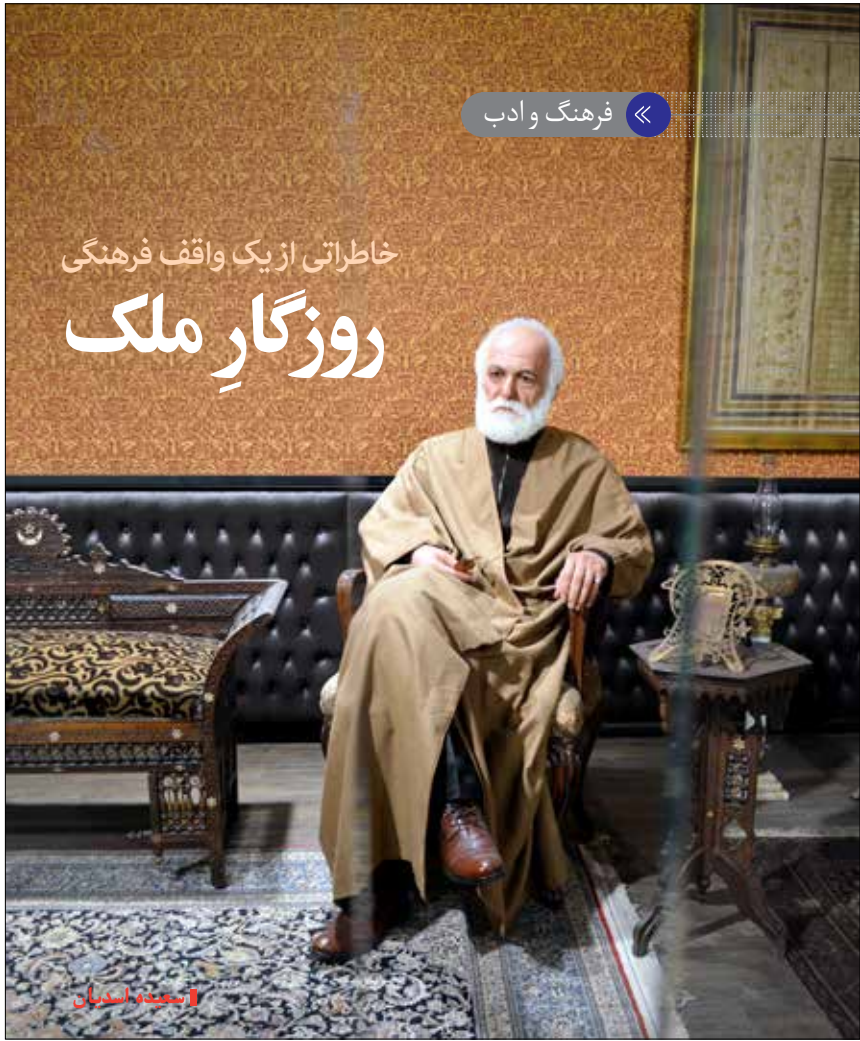
• نویسنده: آلبر کامو

• مترجم: پرویز شهیدی

دورمان بسیار معروف وجود دارند که به مسأله همه‌گیری یک بیماری در زمانی اندک می‌پردازند. اولی طاعون است نوشته آلبر کامو، و دیگری کوری نوشته ژوزه ساراماگو. موقعیت فراگیری یک بیماری با سرعت انتشار بالا، انسان را در برابر تقدیری قرار می‌دهد که خودش را در هیبت یک هجمه نشان می‌دهد. فقط تک‌تک افراد نیستند که مورد هجوم قرار گرفته‌اند، بلکه تجمع انسانی هدف قرار گرفته است؛ در یک کلمه نوک پیکان خطر به سمت «شهر» است. چون چیزی پیش آمده که فقط به یک انسان ربط ندارد، بلکه هم‌زمان به همه مربوط می‌شود. بیماری هر نفر، در عین حال بیماری کل جامعه است. نقطه‌ای است که سرنوشت فرد و جمع به هم گره می‌خورد. پس بنابراین چیزی اساساً انسانی ظهور می‌کند. برای همین است که یکی از دغدغه‌های اصلی کامو در طاعون انتقال این گزاره است: «همه مسئولند زنده بمانند و برای زنده ماندن دیگران مبارزه کنند.» بنابراین پای وظیفه‌ای اخلاقی برای زنده ماندن و زنده نگه داشتن در میان است. انسان هیچ انتخابی ندارد جز اینکه تسلیم شود، یا مبارزه کند. بنابراین «آزادی» در چنین موقعیتی چیزی جز مبارزه نیست، و کسی که این حقیقت را درک نکند، از نظر کامو هیچ بهره‌ای از فهم حقیقت نبرده است. آن چیزی که انسان در موقعیت‌های دیگر آزادی می‌پندارد، بندهای اسارت انسان است به تعلقات مختلف. آزادی چیزی جز پذیرش مسئولیت انسان بودن نیست و مابقی حرف‌های بی‌ربط است که تنها برای ایجاد مفر در برابر مسئولیت‌پذیری درست شده‌اند. در موقعیت یک بیماری مسری گسترده، همه آن حرف‌ها رنگ می‌بازد و پوچی‌شان ثابت می‌شود. پس فقط می‌ماند مبارزه برای زنده ماندن به امید پیروزی برای پاسداشت آزادی حقیقی انسان. از نظر کامو این مبارزه تنها وظیفه انسان آزاد است. برای همین است که در رمان طاعون، سرنوشت شهر را به تشکیل یک سازمان داوطلبانه برای حفاظت از زندگی دیگران پیوند می‌زند، سازمانی برای پرستاری از هر فرد بیمار یا مشکوک به بیماری. در اینجا پرستاری مبارزه برای انسانیت محسوب می‌شود.

این نقطه را می‌توان پل ارتباط بین رمان طاعون و کوری در نظر گرفت. ساراماگو از وجهی دیگر به پرستاری می‌پردازد. کامو دل مشغول مشارکت همه در پرستاری از همه است، اما ساراماگو متوجه ذات مادرانه پرستاری است. بدون پرستاری یعنی بدون مراقبت بی‌دریغ مادرانه، عبور از هجمه بیماری مسری ممکن نیست. در شهر کوران، یک زن مسئول نجات بقیه است، چون می‌بیند، همین. هم خودش این بار را بردوش خود احساس می‌کند، و هم بقیه از او انتظار یاری دارند، حتی به صورتی ناخودآگاه. او یک برتری

خاطراتی از یک واقف فرهنگی روزگارِ ملک



آقاسیدان

هم دوره بوده و ارادت و احترامی دوسویه میان شان بوده، همچنین پدرش حاج محمدکاظم ملک التجار که بازرگانی بزرگ در میانه های دوره قاجار بوده که در برهه هایی به کنش گری سیاسی و اجتماعی همچون رخداد قیام تنباکو یا پایه گذاری «شرکت عمومی» نیز روی می آورده است. ۱۸ سال پیش که خبرنگاری جوان، جویای تازگی ها و کنجکاو بودم، هنگامی که در محوطه تاریخی باغ ملی تهران می گشتم، ساختمان زیبای کتابخانه و موزه ملی ملک را در میانه این محوطه جذاب تاریخی در قلب تهران دیدم. کنجکاوانه به آنجا رفتم تا بیش تر درباره اش بدانم.

پس این اولین آشنایی شما با حاج حسین ملک بود؟

بله، اولین آگاهی ام درباره حاج حسین آقا ملک در جایگاه بنیان گذار و واقف کتابخانه و موزه ملی ملک و گنجینه اش به سال ۱۳۸۲ بر می گردد، در دومین نوشته و گزارش حرفه ای برای روزنامه ایران درباره این گنجینه و بنیان گذارش نوشتم که با تیتراژ «اینجا کتابخانه و موزه ملی ملک است: کنکوری ها بشتابید!» در روزنامه منتشر شد. رویکرد و تیتراژش به این مسأله اشاره می کرد؛ کتابخانه ای که روزگاری میعادگاه ادیبان، اندیشمندان، ایران شناسان، نسخه شناسان، استادان و نویسندگان بزرگ ایرانی و غیر ایرانی در تاریخ معاصر همچون ملک الشعراء بهار، دهخدا، والتر هینتس، مینورسکی و ادوارد براون بوده، در زمان فراهم آوری و نگارش گزارش ام برای روزنامه، بیش تر به مکانی برای گرد همایی دانش آموزان پشت کنکوری درآمده بود.

نه آن روز نه امروز عقیده ام این نبوده که اینگونه مخاطبان به چنین کتابخانه های بزرگ نباید بروند اما آن گزارش و تیتراژ به این مسأله اشاره داشت که کتابخانه و موزه ملی ملک به علت های گوناگون از فلسفه و سنت پیشین آن به ویژه در روزگار بنیان گذار و واقف دور شده بود، یعنی آنها که «می توانستند» - یعنی دانش آموزان و نوجوانان - به این کتابخانه بیایند، آمده بودند اما آن ها که «باید» - یعنی نسخه شناسان، اندیشمندان، ادیبان و ایران شناسان، گویی از آن دور و با آن بیگانه شده بود، دست کم برای من چنین ذهنیتی ایجاد شده بود هر چند بعدها فهمیدم که آن درک نخستین در دیدار نخست درست بوده است.

واکنش ها به انتشار آن گزارش چه بود؟

بعد از انتشار گزارش، ایمیلی از آقای سودآور نوه حاج حسین آقا ملک که در آمریکا زندگی می کرد به دستم رسید که در آن بعد از سپاسگزاری از انتشار گزارش و یادآوری جایگاه حاج حسین آقا ملک و گنجینه تاریخی اش، همچنین نقد وضعیت آن روز کتابخانه و موزه ملی ملک، مرا به خواندن نوشتاری درباره حاج حسین آقا ملک تشویق کرد که پیش تر برای یک مجله فارسی زبان در آمریکا نوشته بود. آن نوشتار یافته هایی جذاب درباره جهان اندیشه و زندگی خصوصی حاج حسین آقا ملک داشت. این رخداد آغاز پیوند میان ذهن من و پدیده ای با نام حاج حسین آقا

حاج حسین ملک یکی از افرادی است که ثمره سال ها فعالیت و علاقه اش به نسخ خطی را در طبق اخلاص گذاشت و تقدیم مردم کرد. کسی که خیلی ها هنوز شناخت درستی از او ندارند اگر کتابخانه و موزه ملی ملک نبود شاید یکی از بزرگترین واقف های فرهنگی ایران ناشناخته می ماند، مهدی یساولی روزنامه نگار، پژوهشگر و دانش آموخته تاریخ از دانشگاه شهید بهشتی تصمیم می گیرد کتابی راجع به تاریخ شفاهی این واقف بزرگ ایران بنویسد. به همین مناسبت با وی به گفتگو نشستیم تا بر ایمان از این کتاب بگویند. کتابی که به زودی راهی بازار نشر می شود. ■

ایده نوشتن این کتاب از کجا آمد و هدف شما از نگارش این کتاب چه بود؟



متأسفانه آگاهی های مستند و درست تاریخی درباره حاج حسین آقا ملک به اندازه نیاز برای پژوهشگران و تاریخ نگاران حتی در گستره همگانی جامعه وجود ندارد، ما با یک پدیده مهم در تاریخ معاصر ایران روبه رو هستیم که کارهای شگرف، فرای گستره های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در گذرد و سده اخیر انجام داده اما جامعه، او و کوشش هایش را به اندازه و به درستی نشناخته است. البته کمی آگاهی های فراگیر درباره حاج حسین آقا ملک وجود دارد که همان گفته و شنیده های تکراری است، این که او واقف و نیکوکاری بزرگ بود، کتابخانه و موزه ملی ملک را بنیان گذاشته، خانه ای تاریخی در بازار تهران داشته که مکان پیشین کتابخانه و موزه ملی ملک بوده، همچنین موقوفه هایی گسترده نیز در خراسان بر جای نهاده است. کمی هم درباره تبارش می دانیم، از پدر بزرگ اش آقا مهدی ملک التجار که با امیر کبیر



.....

سرزمین، نمایی تازه از یک بزرگ مرد تاریخی پیش روی بگذارم که برخلاف پندارها، یک پدیده فرازمینی و ویژه نبوده، انسانی «عادی» و باورپذیر بوده که با برخورداری از ثروت بسیار و افسانه‌ای راه نیک بختی و کام‌روایی را در ساده‌زیستی، هم‌نشینی با همگان به ویژه اهل فرهنگ و هنر و گردآوری میراث تاریخی گذشتگان و برجای نهادن آن برای آیندگان جسته است.

هریک از گفتگو‌شوندگان پژوهش «تاریخ شفاهی زندگی حاج حسین آقا ملک» که خاطره‌هایشان در این کتاب آمده، از نگاهی ویژه به او نگریسته و برداشت و دریافت‌شان را بازگفته‌اند. من به دنبال این بودم با چیدن خاطره‌های گوناگون در کنار یکدیگر، هم یک نمای فراگیر از سرشت، خوی و منش این انسان بزرگ را پیش روی خواننده بگذارم هم بی‌آن که جهت‌گیری ویژه در کار باشد، دست خواننده را برای پذیرش هر یک از جنبه‌هایی باز بگذارم که گفت‌وگوکنندگان درباره او سخن گفته‌اند.

دفتر یکم کتاب در کنار ۳ خاطره‌ای که دست‌آورد پژوهش «تاریخ شفاهی زندگی حاج حسین آقا ملک» بوده، ۱۰ خاطره هم از بزرگانی درباره حاج حسین آقا ملک دارد که دهه‌های گذشته پیش از نشر در این کتاب در مجله‌های تخصصی گستره کتاب، کتاب‌داری و نسخه‌شناسی منتشر شده‌اند.

این خاطره‌ها از نام‌دارانی چون زنده‌یادان احمد سهیلی خوانساری سرپرست پیشین کتابخانه ملی ملک در روزگار زندگی حاج حسین آقا ملک، ایرج افشار کتاب‌شناس برجسته و حبیب یغمایی بنیان‌گذار و مدیر مجله یغما بوده‌اند، کسانی که سال‌ها پیش‌تر از برنامه‌ام برای پژوهش درباره «تاریخ شفاهی زندگی حاج حسین آقا ملک» زندگی را بدرود گفته و درگذشته بودند و به آنها دست‌کم در این جهان دسترس نداشته‌ام، چه بسا که اگر به آن بزرگواران دسترسی داشتم خاطره‌هایی بیش از این‌ها که پیش‌تر نوشته بودند به دست می‌آورد.

مهم‌ترین افرادی که با آنها گفتگو کردید چه کسانی بودند؟

احمد سهیلی خوانساری و ایرج افشار از میان آن خاطره‌نویسان در پیوند با حاج حسین آقا ملک جایگاهی ویژه داشته‌اند، چرا که سهیلی نزدیک به ۳۰ سال با او هم‌نشین بوده و در گسترش کتابخانه ملی ملک هم‌تراز و همسان حاج حسین آقا ملک کوشیده، افشار هم به دلیل جایگاه ویژه در گستره کتاب و کتاب‌شناسی در دهه‌های پی‌درپی تاریخ معاصر ایران به دلیل قراردادی که برای فراهم‌آوری فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک با حاج حسین آقا ملک بسته بوده، چندین سال با او پیوند نزدیک داشته و هم‌نشین بوده است.

خاطره‌های نشریافته آن بزرگان درباره حاج حسین آقا ملک در آن مجله‌های تخصصی به اندازه‌ای ارزشمند بودند که در چارچوب کتاب «روزگار ملک» اگر نمی‌گنجیدند، کتاب‌کاستی داشت. به همین جهت این آسیب را به جان خریدم به این قیمت که شناخت خواننده کتاب درباره سرشت حاج حسین آقا ملک گسترده‌تر و فراگیرتر باشد. □

ملک بود. روزگار گذشت تا ۹ سال بعد در سال ۱۳۹۱ برپایه پیشنهادهای تصمیم‌گرفتم پژوهش تاریخ شفاهی زندگی حاج حسین آقا ملک را انجام دهم.

پس با آگاهی کامل به سراغ نوشتن این کتاب رفتید؟

بله حالا دیگر آگاهی‌ام درباره یکی از بزرگ‌ترین واقعات و نیکوکاران ایران در تاریخ ایران، افزایش یافته بود و بیش از گذشته می‌توانستم با چشم‌اندازی روشن به این پدیده نگاه کنم و درباره‌اش بنویسم. این پژوهش در آغاز گفتگوی تاریخ شفاهی با چند استاد نام‌آور اهدف داشت که حاج حسین آقا ملک را می‌شناخته، او را دیده یا هم‌نشین‌اش بودند، همچنین در گفتگو با چند نفر از اعضای خانواده‌اش همچون دخترهای بازمانده و نوه‌ها، درباره زندگی شخصی حاج حسین آقا ملک نکات جدیدی را فهمیدم.

تصور این بود که تعداد گفتگو‌شونده‌ها کم‌تر از ده نفر خواهد بود و از آن بیشتر نمی‌شود، چرا که حاج حسین آقا در سال ۱۳۵۱ خورشیدی در ۱۰۱ سالگی درگذشته بود و زمان آغاز پژوهش - سال ۱۳۹۱ خورشیدی - ۴۰ سال از آن روزگار می‌گذشت، بنابراین به جز بازماندگان خانواده ملک، باید کسانی را از میان استادان، فرهیختگان، نسخه‌شناسان و اندیشمندان پیدا می‌کردم که دست‌کم ۶۰ سال و بیش‌تر داشته تا پیشگاه حاج حسین آقا ملک را درک کرده یا با او هم‌نشین بوده و از همه مهم‌تر خاطره‌هایی با او داشته باشند.

کتاب «روزگار ملک» شامل چه بخش‌هایی است؟

این کتاب ۸۰ خاطره درباره حاج حسین آقا ملک را در برمی‌گیرد که در چهل خاطره در دفتر یکم آمده و اکنون آماده انتشار است. دفتر دوم نیز پس از آماده‌سازی و انتشار دفتر یکم، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد، این ۸۰ خاطره تنها بخشی از پژوهش بزرگ «تاریخ شفاهی زندگی حاج حسین آقا ملک» به شمار می‌آیند و گوشه‌هایی از زندگی و سرشت و جهان بینی حاج حسین آقا ملک را نشان می‌دهند. متن کامل پژوهش که گستره‌ای بسیار فراتر از این خاطره‌ها دارد و خواننده را به یک سفر دراز در جهان اندیشه بزرگ‌ترین نیکوکار و واقف تاریخ معاصر ایران می‌برد، پس از انتشار دو دفتر «روزگار ملک» در چارچوب یک کتاب با رویکرد تاریخ شفاهی منتشر می‌شود و در دسترس پژوهشگران و دوستداران فرهنگ و تاریخ جای می‌گیرد.

آیا این کتاب صرفاً یک زندگینامه است؟

کتاب «روزگار ملک» زندگی‌نامه نیست، پیش‌گفتاری که بر کتاب نوشته‌ام یک نمای فراگیر درباره زندگی، سرشت و کوشش‌های حاج حسین آقا ملک پیش روی می‌گذارد تا خواننده اگر شناختی درباره او نداشته یا این شناخت اندک باشد، دریابد با چه کسی روبه‌رو است. کتاب اما فراتر از این است و نمی‌خواهد زندگی‌نامه حاج حسین آقا ملک را برپایه تراز کتاب‌های زندگی‌نامه‌ای بگوید.

در کتاب «روزگار ملک» بر آن بوده‌ام از زبان، سخن و قاب نگاه نام‌آوران فرهنگ، ادب، دانش و پژوهش در این

هریک از

گفتگو‌شوندگان

پژوهش «تاریخ

شفاهی زندگی

حاج حسین

آقا ملک» که

خاطره‌هایشان در

این کتاب آمده،

از نگاهی ویژه

به او نگریسته

و برداشت و

دریافت‌شان را

بازگفته‌اند. من به

دنبال این بودم با

چیدن خاطره‌های

گوناگون در کنار

یکدیگر هم یک

نمای فراگیر از

سرشت، خوی و

منش این انسان

بزرگ را پیش

روی خواننده

بگذارم هم بی‌آن

که جهت‌گیری

ویژه در کار

باشد، دست

خواننده را برای

پذیرش هر یک

از جنبه‌هایی

باز بگذارم که

گفت‌وگوکنندگان

درباره او سخن

گفته‌اند



خاطرات ایران

|| اسماعیل بنده خدا

می کردند.»

پس از پیروزی انقلاب و پیش از شروع جنگ هشت ساله تحمیلی، خانم ترابی که در آن زمان دختری ۲۴ ساله بود، همراه دیگر همکاران شان، در قالب گروه‌های جهادی درمانی، به روستاهای اطراف تهران می‌رفتند و به مردم بیچاره روستایی خدمت می‌کردند. می‌شود گفت اولین گروه‌های جهادی درمانی جمهوری اسلامی را خانم ترابی و همکارانش پایه‌گذاری می‌کنند. «به هر روستایی که می‌رفتیم در خانه بزرگ یا مسجد روستا مستقر می‌شدیم و اعلام می‌کردیم هر کس مشکل درمانی دارد به ما مراجعه کند. تا زمانی که خودم نرفته بودم و به چشم خود ندیده بودم، باور نمی‌کردم روستاهای نزدیک تهران تا این حد محروم و عقب مانده از بهداشت و خدمات و امکانات باشند. انتظار داشتم وضع روستاهای اطراف پایتخت را بهتر از روستاهای دیگر ببینم، ولی وضع روستاها حتی بدتر از روستاهای تویسرکان و کرمانشاه بود که در آنها مامایی کرده بودم.»

خانم ترابی که لحظه لحظه عمر خود را صرف خدمت به این مردم کرده بود، در سال ۵۸ به علت نیاز شدید رزمندگانی که با گروه‌های جدایی طلب کومله و دموکرات کرد در حال مبارزه بودند، به شهر پاوه اعزام می‌شود و این اعزام، شروع اعزام‌های بی دریبی و پر شمار ایشان به عنوان نیروی بیهوشی اتاق عمل به مناطق جنگی به حساب می‌رود. از آنجا که ایشان در تهران دوره‌های علمی بیهوشی را طی کرده و چند سال به عنوان تکنیسین بیهوشی در اتاق عمل بیمارستان‌های مختلف تهران کار کرده بود، در کار خود متبحر بوده و از طرفی نیاز مبرمی به تخصص ایشان در مناطق جنگی وجود داشت. «خبر می‌رسید وضع پاوه به قدری وخیم شده است که جز تعداد اندکی پاسدار، نیروی دیگری در شهر نمانده و سقوط آن به دست ضدانقلاب نزدیک است.» به دکتر زککش گفتم که من هم می‌آیم،

یکی از قهرمانان عجیب و کم نظیر و در عین حال گمنام کشور ما، یک بانوی مسلمان انقلابی است که از قضا همانم کشور خودش نیز هست؛ خانم ایران ترابی. تاریخ کشور و ملت ما به قدری قهرمان واقعی و حقیقی پرورنده و در خود جای داده است که ما برای همیشه از وجود هرگونه قهرمان وارداتی خارجی و بیگانه و خیالی و موهوم و ساخته چند نرم افزار کامپیوتری بی نیاز باشیم. قهرمانانی کاملاً واقعی و برخاسته از متن مردم این مرز و بوم که می‌شود به آنها تکیه کرد و آنها را به عنوان انسان‌های نمونه و ممتاز یک فرهنگ به تمام جهان معرفی کرده و به وجود آنها مباحث کرد؛ قهرمان‌هایی که بعضاً آنقدر رویایی و کم نظیر هستند که وجودشان تنه به تنه خیال می‌زند و شاید خیال انسان نیز نتواند چنین انسان‌های بزرگی را در خود پرورش دهد. یکی از این قهرمانان حقیقتاً عجیب و کم نظیر و در عین حال گمنام کشور ما، یک بانوی مسلمان انقلابی است که از قضا همانم کشور خودش نیز هست؛ خانم ایران ترابی. نامی که دیگر پس از شنیدن کلمه شیرزن، از اولین نام‌هایی است که به ذهن من خطور می‌کند و ایشان را با این صفت می‌شناسم. مسبب شناخت من از این قهرمان ملی نیز، کتاب خاطرات ایشان است به نام «خاطرات ایران» که از طرف یکی از دوستان کتاب بازمی‌ماند و من هدیه شد و واقعا عجب هدیه نابی بود. خانم ایران ترابی در سال ۱۳۳۴ در شهر تویسرکان از توابع استان همدان به دنیا آمده. پس از گذراندن کلاس ششم، به علت فقر فرهنگی زمان طاغوت، چندسالی مجبور به ترک تحصیل می‌شود، اما علاقه وافر ایشان به تحصیل باعث شد که مقابل مشکلات موجود بایستند و پس از گذراندن دوران دبیرستان، وارد کار بهداشت و درمان شود.

پنجره ورود ایشان به کار درمان نیز، اعلام نیاز و ثبت نام عمومی یک آموزشگاه مامایی بود و خانم ترابی پس از گذراندن دوره‌های علمی مامایی، به عنوان ماما به یکی از روستاهای پرجمعیت در مرز همدان و کرمانشاه فرستاده می‌شود. علاقه برخاسته از جان و دل ایشان به کار درمان به عنوان یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌هایی که می‌شود به مردم، به خصوص مردم تهیدست روستاها خدمت کرد، در روزهای حوالی پیروزی انقلاب اسلامی، صورت حقیقتاً ایثارگرانه‌ای به خود می‌گیرد و خانم ترابی در روزهای پیروزی انقلاب، پس از مهاجرت از روستا به پایتخت، در بیمارستان فرحناز سابق به مجروحان مبارزات انقلابی خدمت می‌کرد. «فعال‌ترین ساعات کار در بیمارستان، شب‌ها بود. عمل‌ها را انجام می‌دادیم و مجروحانی را که شکستگی یا تیر خوردگی داشتند به اسم پرونده‌های تصادفی یا سقوط از ارتفاع بستری می‌کردیم. چند خانه مجاور بیمارستان را تخلیه و ضد عفونی کرده بودند. خانه‌ها از بیرون ظاهری مثل خانه‌های معمولی داشتند، ولی از داخل خانه‌ها را به شکل بخش درآورده بودند. مجروحانی که تیر خورده بودند، وقتی به هوش می‌آمدند و کمی حالشان بهتر می‌شد به آن خانه‌ها منتقل می‌کردند و پزشکان و پرستاران انقلابی در آنجا به مجروحان رسیدگی

تکنیک‌های قصه‌گویی حرفه‌ای

همان گونه که خواندن امری مهم است اینکه قصه را به شیوه‌ای درست بخوانید نیز بسیار اهمیت دارد. هفت تکنیکی که در زیر ارائه شده به شما کمک می‌کند که منظور ما را بهتر بفهمید و تبدیل به یک قصه‌خوان حرفه‌ای شوید.

۱. طول داستان

قصه نباید زیاد کوتاه و نه زیاد طولانی باشد. قصه کوتاه ممکن است نتواند پیام اصلی داستان را بیان کند و قصه‌ای که بیش از حد بلند باشد نیز خسته کننده خواهد بود و کودک نسبت به آن بی تفاوت می‌شود. بنابراین طول قصه را در نظر بگیرید و آن را برای کودک خود تعریف کنید.

۲. محیط مناسب

محیطی مناسب را برای خواندن قصه انتخاب کنید. مکانی که برای خواندن قصه انتخاب می‌کنید باید به گونه‌ای باشد که کودک را در فضا و حال و هوای قصه قرار دهد.

۳. مقدمه مناسب

اگر شما قصه‌ای را برای کودک تعریف می‌کنید اجازه بدهید کودکان بدانند که شما این قصه را از کجا و از چه کسی شنیده‌اید. به او بگویید که این قصه چگونه به شما در زندگی‌تان کمک کرده و از آن چه درس‌هایی گرفته‌اید. سعی کنید از همان شروع داستان کودکان را نسبت به قصه علاقه مند کنید.

۴. حالت‌های بدنی مناسب

زمانی که شما قصه‌ای را تعریف می‌کنید اطمینان حاصل کنید که حرکات دست و چهره شما مناسب است. شما هم چنین می‌توانید تن صدای خود را تغییر دهید و از کودک خود نیز بخواهید که با شما همراهی کند به این شکل شما می‌توانید قصه را تا حد امکان جذاب و شنیدنی کنید.

۵. صدای بلند داشته باشید اما با آهنگی آهسته

مطمئن شوید که صدای شما رسا و بلند است اما سعی کنید با آهنگی آهسته قصه را تعریف کنید. صدای شما باید به گونه‌ای باشد که بتواند فضا و احساس داستان را به خوبی منتقل کند. تن، گام و شدت صدایتان را با توجه به تغییر اتفاقات در داستان تغییر دهید در جاهای مناسب مکث کنید تا کودک بتواند با شخصیت‌های داستان هم ذات‌پنداری کند.

۶. کودک خود را درگیر قصه کنید.

سعی کنید کودکان را با عبارات مختلف و با پرسیدن سؤال درگیر داستان کنید مثلاً «میدونی؟» یا «حدس بزن بعدش چی می‌شه؟» هم چنین می‌توانید از او بخواهید که حدس بزند پیام داستان چه بوده است. و به این شکل آنها بیشتر به مفهوم قصه توجه می‌کنند.

۷. طبیعی باشید

این مسئله که شما در نحوه قصه‌گویی خود حالت طبیعی داشته باشید بسیار مهم است. در این صورت شما می‌توانید اطمینان داشته باشید که قصه‌ای که تعریف می‌کنید نه برای خودتان و نه کودکان خسته کننده و کسالت آور نخواهد بود و از چیزی که می‌خوانید لذت می‌برید.

قصه‌گویی عنصری اساسی و مهم در رشد کودکان است. اجازه ندهید که کودکان از بخش مهمی از دوره کودکی‌اش که همان گوش دادن به قصه‌هاست محروم شود. □

گفت: «پس شما یک مقدار دارو و وسایلی که لازم است جمع کن و آماده باش. فردا حرکت می‌کنیم.» چند ست بخیه و پانسمان، تعدادی آمپوبگ، لوله تراشه، سرم و داروهایی که به نظر لازم می‌رسید، از اتاق عمل برداشتم. مسؤل اتاق عمل گفت: ترابی من اینها را طبق لیست گرفته‌ام. از من بخواهند چه کار کنم؟ گفتم رسید و وسایل را می‌نویسم و بهت می‌دهم. اگر شهید شدم که روز قیامت جوابش را می‌دهم و اگر زنده برگشتم که خودم می‌آیم و توضیح می‌دهم. «بهتر است به شما بگویم، به اینجای کتاب که می‌رسیم، تازه ۱۳۰ صفحه از این کتاب ۴۰۰ صفحه‌ای را پشت سر گذاشته‌ایم و هنوز ۲۷۰ صفحه از تلاش‌ها و مجاهدت‌های کم نظیر خانم ترابی در طول هشت سال دفاع مقدس باقی مانده است. تا اینجای معرفی کتاب هم از خیلی خاطرات جذاب و عجیب خانم ترابی سر بسته گذشته‌ام و مطالعه آنها را به شما واگذار می‌کنم. روایت‌های حضور ایشان در مناطق جنگی کردستان و سپس جنوب کشور پس از حمله صدام، واقعا عجیب و حیرت‌انگیز است. خانم ترابی پس از مجاهدت‌های خود و همکارانش در پاوه و در کربلای شهید چمران، به تهران بازمی‌گردد، اما درست چند روز پس از حمله عراق به کشور عزیزمان، بار دیگر به صورت کاملاً داوطلبانه به اهواز و اندیمشک اعزام می‌شود و دقیقاً در چند کیلومتری خط مقدم جبهه اصلی جنگ با عراق، مشغول خدمت به رزمندگان آسیب دیده در بیمارستان و اتاق عمل می‌شود. رفت و برگشت‌های متوالی ایشان به جبهه در طول هشت سال دفاع مقدس، از ایشان رزمنده‌ای کاملاً کارکشته و حرفه‌ای و باتجربه ساخته است. رزمنده‌ای که سلاحش، توپ و تفنگ نبود. او با سرنگ و دارو و سرم و لوله تراشه به جنگ با دشمن می‌رفت و حقیقتاً در این جبهه، جانفشانی‌هایی کرده است که از شما می‌خواهم حتماً روایت این مجاهدت‌ها را در کتاب خاطرات ایران بخوانید.

قلم و هنر خانم شیواسجادی که تدوینگر خاطرات خانم ترابی است، نقش موثری در مطالعه آسان و بدون پستی و بلندی‌های ادبیت‌کننده متن دارد، به طوری که با خواندن ده‌ها صفحه از کتاب، گذشت زمان را حس نمی‌کنید و همراه قهرمان کتاب به جلو می‌روید و وقایع را تجربه می‌کنید و غرق در کتاب می‌شوید. مصاحبه‌های ده‌ها ساعته با راوی، ایجاد فاصله زمانی برای درگیر شدن ذهن راوی با گذشته‌های نسبتاً دور، مرور چند باره موضوعات مطرح شده، گفتگو با برخی رزمندگان و کادر درمان هم دوره با خانم ترابی و بهره‌مندی از کتاب‌هایی مانند «دشت آزادگان در جنگ» و کتاب «کارنامه توصیفی عملیات‌های هشت سال دفاع مقدس» کمک موثری در روشن تر شدن حوادث و غنی تر شدن محتوای کتاب داشته است؛ به‌گونه‌ای که من تدوین کتاب «خاطرات ایران» را یکی از بهترین تدوین‌های کتب تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی می‌دانم. کتاب خاطرات ایران را انتشارات سوره مهر چاپ کرده است و نسخه‌ای که من آن را مطالعه می‌کردم، ششمین چاپ این کتاب در تیراژ ۲۵۰۰ جلدی بود. □



مفهوم یابی بحران در قرآن

بر این اساس و برای دستیابی به هدف اصلی پژوهش، «مصادیق بحران» مورد توجه قرار گرفته و سپس با تکیه بر واژگانی از قرآن کریم که در مقام اشاره به مصادیق بحران استعمال شده‌اند، اصول بنیادین مفهوم بحران استخراج شده است؛ بر این اساس می‌توان گفت اولین نوآوری در این پژوهش، برجسته‌سازی نزدیک‌ترین واژه‌ای است که در ادبیات دینی، در مقام اشاره به مصادیق بحران مورد استعمال قرار گرفته است. سپس بر اساس آیات و روایاتی که این واژه در آن استعمال شده، چارچوب قرآنی بحران به دست آمده است.»

در فصل سوم کتاب نیز تلاش شده اصلی‌ترین سنت‌های الهی مرتبط با مفهوم بحران به درستی به تصویر کشیده شوند. در نهایت آخرین فصل کتاب، یک جمع‌بندی از کل کتاب ارائه کرده است. ابتدای این فصل و پیش از جمع‌بندی، ابتدا مستندات اصلی را در کنار هم آورده تا هم نگاهی کلی از آنچه تاکنون گفته شده است به دست آید و هم راه را برای سایر پژوهش‌ها هموار شده تا پژوهشگران بعدی مسیر خود را بهتر طی کنند.

نوآوری کتاب و اصلی‌ترین جنبه ضرورت وجود متن حاضر، تلاش برای کشف قالبی اسلامی برای مصادیق بحران و تلاش در جهت ترسیم مختصات پدیده‌های بحرانی در تعالیم و حیانی است. به نظری رسد بازسازی مفهوم بحران در سایه آیات و روایات اسلامی و توجه به سنت‌های الهی، روشی متفاوت را در مقام مدیریت مصادیق بحران پیش روی مدیران قرار می‌دهد.

کتاب «مفهوم یابی بحران در قرآن و نسبت آن با سنت‌های الهی» به تالیف حسین ظفری و رضا رهنما با شمارگان ۲۰۰ نسخه در ۱۳۹ صفحه به بهای ۲۳ هزار تومان از سوی دانشگاه جامع امام حسین (ع) به چاپ رسیده است. □

کتاب «مفهوم یابی بحران در قرآن و نسبت آن با سنت‌های الهی» به تازگی منتشر شده است. امروز حوادث و اتفاقات ناگوار در قالب یک مفهوم جامع به نام «بحران» قرار گرفته و مدیران در تلاش هستند تا با استفاده از دانش، تجربه و ابتکارات متخصصان به مدیریت و مقابله با آن بپردازند، بنابراین تحقق مدیریت مطلوب شرایط بحرانی، نیازمند فهم دست از مفهوم بحران و درک دقیق از تعریف آن است که کتاب «مفهوم یابی بحران در قرآن و رابطه آن با سنت‌های الهی» در همین راستا تدوین شده است.

در کتاب مذکور؛ نگارندگان به دنبال ایجاد مفهومی جدید و قرآنی برای بحران نبوده بلکه تلاش کردند الگو و قالبی اسلامی برای مصادیق بحران کشف کنند تا در سایه این الگو امر مدیریت بحران به صورت دقیق‌تری درک شود. به همین دلیل، کتاب حاضر با روش اجتهادی و با نگاهی توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تکیه بر آیات قرآن، روایات اهل بیت علیهم السلام و نظرات مفسرین به پرسش‌های مطرح شده پاسخ می‌گوید.

در این روش تلاش می‌شود بر اساس آنچه پیش از این از نتایج تحقیقات پیشینه به دست آمد، پیمایشی دقیق در آیات قرآن کریم صورت گرفته و مفاهیم مرتبط با موضوع بحران و مصادیق آن مفاهیم گردآوری شود. پس از این مرحله، تلاش شده است با دستیابی به یک فرضیه، آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام را با محوریت آن فرضیه بازآرایی کرده و با تکیه بر نظر مفسران، تحلیل دقیق از معادل قرآنی پدیده بحران و اوصاف آن ارائه شود.

در فصل اول این کتاب تعاریف و ابعاد مختلف بحران در ادبیات مرسوم آورده شده است و تلاش کرده تا به جمع‌بندی مشخصی در این خصوص برسد. در این فصل رویکرد‌های مختلف تحلیلی و تعاملی در خصوص بحران آمده است. همچنین در این فصل مباحثی در خصوص نقش پارامترهای مختلف در شکل‌گیری بحران آورده شده است که مخاطب را به منطق مشخص در خصوص تعاریف مختلف بحران می‌رساند.

در فصل دوم این کتاب می‌خوانیم: «آنچه که مسلم است، دقیق‌ترین و ناب‌ترین مفاهیم مرتبط با بحران را می‌توان از منبع غنی قرآن احصاء و استخراج کرد. بر این اساس رسالت اصلی این پژوهش ارائه مختصاتی قرآنی از مصادیق بحران است. قرآن کریم به عنوان کلام الهی، می‌تواند منبعی روشن‌نگر در جهت راهنمایی مدیران و متخصصان در مواجهه با پدیده‌های عالم و تشخیص حوادث بحرانی باشد. این پژوهش به دنبال ردیابی چارچوب پدیده‌های بحرانی و سنت‌های الهی مرتبط با آنان در آیات قرآن است.»



گزارش‌هایی از برپایی اولین جلسه کمیته موقوفات هلال احمر، نشست تخصصی بررسی کتاب «عالمگیر؛ کووید ۱۹ جهان را تکان می‌دهد»، جلسه مدیران ارشد جمعیت هلال احمر و مسئولان حوزه علمیه، نشست علمی-تخصصی «جایگاه روانشناسی در چرخه مدیریت بحران» در کنار خبرهایی از فعالیت‌های دفاتر نمایندگی ولی فقیه در استان‌های مختلف مانند تهران، لرستان، فارس، چهارمحال و بختیاری، گلستان، قم، یزد، خوزستان، ایلام، اردبیل، آذربایجان شرقی، کرمانشاه و شیراز بخشی از مطالب این شماره هستند. همچنین در دو صفحه یادی از همکار ارجمندمان مرحوم روح الله رجایی نیز داشته‌ایم.

هلال

کجا مومنانه

• رزمایش ایران همدل - تیرماه ۱۳۹۹ - گیلان



ما باهم زنده می‌مانیم

واکاوی جایگاه روانشناسی در چرخه مدیریت بحران

تدوین برنامه اقدامات مشترک حوزه علمیه و جمعیت هلال احمر



محیط زیست و مسائلی همچون گازهای گلخانه‌ای جلسات متعددی برگزار کرده‌اند، اما هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است، زیرا این چالش نیازمند تغییر نگاه در عرصه اقتصادی و سیاسی در جهان بوده؛ کووید ۱۹ این فرصت را برای تجدیدنظر در روند اداره سیاسی و اقتصادی جهان ایجاد کرده است.

همه با هم

به نگاه این محقق در دنیای اقتصادی امروز که فاجعه‌ای همچون فقر یک وضع اقتصادی طبیعی تعریف می‌شود؛ کووید ۱۹ وقفه‌ای ایجاد و به انسان گوشزد می‌کند که زندگی امری اجتماعی است. او توجه به حس همبستگی را یکی از مهم‌ترین نکات کلیدی کتاب عالم‌گیر دانست و افزود: در کووید ۱۹ مسأله جهان از من به ما تبدیل می‌شود و نگاه به دیگری مهم شمرده می‌شود. می‌گوید اگر می‌خواهی خود و دیگری در خطر نباشید باید ماسک بزنی. این همان نگاه اخلاقی است که در جهان کنونی کم‌رنگ شده است.

از نگاه اسماعیل نوشاد، ژیزک در این کتاب همه تلاش خود را به کار گرفته و از اندیشمندان از فردریک هگل تا ژاک لکان کمک می‌گیرد تا یک کتاب تأثیرگذار برای خواننده بنویسد. او با انتقاد از اینکه در این کتاب راهکار ژیزک یک نوع کمونیسیم متفاوت است، افزود: نویسنده نوع جدیدی از کمونیسیم را به عنوان راهکار برای عبور از وضع فعلی می‌داند، راهکاری که برگرفته از عقاید او است نه تجربیات شکل گرفته در مواجهه با کرونا و بیروس.

به مهربانی رفتار کنید

علیرضا سمیعی، فعال فرهنگی و پژوهشگر حوزه یکی دیگر از سخنرانان این نشست بود که به بررسی و واکاوی کتاب عالم‌گیر و جهان پسا کرونا پرداخت. وی معتقد است ژیزک در این کتاب سعی دارد با نگاه نقادانه تأثیرات کرونا بر دنیا را صریح و روان و آشکافی کند.

از نگاه این پژوهشگر این که نویسنده در این کتاب از مسیح تا ترامپ، پوتین و حریرچی نقل قول است، نشانه‌ای از همین آشکافی است. سمیعی افزود: این کتاب به پرسش‌هایی همچون ماهیت کرونا چیست؟ دشمن است یا دشمن نیست؟ پاسخ می‌دهد. او در تبیین این پرسش‌ها افزود: در این کتاب، کووید ۱۹ یک وضع است نه دشمن، این و بیروس ماهیت قابل‌تکنیر و سرایت دارد. این یعنی این و بیروس با دیگری درآمیخته است.

این پژوهشگر با اشاره به اینکه ژیزک فصل اول کتاب را با نقل قولی از انجیل شروع کرده است؛ با این عنوان که مرا لمس مکن، افزود: مسیح به پیروان خود می‌گوید: مرا لمس نکنید، در عوض، دیگران را با محبت نوازش و با آنان به مهربانی رفتار کنید.

به نگاه این نویسنده این آغاز و این تأکید بر محبت، همان دیگری خواهی است که در دین و فلسفه به آن اشاره شده است. سمیعی نهضت صلیب سرخ را نیز نهضت دینی و فلسفی برمی‌شمارد و اضافه می‌کند: در بسیاری از

گزارش نشست تخصصی بررسی و واکاوی کتاب «عالمگیر؛ کووید ۱۹ جهان را تکان می‌دهد»

ما با هم زنده می‌مانیم

میزگرد علمی، تخصصی بررسی کتاب عالم‌گیر اثر اسلاووی ژیزک با ارائه علیرضا سمیعی و اسماعیل نوشاد از سوی معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر برگزار شد. این نشست در ادامه سلسله نشست‌های حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به منظور تقویت مبانی نظری حوزه امداد و یاریگری با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار شد. هدف از برگزاری نشست تخصصی، بررسی و تحلیل موضوع‌های مربوط به جمعیت هلال احمر با حضور اندیشمندان و متفکران حوزه علوم انسانی و مقدمه برگزاری همایش اخلاق امدادگری است.

امرنا بهنگام

در آغاز این نشست، اسماعیل نوشاد، پژوهشگر حوزه فلسفه ضمن معرفی اسلاووی ژیزک فیلسوف معروف اروپایی، توضیح کوتاهی در مورد کتاب عالم‌گیر ارائه کرد. نوشاد با اشاره به اینکه این کتاب برخلاف دیگر آثار نویسنده، به زبانی ساده و روان نوشته شده است، افزود: در این کتاب از بحران کووید ۱۹ با عنوان «امرنا بهنگام» یاد شده است. یعنی امری که به یک باره ظهور و جوامع بشری را دچار شوک می‌کند. یک رخداد که در ساختار سیاسی، اجتماعی و وقفه می‌اندازد.

از نگاه این پژوهشگر این مصداق و تعریف، میان این کتاب و اهداف جمعیت هلال احمر ارتباطی برقرار کرده است. او در تبیین و توضیح این امرنا بهنگام خاطر نشان کرد: در نگاه نویسنده این امر به ناپهنگام یک فرصت تغییر در جهان و عصر کنونی ایجاد کرده است. تغییری که می‌تواند پیامدهای مثبتی به دنبال داشته باشد.

نوشاد با اشاره به چالش‌هایی همچون مسأله گازهای گلخانه‌ای و مسائلی محیط زیستی اضافه کرد: در طول این سال‌ها کشورهای همچون آمریکا و چین برای تغییر در روند چالش‌های



عالمگیر

« اسلاوی ژیزک فیلسوف معروف معاصر به تازگی کتابی با عنوان «پاندمیک کووید ۱۹ جهان را تکان می دهد» نوشته است. این کتاب با عنوان «عالمگیر» که توسط هوشمند دهقان مترجم نام آشنای فلسفه و ادبیات ترجمه شده است توسط انتشارات صدای معاصر در دست چاپ قرار دارد. کتاب ژیزک «عالمگیر» نام دارد و عنوان فرعی اش هم «کووید ۱۹ جهان را تکان می دهد!» است. این متفکر معاصر در کتاب جدیدش درباره اپیدمی ویروس کرونا نوشته و اثرش یک مقدمه، ۱۰ فصل و یک ضمیمه دارد. عناوین اصلی این کتاب به ترتیب زیر هستند: «سرازاز: مرالمس مکن! فاصله گذاری بدنی»، «فصل اول: اکنون همگی در یک قایق نشسته ایم نیاز جهان به هم پیوسته کنونی به نسخه ای جدید»، «فصل دوم: چرا همیشه خسته ایم؟ تفاوت میان دورکاری کارگران قراردادی خود استثمرارگر و دورکاری مدیران رده بالا»، «فصل سوم: به سوی طوفانی تمام عیار در اروپا؛ مسأله پناه جویان و پیامدهای منفی کرونا برای اروپا»، «فصل چهارم: به برهوت ویروسی خوش آمدید! لزوم بازسازماندهی اقتصادی جهان»، «فصل پنجم: پنج مرحله تمام اپیدمی ها عبور هر بحران فردی یا اجتماعی، از پنج مرحله انکار، خشم، چانه زنی، افسردگی و پذیرش»، «فصل ششم: ویروس ایدئولوژی فرصتی برای اندیشیدن در مورد معنا (یا بی معنایی) زندگی... و سیاست های یک بام و دو هوای دولتمردان جهان»، «فصل هفتم: آرام باشید و بترسید! آنجا که نباید می ترسیم و آنجا که باید نمی ترسیم»، «فصل هشتم: نظارت و مجازات؟ بله لطفاً! کرونا ویروس، دستاویز خوبی است برای کنترل افراد»، «فصل نهم: آیا تقدیر ما، رجعت به بربریت با چهره ای انسانی است؟ اصل بقای سالم ترین ها، تقاضای داروی انحصاری، بقای برهنه»، «فصل دهم: کمونیسیم یا بربریت، به همین سادگی! بر سر یک دوراهی سرنوشت ساز: بربریت یا کمونیسیم در شکلی نوین» و «ضمیمه: دو نامه مفید از دوستان» □

سازمان های بین المللی و حتی فرهنگ، سیاست مقدم بر هر امر دیگری شده است اما جمعیت هلال احمر یک فلسفه دیگری خواهی و اخلاق مدارانه دارد که می تواند در این جهان پساکرونا به عنوان یک سازمان فعال فعالیت داشته باشد. سمیعی با بیان اینکه در این کتاب نظام سرمایه داری و نئولیبرالیسم متهم دستبرد به طبیعت برای دستیابی به تولیدات بی سرحد صنعتی و نهایتاً منافع حداکثری است، افزود: از نگاه نویسنده این نظام متهم است با دست بردن در طبیعت، به چرخه طبیعی و اکوسیستم حیات به مقیاس زیادی آسیب رسانده و خلق بیماری های نوپدید، به شکلی واکنش چرخه حیات آسیب دیده به این دستبرد است.

□ ویروسی که فقیر و غنی نمی شناسد

ژیزک معتقد است که برابر این ویروس، همگی در یک قایق نشسته ایم. سمیعی به گریز این فیلسوف سرشناس در فصل چهارم کتاب به ایران و نقل قول از ایرج حریرچی معاون وزیر بهداشت اشاره دارد که گفته بود کرونا، ویروس دموکراتی است؛ فقیر و غنی نمی شناسد، مسئول و غیرمسئول نمی شناسد.

سمیعی در ادامه به آثار ظهور کرونا ویروس در حوزه فرهنگ، اقتصاد و اجتماع اشاره و خاطر نشان کرد: در عصر کرونا ما به این حقیقت می رسیم که انسان در جزیره جدای از دیگری زندگی نمی کند. ما مدام در این عصر در مورد دیگری حرف می زنیم در مورد اینکه مادر یکی کشتی مشترک زندگی می کنیم.

او در ادامه با بیان اینکه در این عصر و این تغییرات به نگاه ژیزک جمع مقدم بر فرد است افزود: این بخش از کتاب و این جهان بینی پس از کرونا، مقطع اتصال موضوع با جمعیت هلال احمر است، نقطه اتصال داوطلبی. در جهان پس از کرونا «دیگری» مهم شمرده شده است، این به معنی ارتقای جایگاه داوطلبی در عصر پساکرون است. از نگاه سمیعی این دیگر خواهی مهم ترین دستاوردی است که می توان از این فاجعه به دست آورد.

وی معتقد است فارغ از صدمات اقتصادی کرونا این تبدیل من به ما و درک «دیگری» می تواند نقطه ای برای حذف تبعیض های اقتصادی و اجتماعی و جفاهای محیط زیستی شود.

او در پایان صحبت های خود به تأثیر کرونا در جامعه ایران نیز اشاره کرد و افزود: ما در کرونا و پاسخگویی به آن از دیگر کشورهای به اصطلاح جهان اول عقب نمانده ایم و این می تواند به این معنا تعبیر شود که ایران در جهان پساکرونا نیز با توجه به مسأله اهمیت معنویت در کشور یک مؤلفه و گفتمان تأثیرگذار باشد.

□ مدرسه یاریگری

برنامه مدرسه یاریگری هر یکشنبه ساعت ۱۱ در فضای اجتماعی اینستاگرام جمعیت هلال احمر به صورت زنده نیز پخش می شود و علاقه مندان می توانند از طریق آدرس @REDNES.IR در این نشست شرکت کنند. □



ژیزک معتقد

است که برابر

این ویروس،

همگی در یک

قایق نشسته ایم.

سمیعی به گریز

این فیلسوف

سرشناس در

فصل چهارم

کتاب به ایران و

نقل قول از ایرج

حریرچی معاون

وزیر بهداشت

اشاره دارد که

گفته بود کرونا،

ویروس دموکراتی

است؛ فقیر و غنی

نمی شناسد،

مسئول و

غیرمسئول

نمی شناسد



اولین جلسه کمیته موقوفات هلال احمر برگزار شد

عملیاتی کردن کار، مقرر شد کمیته موقوفات جمعیت با حضور رئیس، دبیرکل، خزانه دار، نماینده حوزه نمایندگی ولی فقیه، رئیس سازمان داوطلبان جمعیت، مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری هلال احمر، رئیس دفتر حوزه ریاست جمعیت تشکیل شود و در دو محور؛ بسترهای قانونی لازم از جمله شیوه نامه های اجرایی لازم پیش بینی شود، همچنین، همزمان به مصادیق وارد شویم و با دعوت از مدیران عامل استان های دارای موقوفه و تشکیل جلسات لازم، این مصادیق را پیگیری کنیم. بزرگ ترین مساله در حوزه املاک جمعیت هلال احمر با وزارت بهداشت و درمان است و خوشبختانه در صدد پیگیری تفاهم نامه ای بین وزارت بهداشت و جمعیت هلال احمر هستیم تا موضوعات و چالش های موجود، راحت تر پیگیری شوند.

کاشانی؛ مدیرکل املاک و موقوفات جمعیت نیز در این جلسه، گفت: سال ها پیگیر تشکیل کمیته ای برای رفع مشکلات حوزه املاک بودیم و این فرصت مناسبی است که وضعیت موقوفات هلال احمر که دچار مشکل هستند، مشخص شود.

توجه به اصل بهره‌وری

وی با بیان اینکه در حال حاضر هلال احمر، ۲۵۱ موقوفه دارد، تاکید کرد: حدود ۸۰ درصد از موقوفات جمعیت بدون مساله و براساس نیات واقفین، در حال فعالیت و بهره برداری هستند و تنها در ۲۰ درصد املاک و موقوفات، انحراف از نیات واقفین وجود دارد. کاشانی پیشنهاد کرد که در بحث موقوفات، سند مدیریت راهبردی تدوین شود تا چشم انداز موقوفات را در آینده نزدیک در آن بتوانیم ترسیم کنیم.

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت نیز در این جلسه تاکید کرد: متولی حوزه موقوفات هلال احمر، رئیس این جمعیت است

اولین جلسه کمیته موقوفات هلال احمر با هدف سازماندهی و رسیدگی به وضعیت املاک و موقوفات جمعیت هلال احمر به ریاست دکتر همتی رئیس جمعیت و حجت الاسلام و المسلمین ذاکری معاون نظارت و امور شرعی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر برگزار شد.

دکتر کریم همتی هدف از برگزاری این جلسه را رسیدگی به وضعیت املاک و موقوفات جمعیت و سازماندهی امور مربوط به این موقوفات براساس یک برنامه مدون عنوان کرد. همتی افزود: هلال احمر در ۱۴ استان، املاک موقوفه دارد که لازم است وضعیت موقوفات در هر استان کاملاً مشخص شده و با کمک گرفتن از کارشناسان حقوقی خبره، مشکلات حوزه موقوفات جمعیت را برطرف کرده و سامانه املاک جمعیت را نیز با استفاده از اطلاعات محیطی لازم، به روزرسانی کنیم. بخشی از موقوفات جمعیت در اختیار وزارت بهداشت است، برخی از این موقوفه جمعیت بسیار قدیمی شده، برخی به هر دلیلی غیر قابل استفاده هستند و برخی مشکلات دیگر در این حوزه وجود دارد که لازم است، تحلیل جامعی از آخرین وضعیت املاک و موقوفات جمعیت و سپس برنامه برای رفع مشکلات موجود داشته باشیم. انتظار این است حوزه حقوقی جمعیت با صرف وقت و با انجام کار کارشناسی و هر جا که طرف حساب جمعیت، دستگاه های دولتی هستند با تعامل و گفتگو مسائل را حل کرده و به نتیجه لازم برساند.

همتی ابراز امیدواری کرد که با برگزاری مداوم جلسات کمیته با حضور رئیس، دبیرکل، اعضای کمیته و مدیران عامل استان ها، ظرف شش ماه آینده بخش عمده ای از مشکلاتی که در برخی املاک و موقوفات جمعیت وجود دارد، برطرف شود و در بازه زمانی مشخصی، با تدوین چهارچوب عملکرد، به نقطه مطلوب برنامه ریزی رسیده و اموال و املاک جمعیت را سامان دهیم.

پشتوانه نود ساله

دکتر قوسیان مقدم، دبیرکل جمعیت هلال احمر نیز گفت: در حوزه وقف و اهمیت آن، نباید از پشتوانه نود ساله هلال احمر غافل شویم. لازم است با بهره‌وری اموال جمعیت چه از طریق سرمایه گذاری و چه از طریق دیگر راه ها به نتیجه مطلوب برسیم.

معاون حقوقی و امور مجلس جمعیت هم در این جلسه، از بررسی وضعیت موقوفات جمعیت در ۲ جلسه شورای معاونین جمعیت خبر داد و گفت: با نگاه و تاکید ویژه رئیس جمعیت در این خصوص، شرایط موجود در زمینه املاک و موقوفات در جلسات مختلف با حوزه نمایندگی ولی فقیه و همکارانمان در سازمان داوطلبان جمعیت احصا شده است. دکتر همایون یوسفی گفت: چند محور به عنوان محورهای اصلی پیش بینی شده و برای

پیام نماینده مقام معظم رهبری در هلال احمر
به مناسبت عید سعید غدیر خم

غدیر؛ زنده‌کننده نگه‌دارنده و استمرار بخش حقیقت دین است

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر
با انتشار پیامی عید سعید غدیر خم را به
کارکنان، امدادگران، جوانان و داوطلبان جمعیت
تبریک و تهنیت گفت. متن پیام حجت الاسلام
والمسلمین معزی، بدین شرح است:



بسم الله الرحمن الرحيم

الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا
واقعه غدیر ادامه نبوت در مسیر امامت و ولایت است. این روز مبارک
مهم‌ترین فراز تاریخ اسلام و آیت بی نظیری در تجلی امر الهی در هدایت
جامعه بشری است.

این رویداد عظیم، پیوند امتداد رسالت است و توجه دادن به موضوع ولایت
که جانمایه این دواست. هدایت جامعه جز با تمسک به ولایتی که از سوی
خدا تعین گردیده راه به سعادت و رستگاری نمی‌برد. غدیر زنده‌کننده و نگه
دارنده و استمرار بخش حقیقت دین است. ریشه تمام فضیلت‌ها، شرافت‌ها،
ارزش‌ها، مبداء و منشا همه ایثارگری‌های تاریخ در دل غدیر نهفته است.

بشریت، امروز نیازمند فرهنگی است که در آن غمخواری و دردمندی با
همه انسان‌ها توصیه و تأکید می‌شود. در نگاه علی (علیه السلام) افراد بشر
یا هم‌کیش ما هستند یا هم‌نوع و در هر حال با قلبی پراز مهربانی با آنها باید
رفتار کرد.

محرور ماندن بشر از ولایت امیرمؤمنان (ع) یعنی زیان از بهره‌مندی از معارف
والا و تربیت بر اساس گوه‌ارزشمند دین. ترویج و بزرگداشت غدیر، تعظیم
کرامت انسان و نگاه کریمانه به جامعه بشری است. این واقعه عظیم
را نباید تنها در یک روز از سال یادآوری و گرمی داشت بلکه باید به عنوان
یک سرمشق و ایده در اشکال و موضوعات مختلف در تمامی طول سال و
در تمامی عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی زندگی جاری و ساری گشته و از
محتوای آن درس گرفت.

اینجانب فرارسیدن این عید سعید را خدمت تمام مسلمین جهان و ملت
سرافراز و ولایت‌مدار ایران اسلامی، خصوصاً کارکنان، داوطلبان، امدادگران
و جوانان جمعیت هلال احمر که در ماه‌های گذشته خالصانه در مقابله با
شیوع و ویروس کرونا مجاهدت داشته و در زمامش‌ها موااسات و همدلی
مومنانه فعالیت نموده‌اند، تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

عبدالحسین معزی

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر



و اختیارات تام در این حوزه دارد و هر تصمیمی که در این
کمیته گرفته می‌شود با ابلاغ رئیس جمعیت لازم الاجراست.
نصیری افزود: پایه و نگاه به موقوفه بر این است که
بهره‌وری اقتصادی داشته باشد. در حوزه موقوفات؛
نوشتن سند، آیین‌نامه و... بسیار عالی است اما با توجه
به فرصت‌های کوتاهی که در اختیار داریم باید وارد حوزه
حقوقی شویم. تغییرات مدیریتی، عدم مطالبه‌گری و عدم
جرات مدیران در پیگیری مسائل مربوط به حوزه حقوقی
اموال و املاک، منجر به مسکوت ماندن مسائل این حوزه
شده است. به طور مثال اگر وزارت بهداشت در غیرنیت
واقفین در موقوفات هلال احمر وارد شده است؛ حق‌پذیره
آن را بپردازد. ما در این حوزه کار زیادی انجام نداده‌ایم.
جنس و موضوع گرفتن حق‌پذیره در موضوع موقوفاتی که
ما نمی‌خواهیم خلع‌ید کنیم، بسیار جدی است به همین
دلیل در این حوزه به یک تیم حقوقی آگاه به موضوعات
پرونده نیاز داریم.

1] موقوفات بر اساس نیت خیرین فعالیت داشته باشند

نماینده حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر هم در این
جلسه گفت: موضوع املاک و موقوفات از هم جدا نیستند
و در هم تنیده‌اند. برخی به صورت هبه، صلح و... است.
که باید بر اساس نیت خیرین ادامه فعالیت داشته باشند.
شهریاری خزانه‌دار کل و ذیحساب جمعیت نیز با بیان
اینکه شناسایی املاک جمعیت انجام شده افزود: بانک
اطلاعاتی جامعی در زمینه املاک جمعیت وجود ندارد.
یکی از ضرورت‌های فعلی، شناسنامه دار کردن املاک
جمعیت است که در برهه‌ای به دلیل کمبود اعتبارات،
متوقف شده است.

پیشنهاد ما این است که کمیته‌ای استانی تشکیل شود
تا از محل فروش برخی املاک، دارایی‌های جمعیت
شناسایی شوند. □



در سلسله نشست‌های اخلاق امدادگری بیان شد

واکاوی جایگاه روانشناسی در چرخه مدیریت بحران

این نشست در ادامه سلسله نشست‌های این نهاد و با هدف تقویت مبانی نظری حوزه امداد و یاریگری برابری برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی و محدودیت‌های فاصله‌گذاری اجتماعی به صورت زنده از طریق شبکه اینستاگرام جمعیت هلال احمر برگزار شد.

هدف از برگزاری نشست علمی- تخصصی بررسی و تحلیل موضوعات مربوط به جمعیت هلال احمر با حضور اندیشمندان و متفکران حوزه علوم انسانی و مقدمه برگزاری همایش اخلاق امدادگری است. ارتباط روانشناسی با مدیریت بحران و چالش پیش روی این حوزه در کشور و پاسخ به این پرسش که روانشناسی در چرخه مدیریت بحران در چه جایگاهی قرار دارد؟ از جمله محورهایی است که در این نشست مطرح شد.

❑ احیاء هویت فرهنگی

مینا نظری کمال، روانشناس و مدرس دانشگاه، در این نشست بر ضرورت توجه واکاوی جایگاه روانشناسی در بحران تأکید کرد.

او با طرح این پرسش که ما در مقایسه با استانداردهای روانشناسی بحران در کجا قرار داریم؟ افزود: در حوادثی همچون زلزله‌های طیس، بم، آذربایجان شرقی و... اقدامات موثری شکل گرفته است، اما این اقدامات بیشتر جنبه فردی و تجربی دارد. ما پروتکل خاصی نداریم؛ به این معنی که شیوه‌ای خاص برای ارائه بحث‌های روانی در حوادث داشته باشیم و محتوای مشترک و دستورالعمل واحدی هم به روانشناسان ارائه نمی‌شود.

مینا نظری کمال در ادامه این نشست بر ضرورت توجه به نگاه علمی بر مسأله یاریگری تأکید کرد. در نگاه این



نشست علمی- تخصصی «جایگاه روانشناسی در چرخه مدیریت بحران» از سوی معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه به صورت زنده از طریق شبکه اینستاگرام جمعیت هلال احمر برگزار شد.



.....

امدادگران یکی

از گروه‌های

تأثیرگذار در

عرصه مدیریت

بحران هستند،

باید به این

گروه در مورد

نحوه مواجهه

با بازماندگان و

اینکه چگونه

از خود در حین

بحران مراقبت

کنند، آموزش لازم

ارائه شود

از حادثه فعالیت‌های آموزشی را در زمینه موضوع درک خطر مردم ارائه دهند. سلبریتی ما باید بداند که او نسبت به تمام مراحل بحران مسئولیت اجتماعی دارد؛ به طور مثال نباید در زیر یک لوستر ناایمن عکس بگیرد و در فضای مجازی منتشر کند. این مسأله خود نیاز به آموزش دارد.

این پژوهشگر در ادامه با بیان اینکه متأسفانه رفتار برخی از چهره‌ها در زمان بحران باعث تشدید بحران‌های روانی در منطقه حادثه دیده می‌شود، افزود: برگزاری برنامه‌های تلویزیونی و تفریحی در منطقه حادثه گاه می‌تواند تأثیر منفی در روحیه افراد حادثه دیده داشته باشد.

بنا به گفته این پژوهشگر سلامت روان این موضوعات باید طبق دستورالعمل‌های روانشناسی اجرا شود. نظری در تکمیل صحبت خود در مورد نقش رسانه در چرخه مدیریت بحران افزود: رسانه باید بداند در هر مرحله چه اطلاعاتی را منتشر کند. ارائه تمام جزئیات در لحظه می‌تواند مردم را دچار سردرگمی کند، ارایه نکردن اطلاعات نیز مردم را با ابهاماتی روبه‌رو خواهد کرد.

از نظر این پژوهشگر امدادگران یکی از گروه‌های تأثیرگذار در عرصه مدیریت بحران هستند، باید به این گروه در مورد نحوه مواجهه با بازماندگان و اینکه چگونه از خود در حین بحران مراقبت کنند، آموزش لازم ارائه شود. این کارشناس حوزه سلامت روان، مدیران و فرماندهان عرصه بحران را یکی دیگر از گروه‌های چرخه بحران معرفی کرد و افزود: برخی از مدیران در شرایط عادی و نرمال توان مدیریت بالایی دارند اما در زمان اضطرار آمادگی روانی لازم را ندارند. این آمادگی روان لازم باید با ارائه آموزش و ارزیابی و صلاحیت روانی ارتقا یابد.

در نگاه این پژوهشگر ارائه آموزش‌های همگانی مؤثر و ضروری است؛ آموزشی که منجر به تغییر رفتار و یادگیری شود و جامعه دچار تغییر مناسبی با آن شود. اگر در جامعه حادثه یا بلایی روی دهد، دولت و سازمان‌های امدادگران اقدام به ارائه کمک خواهند کرد اما شهروندان نیز خود باید آماده باشند. این موضوعی است که مینا نظری کمال، مدرس و پژوهشگر حوزه سلامت روان، نیز بر آن تأکید دارد. اهمیت نحوه مراقب روانی از نیروهای امدادگر موضوع دیگری است که در این نشست به آن اشاره شد. بنا به گفته این کارشناس تعویض و تغییر نیروها در حادثه امری ضروری است که باید تیم مدیریت بحران به آن توجه کند. اهمیت شناخت جغرافیای فرهنگی هر منطقه یکی دیگر از موضوعاتی است که مینا نظری کمال در این نشست به آن اشاره کرد. از نگاه این پژوهشگر تهیه و گردآوری شناسنامه سلامت در کشور یکی از فعالیت‌های تأثیرگذاری است که می‌تواند در زمان حادثه مورد استفاده روانشناسان و امدادگران قرار بگیرد.

وی در بخش پایانی صحبت‌های خود گفت: یکی از مهم‌ترین مباحث‌ها در این زمینه تربیت نیرو است؛ البته باید این نکته را نیز مدنظر قرار داد که فرهنگ بومی و مردم محلی در شهرهای مختلف با هم متفاوت است و در این حوزه توجه به بومی‌سازی باید بیش از پیش افزایش یابد. □

روانشناس هر نهادی که فعالیت داوطلبانه دارد نیازمند احیای هویت فرهنگی خود است.

این پژوهشگر حوزه روانشناسی در ادامه به ارتباط روانشناسی با مدیریت بحران اشاره کرد و افزود: روانشناسی مقدم بر مدیریت بحران است؛ جایگاه روانشناسی در چرخه مدیریت بحران پیش از آن که در رشته‌های دانشگاهی معرفی و تبیین شود در بحران‌های فردی و خانوادگی تعریف شده است.

□ نیازمند فعالیت ساختارمند هستیم

نظری کمال در ادامه با تأکید بر نقش مهندسی روانشناسی بحران در چرخه مدیریت بحران افزود: نبود پروتکل‌ها و دستورالعمل لازم مبتنی بر فرهنگ بومی منطقه باعث شده فعالیت‌ها در این حوزه بیشتر تجربه محور باشد و فردی دنبال شود. ما در مسأله روانشناسی در چرخه مدیریت بحران نیازمند فعالیت ساختارمند و علمی هستیم.

نظری کمال در تکمیل گفته‌های خود افزود: آموزش در چنین مواقعی باید با برنامه‌ریزی باشد و مدون دنبال شود، نیازمند یک مرجع مشخص هستیم و نباید دچار تناقض‌گویی شویم. پیش از بحران، حین بحران، تداوم شرایط اضطراری و پس از بحران چهار مرحله تعریف شده در مدیریت بحران هستند که این پژوهشگر به آن اشاره دارد. در نگاه نظری کمال در ایران در حوزه روانشناسی بحران معمولاً توجه بیشتر به بخش پس از بحران است.

وی در تکمیل این موضوع می‌گوید: سازمان‌های یاریگر برای حل و عبور از هر کدام از این چهار بخش باید دستورالعمل و مداخلات روانشناسی داشته باشند. از نظر این کارشناس توجه صرف به بخش پس بحران مانند این است که شهروندان یک شهر پس از شکست یک سد تلاش کنند تا با هزاران سطل کوچک آب راز شهر خارج کنند.

□ پیشگیری؛ یک اولویت

«پیشگیری و آمادگی در حوزه روانشناسی بحران یک اولویت است» این گزاره‌ای است که در ادامه این نشست مینا نظری کمال به آن اشاره کرد. او با بیان این پرسش که چه افرادی مخاطب روانشناسی بحران در مرحله پیشگیری هستند؟ به واکاوی نحوه مواجهه گروه‌ها و قشرهای مختلف با بحران پرداخت. یکی از گروه‌ها در حادثه مردم حادثه دیده هستند. مردم باید بدانند چگونه با یک حادثه تلخ مواجه شوند، این موضوع نیاز به آموزش دارد. یک فرد حادثه دیده باید بداند چگونه پس از بحران خم شود، اما نشکند یا به هر شکلی از بحران متأثر شود.

به اعتقاد مینا نظری کمال رسانه یکی دیگر از اضلاع چرخه مدیریت بحران است. او در این زمینه افزود: متأسفانه درک خطر در میان مردم جامعه پایین است. ما در کشور پرمخاطره‌ای زندگی می‌کنیم و باید بدانیم که یک حادثه چه خطراتی می‌تواند برای ما به دنبال داشته باشد.

نظری کمال رسانه را یکی از ابزارهای تأثیرگذار در شناخت و آگاهی در این زمینه معرفی کرد و افزود: رسانه‌ها باید پیش



☐ **جوان مخلص و پرکار**

رئیس جمعیت هلال احمر نیز در پیامی درگذشت زنده یاد «روح الله رجایی»، معاون سابق اداره کل روابط عمومی و ارتباطات مردمی هلال احمر و سردبیر روزنامه جام جم را تسلیت گفت. در متن پیام تسلیت دکتر کریم همتی رئیس جمعیت هلال احمر آمده است: درگذشت جناب آقای روح الله رجایی موجب تألم و تأثر عمیق اینجانب شد. زنده یاد رجایی، جوانی متفکر، پرکار، باسواد و مخلص در عرصه ارتباطات، روزنامه نگاری و روابط عمومی بود و در دوره ای که به عنوان معاون اداره کل روابط عمومی در جمعیت هلال احمر حضور داشت، با بهره بردن از نبوغ ذاتی و استعداد رسانه ای خویش منشأ تحولات بسیار در این حوزه شد. اگرچه مشیت الهی براین بود که این همکار خوب، خیلی زود از بین ما به سوی معبود یکتا پرواز کند اما یاد و خاطره خوبی های مرحوم رجایی برای همیشه زنده خواهد ماند. این مصیبت را به همسر، فرزندان، والدین و سایر بازماندگان تسلیت عرض می کنم و از خداوند بزرگ برای روح آن مرحوم آرامش، رحمت و رضوان الهی خواستارم.»

☐ **دلباخته سیدالشهدا (ع)**

همچنین در پی درگذشت زنده یاد روح الله رجایی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر پیام تسلیتی صادر کرد. متن پیام تسلیت بدین شرح است: خیر تلخ درگذشت روزنامه نگار متعهد و انقلابی، زنده یاد روح الله رجایی جامعه رسانه ای کشور را دچار بهت و اندوه بسیار کرد. حوزه نمایندگی ولی فقیه ضمن تجلیل از خدمات مؤثر این فعال حوزه خبر، فقدان ایشان را به اصحاب فرهنگ و رسانه، دوستان، خانواده و همکاران ایشان تسلیت می گوید و برای کلیه بازماندگان از درگاه خداوند متعال صبر و اجر مسئلت دارد. مرحوم روح الله رجایی فعال رسانه و سردبیر جوان و خوش اخلاق روزنامه جام جم و دلباخته سیدالشهدا (ع) و اهل بیت (ع) پس از سال های متمادی همکاری با رسانه های مختلف و تلاشی صادقانه در امر اطلاع رسانی، بر اثر بیماری کرونا چشم بر جهان بست. ☐

پیام نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به مناسبت درگذشت روح الله رجایی:

روحیه مؤمنانه و خیرخواهانه او در خاطره ها باقی می ماند

☐ روح الله رجایی، روزنامه نگار و معاون سابق اداره کل روابط عمومی و ارتباطات مردمی هلال احمر و سردبیر روزنامه جام جم چندی پیش به دلیل ابتلا به بیماری کرونا در بیمارستان نور افشار درگذشت. او متأهل و دارای سه فرزند، متولد ۱۳۶۱ و دانش آموخته مقطع دکتری رشته علوم ارتباطات بود که از سال ۱۳۸۰ روزنامه نگاری را به صورت حرفه ای آغاز کرد. رجایی سابقه حضور در رسانه های مختلف از جمله روزنامه همشهری، همشهری جوان و تهران امروز را در کارنامه داشت. به همین مناسبت از سوی شخصیت های مختلف از جمله نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر و رئیس جمعیت هلال احمر پیام های تسلیتی صادر شد.

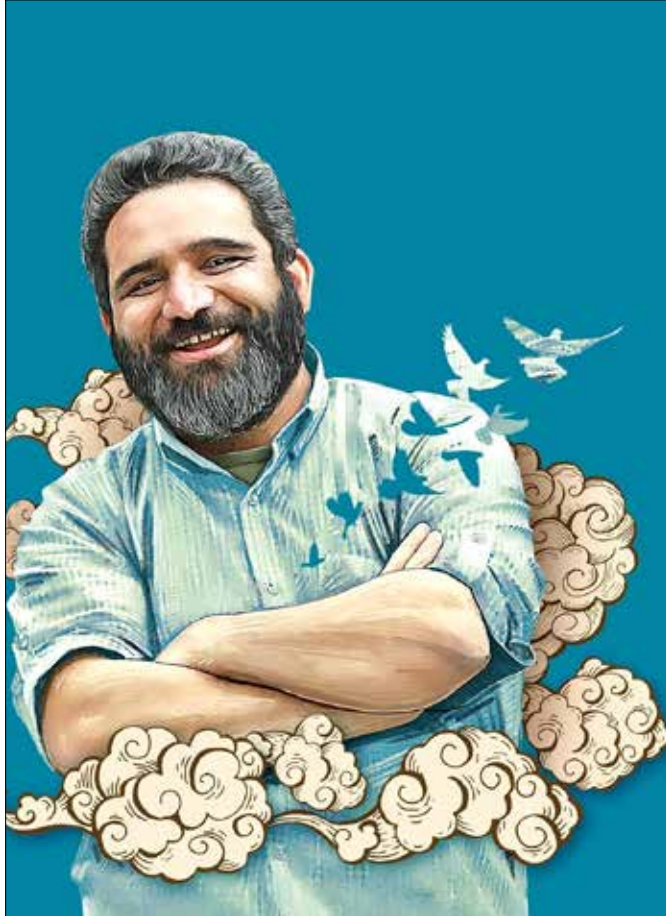
☐ **خدمت صادقانه و خالصانه**

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، متن پیام حجت الاسلام والمسلمین معزی تسلیت بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله وانا اليه راجعون

خیر درگذشت روزنامه نگار متعهد روح الله رجایی موجب تأثر و تألم شد. آن مرحوم سال ها خالصانه و صادقانه در حوزه فرهنگ و اطلاع رسانی حضوری موثر داشت. روحیه مومنانه و خیرخواهانه او در مدت همکاری با جمعیت هلال احمر در خاطره ها باقی خواهد ماند. اینجانب درگذشت ایشان را به جامعه مطبوعاتی، همکاران و دوستان و خانواده گرانقدرش تسلیت می گویم و از خداوند غفران و رحمت برای او و صبر و اجر برای بازماندگان مسألت می نمایم.

عبدالحسین معزی
نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر



یک آواز در هفت گوشه

حامد عسکری

پیش درآمد شور:

چه فرقی می‌کند

چندسال پیش، تو بگو پارسال،

من می‌گویم سال ۹۰. با دوستی

یک جلسه کاری فیکس کرده

بودیم در یک کافه. کافه، قلیان

هم می‌داد. من قلیان می‌کشیدم تا دوستانم برسند. آمد
زدر روی شانهم: سلام آقای عسکری؟ گفتم بله. گفت من
رجایی ام روح الله. رفیق مشترک خیلی داریم. کاربرد ندارم.
فقط خواستم به گم خیلی باغزلات حال می‌کنم. شماره‌ای
رد و بدل کردیم. شب تلگرام بازی کردیم. اسم آی‌دی‌اش
بود: بنده خدا... همانجایی که را گرفت. روح الله بود، ولی
اسم خودش را گذاشته بود بنده خدا و من هم با همین اسم
ذخیره‌اش کردم.



حسینی: توی روزنامه، بعد از شورای تیتروهمین ۲۰ روز پیش بکوه مهدی گفت روضه
خونگی و جمع و جور بگیریم اول هر ماه و همه گفتیم عشق است. یک گروه واتس‌اپی زدیم
و قرار شد اول هم خانه مهدی اینها باشد. حامد تو گروه لوکیشن گذاشت و آدرس و زمان.
فردایش یک کاره روضه افتاد خانه روح الله. گویا رفته توی خصوصی مهدی و گفته میشه
اول خونه من باشه؟ و وقتی مهدی گفته بود چرا؟ جواب داده بود شاید وقت نشه دیگه.

دیلمان: داشتیم می‌رفتیم تولد مهدی. صفحه یک مان طول کشیده و دیر شده بود.
قد میرداماد را گازکش رفتیم بن‌دازیم توی نیایش برویم تولد بازی ۱۰ شب بود و اتوبان
خلوت. گفتم گاز بده به شام برسیم. گفت نمیشه. گفتم چرا و اشاره کرد به موتور که با
خانواده‌اش کنارمان یال اتوبان را گز می‌کرد. گفتم چیه؟
گفت: هیچ وقت دلم نمی‌آد از موتوری که زن و بچه سوار کرده سبقت بگیرم. بچه‌اش یه آه
بکشه چرا بابام نداره زندگیم نخ کش میشه.

روح‌الارواح: کرونا که گرفته بودم هر عصر با یک خرور خرید می‌آدم خانه. زنگ می‌زد
و می‌گفت: حضرت علی، کیسه نان و خرما برایت آورده بیایا پایین ببر... ۳۷۰ هزار تومان
بدهکارش بودم. هربار می‌گفتم شماره کارت بده، می‌گفت: کرونا حالاحالاها هست بذار
باشه من که گرفتم برام خرید کن.

جامه‌دران: نشستیم لب جدولی جلوی بیمارستان دارم این ستون کوفتی را
می‌نویسم... چهارمرد پوشه‌ری خیس و عرق کرده دارند توی سرم دسام می‌زنند. بیخ
سرم محمود کریمی مظلوم می‌کشد. کوثری روضه می‌خواند. آه از آن ساعتی... شناسنامه
روح‌الله توی دستم است. آمده ایم شناسنامه را بدهیم یک کاغذ بدهند دستمان که بله
کاکاتان فوت کرده. اشکم نمی‌آید. بهتم... حیرتم... به شماره‌ای که سیو شده بنده خدا
نگاه می‌کنم... از جدول بلند می‌شوم شلوارم خاکی است. به درک از خاکی که به سرم شده
که بیشتر نیست.

ببخشید آقا یا خانم صفحه بند روزنامه، این ستون خیلی طول کشید اذیت شدید. آدم
داغیده که حال حرف زدن ندارد. تا شما این ستون را می‌خوانید من یک روضه علی اکبر
گوش می‌کنم. □

عراق: پوست تیره‌ای داشت با دست‌هایی چغرو
قواره‌دار. یک چیز بی‌بین رد زخم و سوختگی هم توی
گردنش بود و یک حالت سلحشوری‌ای داده بود به
فیزیکش. یک بار خلوت بودیم. گفتم قصه زخم‌ت را بگو و
گفت. گفت توی کودکی ام سوختم. توی نوجوانی ام خیلی
روی مخم بود... می‌گفت تا پانزده شانزده سالگی یقه اسکی
می‌پوشیده و بعد با زخمش کنار آمده. بعد لبخند زد و گفت:
آش باید خندنگ باشه، کاسه هرچی بود، بود. گفت جسم
یه ماده غلیظه که روح سوار شه. روحت رو خوشگل کن.

سلمک: سینش می‌زد، توک زبانی «س» و «ز» را ادا
می‌کرد. مرتضی می‌گفت تو دیوانه‌ای به خدا! آدمی که
دنده سین و زاش جانمی رود که نباید اسم بچه‌اش را
بگذارد حسام‌الدین و نرگس. حالا شهاب‌الدین سین و
ز ندارد یک چیزی... و روح‌الله جواب داد: اتفاقاً عمدی
انتخاب کردم که بچه‌ها هم بفهمن هیچ آدمی کامل نیست و
باباهای قهرمان می‌تونن ضعف داشته باشن.



بهره‌مندی از ظرفیت علمی و پژوهشی حوزه‌های علمیه

چگونگی بهره‌گیری از ظرفیت طلاب و روحانیون در خدمات اجتماعی در سازمان‌های جوانان و داوطلبان جمعیت هلال احمر و همچنین بهره‌مندی از ظرفیت علمی پژوهشی حوزه‌های علمیه از دیگر موضوعات مورد توجه بود که معاون فرهنگی و امور استان‌های حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به آن اشاره کرد. در ادامه این نشست نماینده ستاد مدیریت بحران حوادث غیرمترقبه مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور، به ارائه توضیحاتی در مورد آموزش‌های ارائه شده به طلاب و روحانیون در حوزه امداد و نجات پرداخت.

حجت الاسلام و المسلمین قوامی یکی از ضرورت‌های آموزشی در حوزه بحران را ارائه آموزش همگانی به خانواده‌های طلاب و روحانیون عنوان کرد و گفت: آموزش به خانواده‌های طلاب یکی از موضوعات پراهمیت به شمار می‌آید که امیدواریم با استفاده از توان آموزشی جمعیت هلال احمر بتوانیم اقدامات انجام شده در این زمینه را سرعت ببخشیم. وی در ادامه با بیان اینکه ستاد مدیریت بحران حوادث غیرمترقبه مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور برای همکاری با جمعیت هلال احمر آمادگی لازم را داراست، افزود: ضرورت دارد کارگروهی برای تولید محتوا و سرفصل آموزشی ایجاد شود تا با یک انسجام جامع‌تر برنامه‌ها را دنبال کرد. باید در این برنامه‌ریزی‌ها تبیین گردد که یک طلبه برای همپاری در حادثه چه آموزشی ببیند و چه وظیفه‌ای را برعهده بگیرد.

اهمیت ارائه آموزش‌های معتبر

در ادامه این نشست دکتر مجید حدادی منش معاون سلامت و امور بیمه‌های مرکز خدمات به معرفی

در جلسه مدیران ارشد جمعیت هلال احمر و مسئولان حوزه علمیه تأکید شد

تدوین برنامه اقدامات مشترک حوزه علمیه و جمعیت هلال احمر

مدیران ارشد جمعیت هلال احمر در نشستی با مسئولان مرکز مدیریت و مرکز خدمات حوزه علمیه ضمن بررسی روند همکاری‌های گذشته برای تدوین برنامه مشترک اقدامات اجرایی توافق کردند. در این نشست که به میزبانی معاونت فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه و با حضور روسای سازمان‌های داوطلبان و جوانان و معاونان درمان و توانبخشی و آموزش جمعیت برگزار شد، آموزش‌های عمومی و تخصصی، تقویت کانون‌های طلاب، بهره‌مندی از ظرفیت تشکلهای و گروه‌های جهادی و ارائه خدمات درمانی و توانبخشی مورد بررسی و گفتگو قرار گرفت.

معاون فرهنگی و امور استان‌های حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر هدف از این نشست را بهره‌گیری از ظرفیت طلاب و روحانیون در بخش‌های آموزش همگانی و ارتقا مشارکت اجتماعی در قالب کانون‌های طلاب عنوان کرد و افزود: آموزش طلاب در حوزه امداد و نجات یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی است که در سال‌های اخیر در جمعیت هلال احمر دنبال شده است.

دکتر یاسر احمدوند انسجام و سرعت‌گیری در آموزش را یکی از اهداف این نشست دانست و اضافه کرد: تقویت و توسعه کانون‌های طلاب و بهره‌گیری از ظرفیت آنان در مقابله با آسیب‌ها، امداد در بحران‌ها و نیز مشارکت در برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی هلال احمر و حضور در مجامع داوطلبی یکی دیگر از موضوعاتی است که به همت سازمان جوانان مدنظر خواهد بود.



.....

هدفی ارزشمند است، ما به دنبال کاهش آسیب به مردم هستیم و با توجه به این هدف ارزشمند با تمام دستگاه و نهادهای کشور آمادگی همکاری داریم.

دکتر خسرو رحمانی در ادامه به معرفی دوره‌های مختلف آموزشی در جمعیت هلال احمر پرداخت و با بیان این که جامعه هدف آموزش‌های ما همه مردم و شهروندان کشور هستند افزود: وجود مخاطرات گوناگون در کشور، ضرورت آشنایی مردم با آموزش همگانی مخاطرات و کمک‌های اولیه به صورت حضوری، نیمه حضوری، مجازی و ایستگاهی و همچنین برگزاری جلسات مستمر برای هم‌افزایی و برنامه‌ریزی‌های بیشتر در قالب پروژه‌های مشترک را ملموس‌تر کرده است.

معاون آموزش، پژوهش و فناوری جمعیت هلال احمر با اشاره به وظیفه جمعیت هلال احمر در مسأله آموزش همگانی در سوانح، حوادث و بلایا خاطر نشان کرد: اصناف، سازمان‌های عشایری، نهادهای روستایی و... بر حسب کار، ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و موقعیت جغرافیایی افراد ساکن شناسایی شده و برنامه‌ریزی‌ها برای آموزش آنها در جمعیت هلال احمر صورت گرفته است. ما آمادگی لازم را داریم که این اقدام در مورد جامعه طلاب و روحانیون نیز دنبال شود.

وی با بیان اینکه آموزش‌ها در جمعیت هلال احمر به صورت هدفمند دنبال می‌شود، افزود: بحث آموزش با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای به دلیل وسعت پوشش مخاطبان وسیع در صدر برنامه‌ریزی‌هایمان قرار داده شده است. اما همسوا با این فعالیت‌ها، گروه‌های مرجع نیز دسته‌بندی شده و به صورت حضوری و غیرحضوری آموزش‌ها به این گروه‌ها ارائه می‌شود.

دکتر رحمانی با اشاره به این که ارائه آموزش بر حسب کار، موقعیت فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی افراد در دستور کار هلال احمر قرار دارد، اضافه کرد: ما سعی داریم با تربیت مربی در نهادهای مختلف از ظرفیت موجود در این نهادها برای ارتقاء سطح آموزش همگانی در کشور استفاده کنیم. این موضوع با توجه به گستره فعالیت طلاب و حضور فعال آنان در میان مردم از سایر گروه‌های مرجع تأثیر گذارتر است.

در این نشست

که به میزبانی

معاونت فرهنگی

حوزه نمایندگی

ولئی فقیه و با

حضور روسای

سازمان‌های

داوطلبان و جوانان

و معاونان درمان

و توانبخشی و

آموزش جمعیت

برگزار شد،

آموزش‌های

عمومی و

تخصصی، تقویت

کانون‌های طلاب،

بهره‌مندی از

ظرفیت تشکلهای

و گروه‌های

جهادی و ارائه

خدمات درمانی

و توانبخشی مورد

بررسی و گفتگو

قرار گرفت

فعالیت‌های مرکز خدمت حوزه علمیه پرداخت. بنا به گفته حدادی منش این مرکز در چهار عرصه مسکن، معیشت، سلامت و بهداشت و فرهنگی به ارائه خدمت می‌پردازد.

وی با تأکید بر اهمیت سلامت و بهداشت در کشور گفت: جامعه هدف ما چهار گروه طلاب برادری ایرانی، طلاب خواهر ایرانی، طلاب خارجی جامعه المصطفی (ص) و برادران اهل سنت و خانواده‌های این چهار گروه هستند و گستره فعالیت‌های مرکز خدمات حوزه علمیه جامعه آماری بیش از ۶۰ هزار نفر را شامل می‌شود.

حدادی منش با تأکید بر اهمیت ارائه آموزش‌های معتبر در حوزه سلامت افزود: تمام محتوای آموزشی ارائه شده در این مرکز با همکاری نهادهایی همچون وزارت بهداشت و هلال احمر تولید و ارائه می‌شود.

۱ خدمت در چهار عرصه

مدیرکل بهداشت و سلامت مرکز خدمات حوزه‌های علمیه نیز به ارائه توضیحاتی در خصوص فعالیت آموزشی این مرکز در حوزه سلامت پرداخت. دکتر علی یوسفی فرد با بیان این که بخش بهداشت و سلامت مرکز خدمات حوزه‌های علمیه در چهار عرصه سلامت جسم و روان، سبک زندگی و تغذیه، طب سنتی و امداد و نجات فعالیت دارد، افزود: تاکنون هشتاد هزار نفر از این جامعه ۶۰ هزار نفری، دوره‌های آموزشی مرتبط را به صورت غیر حضوری و حضوری گذرانده‌اند.

وی با تأکید بر این که تمام محتوای ارائه شده مورد تأیید نهاد رسمی بوده است، اضافه کرد: ما محتوایی را که از نهادهای رسمی دریافت می‌کنیم در اختیار گروه هدف خود قرار می‌دهیم. بنا به گفته وی در راستای ترویج بهداشت سلامت تاکنون فعالیت‌هایی همچون آموزش سلامت، سنجش سلامت برای طلاب جدید ورود و اساتید، ارائه شناسنامه سلامت الکترونیک و تأسیس مرکز مشاوره تلفنی انجام شده است.

۲ لزوم حفظ جایگاه و تکریم طلاب

حجت الاسلام والمسلمین میراحمدی معاون مسکن و سلامت مرکز خدمات حوزه‌های علمیه نیز در این نشست با اشاره به ابعاد فعالیت نوع دوستانه طلاب در حوادث و بلایا بر لزوم حفظ جایگاه و تکریم طلاب و روحانیون تأکید کرد و افزود: هدف ما از برگزاری نشست‌های مختلف با دستگاه حاکمیتی همکاری و بهره‌گیری از ظرفیت طلاب در رشد و ارتقا کشور است.

در این نشست همچنین سید قادر پیغمبری، مدیرکل امور بیمه‌های مرکز خدمات به بیان چالش‌های درمانی طلاب پرداخت.

۳ ضرورت آشنایی مردم با آموزش همگانی

معاون آموزش، پژوهش و فناوری جمعیت هلال احمر نیز در این نشست ضمن اعلام آمادگی برای همکاری مشترک با حوزه‌های علمیه سطح کشور افزود: هدف ما از آموزش،





دکتر فرید مرادیان با بیان اینکه احیای توانبخشی و ارتوپدی فنی از برنامه‌های مهم معاونت بهداشت و درمان جمعیت هلال احمر است افزود: فعالیت‌های هلال احمر با رویکرد انتفاعی و کسب درآمد نیست و ما به عنوان یک سازمان امدادی و وظیفه خود می‌دانیم در این شرایط سخت در کنار مردم باید باشیم.

وی آموزش امداد و ارائه خدمات بازتوانی و توانبخشی را از مهمترین برنامه‌های جمعیت هلال احمر برشمرد و با تأکید بر اینکه باید کیفیت خدمات قابل ارائه به مردم را افزایش دهیم گفت: مردم سزاوار بهترین خدمات هستند و ما باید سطح و کیفیت خدمات را به صورت مستمر ارتقا دهیم. حضور طلاب در تسکین آلام مردم آسیب دیده در حوادث دارای اهمیت به سزایی است، ضمن این که تعامل سازنده با مراکز علمی و تخصصی حوزه‌های علمیه جهت نشر اندیشه‌های اسلامی با تربیت نیروهای جوان ب عنوان سفیران صلح و دوستی، بهره‌مندی از توانمندی و ظرفیت‌های علمی و اعتقادی آنان در قالب ارائه مقالات حمایت‌های روانی از منظر دین، در کاهش آسیب‌های حوادث از جمله ظرفیت‌های مهمی است که می‌توان از آن بهره گرفت.

از دیگر موضوعات مطرح شده در این نشست صمیمانه، استفاده از ظرفیت‌های آموزشی طرفین، سازمان دهی و آموزش نیروهای داوطلب جمعیت با محوریت آمادگی در برابر حوادث، همکاری در تدوین و نشر کتاب، نشریات، هفته نامه و...، همکاری در برگزاری سمینار، کارگاه و دوره‌های تخصصی و تعامل بیش‌تر برای ارائه خدمات به موقع در حوادث و سوانح و راه‌اندازی کمیته سلامت سنجی بود.

در پایان این نشست مقرر شد تا با تشکیل کارگروه‌های تخصصی مفاد و موضوعات مطرح شده در این جلسه و اکاوی، بررسی و اجرایی گردد. □

□ توانمند سازی طلاب در امر آموزش

رئیس سازمان جوانان جمعیت هلال احمر نیز در این نشست به ارائه برخی پیشنهادهای در راستای بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت طلاب در فعالیت‌های جمعیت هلال احمر پرداخت و گفت: یکی از رویکردهای مهم، توانمند سازی طلاب در امر آموزش و امداد تخصصی و دوره‌های تربیت مربی در راستای اهداف هلال احمر در سطح کشور است و بهره‌مندی از ظرفیت کانون طلاب از جایگاه ویژه‌ای در جهت تحقق اهداف جمعیت هلال احمر محسوب می‌گردد.

دکتر محمد گل فشان با ذکر نمونه‌هایی از مشارکت طلاب در حوادث سال‌های گذشته خاطرنشان کرد: طلاب و روحانیون علوم دینی به واسطه ارتباط مستقیم با مردم و اعتماد و اقبال عمومی نسبت به آنان و نیز حضور مؤثر و ارزشمند آنان در دورترین نقاط کشور و روستاها می‌توانند پیام آوران موفق در عرصه ترویج اندیشه‌های بزرگی چون نوع دوستی، مهرورزی، خدمات بشردوستانه و... در بین مردم باشند. اعضای کانون‌های طلاب می‌توانند بر اساس نیاز با سازمان امداد و نجات همکاری کنند و مهارت و آمادگی لازم برای حضور در حوادث را به دست آورند، حضور روحانیون در حوادثی مثل سیل و زلزله باعث قوت قلب بازمندگان و اطمینان خاطر آنها می‌شود.

□ جایگاه باورهای دینی در تقویت روحیه مشارکت

و بشردوستی

رئیس سازمان داوطلبان هم ضمن اشاره به خدمات بی‌نظیر و گسترده هلال احمر و ظرفیت‌های عظیم این مجموعه عام المنفعه، خاطرنشان کرد: باورهای دینی در تقویت روحیه مشارکت و بشردوستی و در ترویج فرهنگ ایثار و از خود گذشتگی نقش و تأثیر بسزایی دارد.

دکتر محمد نصیری با اشاره به این که حضور روحانیون و طلاب در هنگام بروز حوادث گوناگون می‌تواند نتایج بسیار تأثیرگذار و مهمی را به دنبال داشته باشد بر ضرورت مشخص بودن و برنامه محوری تأکید کرد و افزود: پیشنهاد ما این است که با ارائه زمان و تبیین برنامه‌ها اهداف مشترک دو مجموعه را دنبال کنیم تا در پایان سال نتایج مثبت این فعالیت‌ها را در کشور شاهد باشیم.

برگزاری کارگاه‌های مشاوره‌ای و تشکیل میزگردهایی در خصوص مسائل مورد نیاز جوانان و ارتباط با فعالیت‌های داوطلبانه و تأثیر اقدامات بشردوستانه بر چگونگی رفتار و روحیه جوانان با استفاده از حضور طلاب و برگزاری همایش‌های علمی از دیگر موضوعاتی بود که رئیس سازمان داوطلبان در این نشست به آن اشاره کرد.

□ ضرورت ارتقاء کیفیت خدمات قابل ارائه به مردم

معاون بهداشت، درمان و توان بخشی هلال احمر هم در این نشست گفت: ما در حوزه بهداشت و درمان اضطراری مکلف به انجام فعالیت هستیم. در بخش بازتوانی و توان بخشی هم نیازمند رسیدگی‌های بیش‌تری هستیم و باید ضعف‌های موجود را پوشش دهیم.



سازمان دهی و آموزش نیروهای

داوطلب جمعیت

با محوریت

آمادگی در برابر

حوادث، همکاری

در تدوین و نشر

نشریات و ...،

همکاری در

برگزاری دوره‌های

تخصصی و تعامل

بیش‌تر برای ارائه

خدمات به موقع

در حوادث و سوانح

و راه‌اندازی کمیته

سلامت سنجی از

دیگر موضوعات

مطرح شده در این

نشست صمیمانه

بود

در مراسم تجلیل از زوجین جوان استان قم عنوان شد

فعالیت مشترک انسان دوستانه از ویژگی های زوج های هلال احمری

« آیین تجلیل از نمایندگان زوج های جوان عضو معاونت امور جوانان جمعیت هلال احمر با حضور مدیرعامل، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قم برگزار شد.

این مراسم با حضور سه زوج جوان عضو معاونت امور جوانان جمعیت هلال احمر قم در هفته ازدواج برگزار شد.

بر اساس این گزارش، این مراسم با هدف ترویج ازدواج آسان جوانان و تقدیر از اعضای جوانی که در سال ۹۸ و ۹۹ ازدواج کردند، در سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (ع) برگزار شد.

در این مراسم، مدیرعامل جمعیت هلال احمر ضمن تبریک به این زوج ها از بنیان خانواده به عنوان مهمترین اصل در زندگی همه انسان ها یاد کرد. وی با آرزوی خوشبختی و سعادت در زندگی برای همه جوانان، فعالیت انسان دوستانه در کنار هم را یکی از ویژگی های ارزنده زوج های هلال احمری دانست و گفت: خدمت به مردم در کنار یکدیگر ارزشمند و تضمین کننده آینده روشن برای همه جوانان است.

یادآور می شود؛ اهدای لوح تقدیر و هدیه رئیس جمعیت به زوج های هلال احمری از دیگر بخش های این برنامه بود. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در تجلیل از ۸ زوج سازمان جوانان استان گلستان:

تشکیل خانواده در جوانی موجب نیک بختی می شود

« همزمان با هفته ازدواج ۸ زوج سازمان جوانان به نمایندگی از ۴۷ زوج گلستانی با حضور سرپرست جمعیت هلال احمر گلستان، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و سرپرست معاون امور جوانان تقدیر به عمل آمد. در این نشست مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان ضمن قدردانی از توجه و نکته سنجی سازمان جوانان، گفت: عمل به امر پسندیده و سفارش شده ازدواج و تشکیل خانواده در سن جوانی نیک بختی و سعادت را به همراه خواهد داشت.

حجت الاسلام مهدوی خاطر نشان کرد: زندگی ارزشمند و با سعادت حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) به عنوان یک پیوند آسمانی و ملکوتی و با ابعاد متعالی شخصی و اجتماعی باید الگوی تمامی زوج های جوان باشد.

در ادامه سرپرست جمعیت هلال احمر گلستان ضمن تبریک به زوج های جوان هلال احمری، گفت: ارج نهادن و عمل به توصیه های اخلاقی و اجتماعی بزرگان دین به ویژه عمل به امر ازدواج، در جامعه اسلامی دارای جایگاهی متعالی است.

فرهاد میقانی افزود: مشارکت داوطلبانه اعضای جوانان و نقش محوری در فعالیت های عام المنفعه و برنامه های جاری جمعیت هلال احمر، بر هیچ کس پوشیده نیست و هلال احمر به واسطه حضور جوانان فرهیخته به خود می بالد. □

همکاری هلال احمر و مجمع خیرین بافق در شناسایی نیازمندان

« رئیس هلال احمر شهرستان بافق از جلسه ای با حضور مدیرعامل مجمع خیرین شهرستان در خصوص همکاری و هماهنگی در بحث ارائه خدمات به مردم خبر داد. محمد رضا فتاحی بافقی گفت: در جلسه ای که با حضور حسن امیرزاده مدیرعامل مجمع خیرین شهرستان و عضو شورای اسلامی شهر بافق در جمعیت هلال احمر شهرستان برگزار شد به موضوعاتی همچون دسترسی جمعیت هلال احمر به سامانه اطلاعات مددجویان شهرستان برای پیشگیری از مزایای کاری، شناسایی افراد نیازمند در روستاهای بخش مرکزی، ارائه خدمات به روستائیان در قالب طرح کاروان سلامت به صورت مشترک میان جمعیت هلال احمر شهرستان و مجمع خیرین، شناسایی و معرفی خیرین جهت احداث پایگاه امداد جاده ای، سرمایه گذاری در امور عام المنفعه و... پرداخته شد.

رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان بافق گفت: مردم ما بر اساس اعتقادات دینی همواره به دنبال انجام امور عام المنفعه هستند که جمعیت هلال احمر و مجمع خیرین می توانند به عنوان پلی میان نیازمندان و توانمندان و خیرین عمل کنند.

وی ضمن تقدیر از مجمع خیرین شهرستان و مدیرعامل این مجمع، همکاری و هماهنگی جمعیت هلال احمر با مجمع خیرین به عنوان دو مرجع خدمت رسان را کام بزرگی در جهت تسکین آلام بشری و تکریم ارزش های انسانی دانست. □

زیارت امیر المؤمنین علیه السلام
در روز عید غدیر خم

آدرس سایت دریافت سوالات: chaharmahal.rcs.ir
باسخ نامه سوالات را به صورت فایل pdf به واتس آب
شماره ۰۹۱۳۶۷۵۲۷۳۶ ارسال نمایید.

آخرین زمان ارسال پاسخ نامه ۱۳۹۹/۰۵/۱۹



آیین تجلیل از زوجین هلال احمر استان چهار محال و بختیاری

« آیین تجلیل از زوجین جوان جمعیت هلال احمر استان چهار محال و بختیاری با حضور مدیرعامل، نماینده ولی فقیه، معاون امور جوانان، کارشناسان و شرکت ۵ نفر از جوانان این جمعیت که از سال ۹۸ موفق به ازدواج گردیده‌اند برگزار شد. محمدرضا عرب معاون امور جوانان جمعیت هلال احمر استان در ابتدای این آیین گفت: امروز توفیقی حاصل گردید به مناسبت ازدواج آسمانی مولای متقیان حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) به منظور ترویج فرهنگ ازدواج در بین جوانان که به صورت کاملاً ساده و به دور از هرگونه تجمل گرایی در خدمت شما جوانان جمعیت هلال احمر استان چهار محال و بختیاری باشیم.

امروز در خدمت ۵ نفر از مزدوجین جوان جمعیت هلال احمر به نمایندگی از ۵۴ زوج هستیم که از ابتدای سال ۹۸ تاکنون موفق به ازدواج شده‌اند که در این میان می‌توان به مشاورین جوان مدیرعامل محترم اشاره کرد که از بین همین جوانان عزیز می‌باشند. در ادامه حجت السلام والمسلمین علی اکبر جعفری مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان با مهم خواندن امر ازدواج گفت: اولین نکته‌ای که به ذهن هر انسانی خطور می‌کند این است که زمانی که تصمیم می‌گیریم که ازدواج کنیم و پیوند آسمانی مبارک رقم بخورد، مقدمه مسلمانی خود را فراموش کرده ایم.

جعفری افزود: حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرمایند کسی که امر ازدواج را ساده بگیرد و ازدواج نکند و تشکیل خانواده ندهد از مانیست. این سخن حضرت رسول نشان دهنده ارزش والای دین مبین اسلام است چرا که مسلمانی تنها ذکر شهادتین نیست بلکه مسلمانی اصولی دارد و دارای اهداف والایی می‌باشد که یکی از این اهداف امر مقدس ازدواج است.

در ادامه سید احمد مرتضوی فرد مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان ضمن تبریک به مناسبت ازدواج سراسر نور مولای متقیان حضرت علی (ع) و صدیقه کبری حضرت فاطمه (س) گفت: توفیقی حاصل گردید که به مناسبت این پیوند آسمانی که در هیچ جای دنیا چنین رخ داد سراسر نور و شمع را به خود ندیده است، در خدمت شما عزیزان جوان که به تازگی تشکیل خانواده داده‌اید باشم. آرزوی هر پدر و مادری این است که خداوند به آنها فرزندی صالح و سالم عطا کند و همچنین شاهد باروری و به ثمر نشستن آنها باشد که از ازدواج یکی از این آرزوهای ما باشد و شما موفق شده‌اید تنها یکی از این آرزوهای ما برآورده کنید.

مرتضوی گفت: یکی از بهترین مسائل زندگی زوجین درک متقابل است که باید نسبت به هم داشته باشند تا بتوانند زندگی به دور از تنش‌های روزانه داشته باشند. صداقت و راستگویی یکی دیگر از اصول اصلی زندگی است که شیرینی و حلاوت را دوچندان خواهد کرد، همان گونه که به خوبی می‌دانید اصول جمعیت هلال احمر با مسائلی چون تسکین آلام بشری، تکریم شخصیت انسان‌ها، صلح و دوستی بنا شده است می‌تواند راه‌گشای زندگی خوب برای جوانان باشد. در پایان با اهداء لوح تقدیر که از طرف دکتر همتی رییس جمعیت هلال احمر کشور از عزیزان جوان تجلیل به عمل آمد. □

برگزاری مسابقه زیارت نامه غدیریه در چهار محال و بختیاری

« به مناسبت دهه ولایت و امامت به همت دفتر نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهار محال و بختیاری مسابقه زیارتنامه غدیریه برگزار شد. به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان، حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر جعفری مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهار محال و بختیاری ضمن اعلام این خبر گفت: به مناسبت فرارسیدن ایام دهه ولایت و عید سعید غدیر خم و ترغیب همکاران و اعضای داوطلب جمعیت استان به تأمل در زیارتنامه غدیریه اقدام به برگزاری مسابقه‌ای با همین عنوان در فضای مجازی نمود.

جعفری در ادامه گفت: زیارت غدیریه از احتجاجات شیعه و خواندن آن در این ایام شایسته است و حاوی حجت مضامین عالیه بروایت و امامت امیرالمؤمنین (ع) به روایت امام هادی (ع) است. در این مسابقه به قید قرعه هدایی به شرکت کنندگان اهدا می‌گردد. □

دکتر همتی خبر داد

ارسال کمک به لبنان

دکتر همتی رئیس جمعیت هلال احمر

گفت: تیم امدادی و درمانی هلال احمر در لبنان مستقر می‌شود و با احصاء نیازها و مشکلات موجود، ارسال



محموله‌های امدادی به این کشور ادامه می‌یابد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای روابط عمومی جمعیت، دکتر کریم همتی گفت: پس از وقوع حادثه انفجار در لبنان و گفتگو با رئیس صلیب سرخ لبنان و رئیس منطقه شمال آفریقا (منا)، بلافاصله هماهنگی‌های لازم با سفیر کشورمان در لبنان برای ارسال کمک‌های فوری هلال احمر شامل کمک‌های دارویی و غذایی انجام شد.

دکتر همتی گفت: کمک‌های بشردوستانه هلال احمر به ظرفیت ۹۵ تن مواد غذایی و دارویی به همراه یک بیمارستان صحرایی آماده برای کمک به آسیب‌دیدگان حادثه، به وسیله ۲ هواپیمای باری به بیروت ارسال شد. بیشتر داروهایی که ارسال می‌شود ویژه حوادث این چنینی و شامل داروهای تروما، شکستگی و... می‌شود.

رئیس جمعیت هلال احمر با اشاره به اعزام تیم ۳۷ نفره درمانی هلال احمر شامل پزشکان متخصص و جراح، ارتوپد و بیهوشی گفت: تیم پزشکی ما اقدامات اولیه درمانی و عمل‌های جراحی انجام خواهند داد و علاوه بر آن ارقام زیستی با توجه به شرایط آب و هوایی منطقه و گرمای هوا، ارسال خواهد شد. علاوه بر این اگر امکان درمان مجروحان و مصدومان حادثه به دلیل کمبود امکانات در لبنان میسر نباشد، تعدادی از بیماران برای ادامه روند درمان به ایران منتقل می‌شوند.

دکتر همتی با تأکید بر اینکه بیشترین کمک‌ها ارقام دارویی و زیستی خواهد بود افزود: اگر در منطقه حادثه دیده نیاز به اسکان اضطراری وجود داشته باشد جمعیت هلال احمر ایران آماده کمک‌رسانی و اعزام امدادگران متخصص به این کشور است.

وی با بیان این که هماهنگی‌های لازم برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی انجام شده است گفت: در این زمینه فراخوان عمومی نداریم و فقط شماره حساب جمعیت هلال احمر به اعضا و خیران جمعیت داده شده است.

رئیس جمعیت هلال احمر تأکید کرد: به محض جمع‌آوری کمک‌های خیران و اعضای هلال احمر که در شهرهای مذهبی اعلام آمادگی کرده‌اند، کمک‌ها در قالب یک پرواز به لبنان ارسال خواهد شد.

وی گفت: امیدواریم با حضور پررنگ هلال احمر به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران باری از دوش مردم آسیب‌دیده لبنان برداشته شود. □

در جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری تأکید شد

فراخوان جوانان هلالی برای تولید محتوا در فضای مجازی

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری بر اهمیت اجرای برنامه‌های فرهنگی در این مجموعه به شرط رعایت پروتکل‌های بهداشتی و تخصیص اعتبار تأکید کرد.



جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری در خصوص اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ایام شهادت و ولادت ائمه علیهم السلام، برنامه‌های دهه ولایت و عید سعید غدیر با حضور مدیرعامل و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان و اعضای این شورا برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین جعفری در این نشست با تسلیت به مناسبت وفات شهادت گونه امدادگر فداکار خدمت سید محمد مهدی حسینی و اشاره به اهمیت برنامه‌های فرهنگی؛ گفت: یکی از جوانان و امدادگران با اخلاق و بسیار کوشا در عرصه امدادگری از بین ما پرکشید و به دیار باقی شتافت و ابدی شد. وی در ادامه گفت: مشکلات و گرفتاری‌های همه ما نشأت گرفته از دوری از خدا و دین مبین اسلام است و اعمال ما نیز در این مورد بسیار مهم و اساسی است.

حجت الاسلام والمسلمین جعفری یادآور شد: برای هرانسانی چندین دلیل وجود دارد که از معنویات و دیدار حضرت مهدی موعود (عج) دور می‌شود که می‌توان به تجاوز به حقوق دیگران، ظلم، قتل و... اشاره کرد.

در ادامه این جلسه سید احمد مرتضوی فرد مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان با اشاره به برگزاری جلسات شورای فرهنگی و لزوم استفاده از آن گفت: شورای فرهنگی شأن والایی داشته و نباید مصوبات این جلسات صرفاً معطوف به مصوبات اجرایی شود که در این زمینه پیشنهاد می‌شود در این نشست در کنار فعالیت‌های اجرایی سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ نیز مورد توجه قرار گیرد.

مرتضوی در ادامه گفت: با توجه به اینکه مشکل اصلی جامعه و کشور بیماری منحوس کرونا است باید تمام امکانات خود را در مبارزه با این ویروس آماده کنیم و در کنار اینها با استفاده از ظرفیت فضای مجازی فعالیت‌های خود را پیش ببریم.

مرتضوی خاطر نشان کرد: بسیاری از برنامه‌های ابلاغی از طرف جمعیت مرکز به دلیل بیماری کرونا قابل اجرا نیستند که باید راهکاری مناسب برای این کار مشخص کرد که یکی از این برنامه‌ها استفاده از فضای مجازی و مشارکت دادن جوانان و داوطلبان و امدادگران برای تولید محتوا در این عرصه است. □

خدادادی گفت: جمعیت هلال احمر فراتر از وظایف اداری فعالیت می‌کند و نگاه جامعه نیز به گونه‌ای است که انتظار ویژه‌ای از این جمعیت دارد. مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان خوزستان، با اشاره به ضرورت بازتاب بین‌المللی این حرکت ایثارگرانه و بشردوستانه، عنایت آرزغ را مخاطب قرار داد و گفت: جوانان نیاز به الگوهای ماندگارند تا از این حرکت تاسی بگیرند.

خدادادی افزود: من امیدوارم با بازتاب بین‌المللی این حرکت از سوی رسانه‌ها این امر محقق شود، همان طور که اتفاق‌های شبیه به این حرکت در کشورهای دیگر با بازتاب جهانی پیدا می‌کند. در کشورهای دیگر افرادی بودند که این قبیل کارها را انجام داده‌اند و رسانه‌ها با بازتاب فراوان حرکت صورت پذیرفته، فرد امداد رسان را به اسطوره و قهرمان مبدل کرده‌اند.

وی در پایان ضمن تقدیر از تلاش و شجاعت مثال‌زدنی عنایت آرزغ در حادثه کلینیک سینا گفت: از همه اعضای داوطلب جمعیت هلال احمر انتظار می‌رود با الگو گرفتن از این حرکت‌های ایثارگرایانه در خدمت به عزیزان نیازمند که در شرایطی سختی قرار گرفته‌اند تلاش و ممارست کنند.

آرزوی داوطلب فداکار؛ دیدار با مقام معظم رهبری

حجت الاسلام والمسلمین محمد انصاری نیز در مراسم تجلیل از عنایت آرزغ جوان فداکار رامهریزی که با شجاعت و تلاش توانست جان جمعی از هموطنان گرفتار در حریق کلینیک سینا را نجات دهد، گفت: این کار خالصانه و مخلصانه رقم خورد، شاید نظیر چنین کارهایی را در طول تاریخ هزار چند گاهی شاهد باشیم اما این که یک بار این حرکت برجسته و مطرح می‌شود این از سوی خدای متعال است چرا که یک جوان ساده و بی‌آلایش بارها کردن کار و کسب خود و بدون آن که لحظه‌ای به مادیات فکر کند به نجات جان مردم گرفتار شده در کلینیک سینا شتافت و فقط به فکر جان انسان‌های مؤمن بود و این جای تبریک دارد.

مسئول دفتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خوزستان افزود: واقعاً من به این عمل ایشان غبطه می‌خورم و این را حقیقتاً یک توفیق از جانب خداوند می‌دانم که ان شاء الله مستدام و مستمر باشد. وی در ادامه و خطاب به عنایت آرزغ گفت: جنس این نوع کار از جنس همان آرزویی است که داشتید که دیدن مقام معظم رهبری و ادامه راه سردار شهید سلیمانی است.

حجت الاسلام والمسلمین انصاری با تأکید بر این که هیچ رویکرد مادی و هیچ تعلق و انتظار مالی در این حرکت شجاعانه وجود نداشته است، این اقدام را بسیار مثبت و آرزوی دیدار با رهبری را نشان دهنده همان نیت پاک و خالصانه عنوان کرد.

عنایت آرزغ جوان فداکار رامهریزی که با تلاش و شجاعت خود در حادثه آتش سوزی کلینیک سینا جان جمعی از هم وطنان گرفتار شده در ساختمان را نجات داد، طی مراسمی به عضویت در جمعیت هلال احمر استان خوزستان درآمد و به جمع فرشتگان نجات پیوست. □



در مراسم تقدیر با حضور مدیرعامل و مسئول حوزه نمایندگی ولی فقیه در خوزستان

جوان رامهریزی فداکار در امداد رسانی به کلینیک سینا عضو هلال احمر شد

در مراسمی از عنایت آرزغ، جوان رامهریزی که در حادثه آتش سوزی کلینیک سینا با نجات جان افراد گرفتار شده در ساختمان کلینیک، خوش درخشید، تجلیل شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از روابط عمومی جمعیت در استان خوزستان؛ با حضور مدیرعامل، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و جمعی از مدیران و اعضای جمعیت هلال احمر خوزستان از فداکاری این جوان خوزستانی که در آتش سوزی مرکز کلینیک سینا اطهر جان چند نفر را نجات داد تجلیل شد. علی خدادادی در این مراسم گفت: تلاش شما در حادثه آتش سوزی کلینیک سینا در هیچ قالبی نمی‌گنجد زیرا حرکتی ایثارگرانه بود.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان خوزستان افزود: نکته حائز اهمیت و نقطه عطف این حرکت، دل‌بری از مادیات و به مخاطره انداختن جان خود برای نجات جان دیگران است و این تداعی کننده یک ارزش است که از شهدا به ارث برده ایم و نشان دهنده حرکت‌های ایثارگرانه و از خودگذشتگی است.

وی افزود: ساختار جمعیت هلال احمر یک ساختار داوطلب محور است و افراد در این مجموعه به صورت داوطلبانه در زمانی که شرایط سخت و جان فرسا است (مثل سیل و زلزله و سایر حوادث) از جان گذشتگی می‌کنند لذا ارزشمندی فعالیت در این جمعیت آن است که از جان و مال خود می‌گذرند تا به نیازمندان کمک کنند.

توسط مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر خوزستان صورت گرفت

بازدید از مسجد سلیمان و لالی

رئیس جمعیت هلال احمر مسجد سلیمان از حضور حجت الاسلام
و المسلمین انصاری مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت
هلال احمر استان خوزستان در این شهرستان خبر داد.

حسین مولایی با اعلام این خبر اظهار داشت: در دیدار صمیمانه حجت
الاسلام و المسلمین انصاری مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت
هلال احمر استان خوزستان با اعضای هلال احمر مسجد سلیمان در
مورد مسائل و مشکلات شهرستان گفتگو و بررسی شد تا برای رفاه حال
امدادگران پیگیری لازم صورت بگیرد.

وی بیان داشت: در ادامه این سفر مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در
جمعیت هلال احمر استان با حجت الاسلام و المسلمین امینی امام جمعه
شهرستان مسجد سلیمان دیدار و گفتگو کرد. در این جلسه درباره معرفی
بیشتر هلال احمر و شناساندن اهداف این جمعیت صحبت شد.

رئیس جمعیت هلال احمر مسجد سلیمان بیان داشت: در پایان از انبار
امدادی، سینما و پایگاه بین شهری امداد و نجات جاده ای امام موسی
کاظم (ع) مسجد سلیمان هم بازدید صورت گرفت.

همچنین رئیس جمعیت هلال احمر لالی از بازدید مسئول دفتر نمایندگی
ولی فقیه هلال احمر خوزستان از هلال احمر این شهرستان خبر داد. به
گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان خوزستان، رضاضایی
میرقائد در این باره اظهار کرد: به مناسبت دهه کرامت و بازدید و سرکشی
از شعب هلال احمر استان، جمعیت هلال احمر لالی میزبان حجت
الاسلام و المسلمین محمد انصاری، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در
جمعیت استان خوزستان بود.

وی افزود: در این بازدید، حجت الاسلام و المسلمین انصاری علاوه بر دیدار
از ساختمان اداری از بخش های مختلف شعبه از جمله انبار امدادی،
سالن ورزشی، اتاق تجهیزات امداد و نجات و سالن کنفرانس بازدید کرد.
رضائی میرقائد گفت: مسئول دفتر حوزه نمایندگی ولی فقیه، در نشستی
صمیمی که با پرسنل این شعبه داشت، ضمن تبریک دهه کرامت،
ولادت با سعادت حضرت معصومه (س) و میلاد با سعادت حضرت امام
رضاع (ع)، از پرسنل و اعضای جمعیت هلال احمر لالی، جهت برگزاری
برنامه های خوب و جالب توجه و انعکاس آنها که در سطح شهرستان
برگزار می شود، تقدیر و تشکر ویژه ای به عمل آورد.

وی اضافه کرد: در این نشست، حجت الاسلام و المسلمین انصاری با
اعلام این خبر مسرت بخش که جمعیت هلال احمر لالی در جذب اعضای
فعال و نیروی داوطلبی بیشترین ثبت سامانه را در سطح استان داراست
گفت: تنها جذب افراد کافی نیست و باید از پتانسیل ها و ظرفیت های
نیروهای داوطلبی در تمامی زمینه های ملزوم هلال احمر استفاده شود.

رئیس جمعیت هلال احمر لالی بیان کرد: در پایان این بازدید و دیدار،
مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت استان توصیه کرد همه این
کارها و برنامه های آموزشی باید هدف خاصی را دنبال کنند و آن هم تسکین
آلام بشری، هدایت اعضا به سمت و سوی خدا و کسب رضای اوست. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر خوزستان تاکید کرد

هلال احمر خوزستان پیش قراول عرصه فرهنگی

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در
جمعیت هلال احمر خوزستان با بیان

اینکه امروز متأسفانه یکی از پراسیب ترین
کشورها در دنیا نسبت به استفاده از فضای
مجازی کشور ماست گفت: جمعیت هلال
احمر استان خوزستان پیش قراول عرصه



فرهنگی شده است. حجت الاسلام و المسلمین محمد انصاری در آیین
افتتاحیه طرح غنی سازی اوقات فراغت شوق رویش بیان کرد: در
شرایطی که بسیاری از سازمان های مربوطه، ارگان های فرهنگی و
متولیان امور فرهنگی که باید برای غنی سازی میلیون ها جوان و نوجوان
در شرایط فعلی کشور برنامه ریزی کنند، می بینیم که جمعیت هلال احمر
خوزستان پیش قراول این عرصه شده است.

وی افزود: یکی از مسئولیت های ذاتی هلال احمر افزایش آموزش های
کمک های اولیه عمومی و آگاه سازی همه شهروندان نسبت به نیازهای
امدادی خود است و پیوند زدن این وظیفه ذاتی با اقداماتی نظیر
غنی سازی اوقات فراغت بسیار مفید و مؤثر خواهد بود.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خوزستان ادامه
داد: امروز متأسفانه یکی از پراسیب ترین کشورها در دنیا نسبت به استفاده
از فضای مجازی کشور ماست در حالی که آمار استفاده از این فضا و تلفن
همراه در کشورهای نسبتاً توسعه یافته مانند انگلستان و... حدود ۴۵
دقیقه الی ۱ ساعت است اما در کشور ما به ۱۵ الی ۱۶ ساعت رسیده است.

حجت الاسلام و المسلمین انصاری ضمن تقدیر و تشکر از اجرای این طرح
عنوان کرد: یک جنبه مثبت دیگر این طرح پیوند آن با آموزه های دینی و
فرهنگ اسلامی و ایرانی خواهد بود. امسال تفاوت این طرح با سال های
قبل این است که آموزش های ارائه شده را با رویکرد ایفای نقش این
عزیزان آموزش دیده در مراسم محرم و از همه آنها مهمتر در مراسم و
رویداد کم نظیر اربعین سید و سالار شهیدان است. □

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا با بیان اینکه خانم‌ها همیشه در تاریخ ایران و حتی قبل از ظهور اسلام جایگاه خاص و ویژه‌ای داشتند، تصریح کرد: با ظهور اسلام تمام دستورات دینی به نام کلمه مقدس مادر معطوف شد و جایگاه زن در دین مبین اسلام تقویت و تحکیم شد. روایات بسیاری از اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده است که بر جایگاه بلند مادر صحنه گذاشته‌اند.

وی افزود: نگاه ویژه اسلام به بانوان را می‌توانیم در بیانات پیامبر اعظم (ص) درباره دخترگرامیشان حضرت زهرا (س) به خوبی مشاهده کنیم. در قرآن کریم نیز خداوند متعال اشاراتی به بانوانی که منشأ خیر و برکت بوده و در تاریخ جاودانه شده‌اند داشته و از آنها به نیکویی یاد نموده است. بانوان بزرگواری مانند حضرت مریم، حضرت هاجر، حضرت آسیه و حضرت آمنه تاریخ‌ساز بوده‌اند و جایگاه رفیعی را دارا هستند.

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا در ادامه با بیان اینکه خانه و خانواده مفهومی بنیادی در تربیت اسلامی است و نباید احترام بین زن و شوهر از بین برود، اضافه کرد: در خانه‌ای که صلح، صفا و صمیمیت از بین رود، کودکان به درستی تربیت نمی‌شوند. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل با اشاره به اینکه وظیفه خانم‌های شاغل دو چندان است، اظهار کرد: این بانوان هم مسئولیت اداری و هم مسئولیت همسری و مادری دارند.

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا با اشاره به اینکه زنان شاغل هیچ وقت نباید از وظائف خانوادگی غفلت کنند، ادامه داد: زن و شوهر برای همدیگر لباس هستند و در شرایط مختلف رفتارهای متفاوت برای یکدیگر ابراز کنند تا مسائل همدیگر را با هم حل کنند. وی اضافه کرد: زن و شوهر باید به حرف همدیگر گوش کرده و به همدیگر احترام بگذارند.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل هم گفت: جایگاه زنان در جمعیت هلال احمر استان اردبیل کمتر از حضور آقایان نیست و گاهی حتی قویتر از آقایان ظاهر شده‌اند. رامین معبودی اضافه کرد: این گفته‌ها یک ادعا نیست بلکه از هر نظر قابل اثبات است که هر جا به بانوان مسئولیت داده‌ایم، به خوبی از عهده آن کار برآمده‌اند. این مسئول با بیان اینکه بانوان در برنامه‌ها، حوادث و مسائل اجتماعی جمعیت هلال احمر دوشادوش آقایان حرکت کرده‌اند، اضافه کرد: در بحث کرونا بانوان در بخش تهیه ماسک، توزیع، بسته بندی و حتی حمایت مالی نقش غیرقابل انکاری داشتند.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اردبیل اظهار کرد: جمعیت هلال احمر استان اردبیل در سال‌های مختلف در زمینه عفاف و حجاب جزو دستگاه‌های برتر استان شناخته شده است و این نشان می‌دهد بانوان شاغل در این جمعیت به بحث عفاف و حجاب اهمیت ویژه‌ای قائل هستند.

یادآور می‌شود در پایان این نشست که با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار شد از بانوان شاغل در جمعیت هلال احمر استان تجلیل به عمل آمد. □



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل:

زن در اسلام و در تاریخ ایران منزلت رفیعی دارد

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل در نشست حجاب و عفاف این جمعیت گفت: دشمنان نظام و انقلاب اسلامی به دنبال سوءاستفاده از حجاب و عفاف زنان هستند.

حجت الاسلام والمسلمین سید علی فاطمی نیا افزود: دشمنان جهت مبارزه با خانواده‌برنامه‌ریزی می‌کنند و ترانها این است که



قداست کلمه مقدس مادر را بشکنند. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اردبیل گفت: شان، مقام و منزلت زن در اسلام و در عرف و تاریخ ایران مشخص و آشکار است و وقتی صحبت از زن و خانم می‌شود همه به فکر حجاب می‌افتند که یک مساله دینی است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در هلال احمر استان ایلام خبر داد

اجرای برنامه‌های فرهنگی در فضای مجازی



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر ایلام از اجرای برنامه‌های فرهنگی در شرایط شیوع کرونا، ویژه خانواده‌های کارکنان و امدادگران هلال احمر این استان خبر داد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین الیاسی در گفتگو با این پایگاه ضمن بیان اینکه برنامه‌های فرهنگی هلال احمر استان ایلام اکنون با رویکرد بهره‌گیری از ظرفیت فضای مجازی در حال پیگیری است گفت: دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان ایلام با همکاری کانون‌های طلاب این جمعیت اقدام به اجرای برنامه مدون و منظم فرهنگی - مذهبی در بین کارکنان امدادگران و نجاتگران هلال احمر کرده است.

وی افزود: در ایام شیوع ویروس کرونا، فضای مجازی و همچنین ماندن خانواده‌ها در منازل فرصتی شد تا آموزش‌ها و موضوعات فرهنگی را به خانه‌های کارکنان، نجاتگران و داوطلبان هلال احمر منتقل کنیم.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان ایلام، برگزاری مسابقات متنوع از طریق بستر فضای مجازی ویژه کارکنان و خانواده‌های آنان را یکی دیگر از فعالیت‌های دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر ایلام دانست و افزود: برگزاری مسابقات هنری، مقاله نویسی، کتاب خوانی و نقاشی از جمله مهم‌ترین آنهاست.

حجت الاسلام والمسلمین الیاسی با تشریح فعالیت کانون‌های طلاب هلال احمر این استان به فعالیت ۱۶ کانون طلاب در استان ایلام اشاره کرد و افزود: در حوزه هلال احمر در ۸ کانون برادران و ۸ کانون خواهران این استان فعالیت می‌کنند.

وی به نقش تاثیرگذار کانون‌های طلاب در اجرای برنامه‌های فرهنگی امدادی اشاره کرد و گفت: کانون‌های طلاب در شرایط شروع کرونا، فعالیت‌های گسترده زیادی داشته‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به جمع‌آوری، بسته بندی و توزیع کمک‌های مؤمنانه ویژه‌ی نیازمندان استان اشاره کرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان گیلان با تاکید بر نقش آفرینی روحانیون در عرصه فعالیت‌های اجتماعی گفت: بر همین اساس تشکیل قرارگاه سوانح و بلايا در موضوعات اجتماعی به صورت هدفمند و منسجم در دستور کار دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان قرار گرفته است.

حجت الاسلام والمسلمین الیاسی در پایان با قدردانی از خدمات و تلاش‌های شبانه روزی نجاتگران فداکار جمعیت هلال احمر خاطر نشان کرد: باید تلاش کرد تا با ارائه آموزش‌های لازم به طلاب عضو کانون‌های هلال احمر، شرایط حضور آنان به عنوان نجاتگرا فراهم کنیم تا در کنار فعالیت‌های عامل المنفعه طلاب، از ظرفیت تبلیغی آنان برای اشاعه معارف اسلامی در بین نجاتگران و امدادگران نیز بهره ببریم.

برنامه‌های دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر
استان ایلام به مناسبت هفته عفاف و حجاب

از مقاله نویسی تا حفظ حدیث

به مناسبت هفته عفاف و حجاب برنامه‌های متنوعی در جمعیت هلال احمر استان ایلام برگزار شد. به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان ایلام، مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان ایلام در جلسه اختتامیه این برنامه‌ها بر ارائه آموزش‌های احکام به صورت چهره به چهره ویژه پرسنل در جمعیت هلال احمر استان و برگزاری برنامه‌های فرهنگی و مذهبی در فضای مجازی تاکید کرد. علی اصغر علی اکبری در این جلسه برای تمامی هموطنان و به ویژه کارکنان جمعیت هلال احمر در استان که به بیماری کرونا مبتلا شده‌اند آرزوی سلامتی و بهبودی کردند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان ایلام نیز گفت: ۸ سال متوالی جمعیت هلال احمر به عنوان دستگاه برتر در حوزه اقامه نماز انتخاب می‌شود. حجت الاسلام والمسلمین الیاسی ضمن تبریک هفته عفاف و حجاب به کارکنان جمعیت هلال احمر استان بیان کرد: علرغم شرایط کرونا برنامه‌های مذهبی و فرهنگی بسیار خوب و متنوعی در فضای مجازی برگزار شد.

وی گفت: مسابقات بسیاری از جمله مقاله نویسی، خاطره نویسی، نقاشی، حفظ آیات قرآن، حفظ احادیث به مناسبت‌های مختلف ویژه پرسنل و اعضاء جمعیت هلال احمر از جمله برنامه‌هایی بود که در فضای مجازی و به دلیل شرایط کرونا در جمعیت هلال احمر استان برگزار شد. □

برپایی جلسه شورای فرهنگی هلال احمر استان کرمانشاه

جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر این استان با محوریت دهه امامت و ولایت با حضور مدیرعامل، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و اعضاء شورای فرهنگی برگزار شد.

در این جلسه حجت الاسلام والمسلمین حسن آبادی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و رییس شورای فرهنگی جمعیت استان ضمن تاکید بر اهتمام به برنامه‌ریزی منظم امورات فرهنگی در ایام کرونا با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و تبریک دهه امامت و ولایت، به بیان مطالبی از کلام وحی و روایات معصومین (ع) در تبیین جایگاه ولایت و امامت در هدایت به سر منزل مقصود پرداخت.

دکتر معتمدی مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه نیز ضمن تبریک دهه ولایت و امامت بر لزوم اشاعه فرهنگ اسلامی و بکارگیری آن در همه امور تاکید کرد و افزود: در امور فرهنگی علاوه بر اینکه می‌تواند همه معاونین و روسای شعب تابعه جمعیت استان پای کار باشند می‌بایست زمینه حضور بیشتر اعضاء، امدادگران، داوطلبان و پرسنل جمعیت استان را فراهم آوریم. □

برپایی نشست شورای فرهنگی هلال احمر استان تهران



« به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان تهران با حضور مدیرعامل، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و دیگر اعضا، نشست شورای فرهنگی هلال احمر استان تهران با دستور جلسه بررسی چگونگی برگزاری هیئت امدادگران حسینی در ایام محرم برگزار شد.

در این نشست که هدف اصلی آن هماهنگی بیشتر برای برگزار هیات امدادگران حسینی (ع) با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی بود، حجت الاسلام و المسلمین مرتضی سلطانی اظهار کرد: حفاظت از سلامتی داوطلبان و کارکنان و نیز مخاطبان عام این جمعیت، از اصلی ترین وظایف هلال احمر است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان تهران ادامه داد: در ایام عزاداری شهادت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) باید به گونه ای پیش رویم که مراسم های عزاداری با شور خاصی و با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی برگزار شود.

وی افزود: در برگزاری مراسم های عزاداری می بایست پروتکل های بهداشتی رعایت شود و در فضای مناسب و بالاخص فضاهای باز، مراسم عزاداری ویژه هیات امدادگران حسینی که سالهاست در هلال احمر استان تهران برگزار می شود، برگزار گردد.

حجت الاسلام سلطانی در پایان بیان کرد: به امید پروردگار متعال، پرچمی که سال ها است برافراشته شده است، موظفیم به دلایلی همچون شیوع ویروس کرونا به زمین نگذاریم، ولی این مراسم عزاداری را با رعایت پروتکل های بهداشتی و همچنین با حفاظت حداکثری از سلامت هموطنان و عزارداران برگزار خواهیم کرد.

مدیرعامل هلال احمر استان تهران نیز در این جلسه نیز ابراز امیدواری کرد تا بتوانیم با ایجاد فضایی مناسب و با رعایت پرتکل های بهداشتی ابلاغی از سوی وزارت بهداشت، هیات امدادگران حسینی رو همچون سال های گذشته و در دهه اول محرم برگزار نماییم.

در بخش بعدی هریک از اعضا نظرات خود را ارائه و تأکید شد مراسم عزاداری محرم در فضای باز برگزار شود و مصوب گردید این مراسم، امسال به دلیل شرایط خاص شیوع ویروس کرونا، در فضای باز پارکینگ ستاد هلال احمر استان تهران و با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی و فاصله گذاری مناسب اجتماعی و با مشارکت خیرین و کارکنان، از ساعت ۱۸ ایام دهه اول محرم برگزار گردد.

همچنین بهنام حجتی نیز به عنوان دبیر جدید ستاد اقامه نماز هلال احمر استان، حکم خود را دریافت کرد. □



به همت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان تهران برگزار شد

طرح غدیریه مهرعلوی آیین مهرورزی و دوستی

« به مناسبت دهه ولایت و عید سعید غدیر در جمعیت هلال احمر طرح غدیریه مهرعلوی، با هدف تقویت صمیمیت و ایجاد اخوت در بین خانواده ها و اقوام با همکاری خانه های هلال برگزار شد.



این طرح در راستای ترویج اندیشه غدیر و تقویت مهرورزی و دوستی در جامعه برگزار شده است. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان تهران از برگزاری این طرح در دهه ولایت خبر داد و گفت: با توجه به اهمیت موضوع مهرورزی و دوستی در جامعه و تأکیدات دین مبین اسلام بر رعایت این امر و همچنین سیره امیرالمؤمنین (ع) این طرح در دستور کار قرار گرفت و لذا در پاسداشت این دهه و به منظور فرهنگسازی و ترویج اندیشه غدیر طراحی شد.

حجت السلام والمسلمین سلطانی، در توضیح این طرح افزود: ما شیعیان با اقتدا و تأسی به آن بزرگواران پیمان اخوت را در روز عید غدیر خم در مساجد می بندیم، زیرا احساسمان این است که با این حرکت شیعیان مهر و محبتشان نسبت به همدیگر بیشتر و این سنت در جامعه رواج یابد. بنابراین یکی از اقداماتی که ما نیز در طرح غدیریه مهرعلوی دنبال می کنیم، مسامحه و صلح میان افراد و قومیت های است که با هم اختلاف و کدورت دارند.

بنا به گفته این مقام مسئول هدایای نیز از سوی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان تهران برای اقوام و خانواده های هدف و همکاران فعال در این طرح در نظر گرفته شده است. □

حجت الاسلام والمسلمین واعظی
در مراسم گرامیداشت هفته حجاب و عفاف
در استان آذربایجان شرقی:

مردان هم باید در گفتار و رفتار عقیف باشند



« مراسم گرامیداشت هفته حجاب و عفاف با حضور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و مدیرعامل هلال احمر استان آذربایجان شرقی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی، در این مراسم که در نمازخانه هلال احمر برگزار شد، حجت الاسلام والمسلمین واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان آذربایجان شرقی با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای مسجد گوهر شاد مشهد گفت: خداوند متعال در قرآن به حجاب امر کرده و رعایت حجاب و عفاف برای زنان مسلمان لازم و ضروری بوده و از طرفی حجاب و عفاف مختص زنان نیست بلکه مردان هم بایستی در گفتار و رفتار و نگاه حجاب داشته باشند. وی با اشاره جریان حضرت آدم در بهشت ادامه داد: خداوند متعال با حجاب می خواست آبروی آدم را حفظ کند ولی شیطان با وسوسه های خویش به دنبال بردن آبروی آدم بود.

حجت الاسلام والمسلمین واعظی در ادامه به ناهنجاری های اجتماعی از قبیل فروپاشی خانواده در جوامع غربی و از بین رفتن جایگاه مادر پرداخت و گفت: به تعبیر امام راحل از دامن زن است که مرد به معراج می رود، و پشت هر مرد موفق زنی موفق نهفته است، بنابراین بایستی خانم ها به امر مقدس مادری اهتمام ورزند و از این امر شریف به هر دلالی غفلت نورزند.

دکتر حمید حسین پور مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان نیز در این مراسم با تاکید بر رعایت شئون اسلامی و تکریم شعائر مذهبی گفت: همکاران جمعیت هلال احمر بایستی همان گونه که برای امداد و نجات و وظایف اداری اهتمام می ورزند به ترویج شعائر مذهبی و اقامه نماز و رعایت حجاب و عفاف بیش از پیش اهتمام بورزند تا رحمت و عنایت خداوند متعال شامل حال ما شده و بتوانیم در انجام وظایف انسانی و بشر دوستانه خویش به لطف الهی موفق عمل کنیم. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر لرستان تأکید کرد

بهره گیری از توان فرهنگی جمعیت در تبیین سیره اهل بیت



« جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر لرستان در خصوص دهه امامت و ولایت برگزار شد. این نشست با حضور مدیرعامل و معاونین ستادی با دعوت رئیس شورا و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر لرستان حجت الاسلام والمسلمین، پیروز فرد در دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت استان برگزار شد. حجت الاسلام والمسلمین پیروز فرد، مسئول شورای فرهنگی جمعیت استان ضمن خیر مقدم و خوشامدگویی به حاضرین و تبریک دهه امامت و ولایت بیان کرد: باید تمامی امکانات و توان فرهنگی جمعیت استان در جهت معرفی و شناخت هرچه بیشتر نسبت به ذوات مقدسه ائمه اطهار (ع) خصوصاً امام زمان (عج) و معرفت نسبت به ابعاد و زوایای زندگی پر خیر و برکت آن بزرگواران به کار گرفته شود.

وی با اشاره به افتتاح خانه های هلال در دهه امامت و ولایت افزود: افتتاح و فعالیت این مراکز داوطلبی و امدادی می تواند یک گام اساسی در جهت آموزش و بالا بردن سطح آماجگی و توان امدادی جامعه در حوادث و بلایای مختلف باشد. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه با اشاره به برگزاری مسابقات مختلف فرهنگی کتبی و مجازی برای کارکنان و اعضاء در این دهه افزود: در پایان دهه به برگزیدگان این مسابقات و برنامه های فرهنگی جوایز نفیسی اهداء می شود.

لازم به ذکر است طرح مسابقات قصه گویی غدیر توسط هر یک از اعضای خانواده کارکنان و ارسال فایل یا کلیپ آن از طریق فضای مجازی و همچنین برگزاری مسابقات نقاشی با موضوع بیعت ویژه کودکان زیر ۱۱ سال، راه اندازی پویش مجازی «در روز عید غدیر چکار می کنیم؟» و همچنین تهیه و توزیع کمک های مؤمنانه در دهه امامت از دیگر برنامه های شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر لرستان در دهه ولایت است. □



برمی‌گردد، گام مهمی در جهت تقویت بنیان‌های فرهنگی در جمعیت است.

او وجود دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان‌ها را از دیگر امتیازات فرهنگی جمعیت هلال احمر برشمرد و با اشاره به اثرگذاری فرهنگی و نظارتی این دفتر در روند فعالیت‌های جمعیت، افزود: در فرآیند تأسیس خانه‌های هلال از جمله ۴۶ خانه هلال و نزدیک به ۵۰۰ خانه داوطلب در استان فارس و همچنین نظارت بر فعالیت‌های این خانه‌ها، دفتر نمایندگی ولی فقیه نقش مهم و موثری دارد.

درویشی با قدردانی از اقدامات ستاد برگزاری نماز جمعه شیراز در جریان سیل فروردین ماه ۹۸ و اسکان اضطراری مسافران در مسجد جامع شهدای این شهر، گفت: مسجد جامع شهدا قابلیت و استانداردهای لازم را برای قرار گرفتن در فهرست ثبت شده مراکز اسکان اضطراری کلانشهر شیراز دارد.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر فارس در ادامه از ارتباط گسترده اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان و زنان خانه دار با ستاد برگزاری نماز جمعه شیراز سخن گفت و از آمادگی جمعیت هلال احمر برای برگزاری کلاس‌های آموزشی با رویکرد امدادی و فرهنگی ویژه جامعه هدف یاد شده خبر داد.

او با استقبال از پیشنهاد پوشش امدادی و ارائه خدمات مربوطه به نمازگزاران جمعه در شیراز توسط اکیپ‌های جمعیت هلال احمر، تصریح کرد: امضای تفاهم‌نامه همکاری با ستاد برگزاری نماز جمعه شیراز این انتظار از جمعیت هلال احمر را برآورده خواهد کرد.

پل ارتباطی هلال احمر با حوزه‌های علمیه

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر فارس نیز با ابراز خورسندی از برگزاری جلسه مشترک شورای فرهنگی این جمعیت با ستاد برگزاری نماز جمعه و مدیریت حوزه‌های علمیه استان، این نشست را به مثابه یک مانور فرهنگی تشبیه کرد و گفت: شناخت و اشراف آیت الله دکتر دزکام نماینده ولی فقیه در استان فارس و امام جمعه شیراز از مأموریت‌های جمعیت هلال احمر فرصت مناسبی برای تعامل و همکاری دوسویه به ویژه در زمینه فعالیت‌های فرهنگی، امدادی و آموزشی است.



تفاهم‌نامه همکاری هلال احمر فارس با مدیریت حوزه‌های علمیه استان امضا شد

افتتاح خانه هلال در مسجد جامع شهدای شیراز

شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر فارس به میزبانی ستاد برگزاری نماز جمعه شیراز برگزار شد. اعضای شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر فارس در نشست مشترک با رئیس و دست‌اندرکاران ستاد برگزاری نماز جمعه شیراز و مدیریت حوزه‌های علمیه استان، ضمن تشریح دیدگاه‌های فرهنگی و مأموریت‌های سازمانی این جمعیت و انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با امضای مدیرعامل، خانه هلال را در مسجد جامع شهدای شیراز در جوار حرم مطهر شاهچراغ (ع) افتتاح کردند.

مدیرعامل جمعیت استان در این نشست با تبریک دهه کرامت و زادروز حضرت احمد ابن موسی (ع)، به اقدامات فرهنگی این جمعیت اشاره و اظهار کرد: مادر جمعیت هلال احمر فارس جلسات فرهنگی ماهانه برگزار می‌کنیم و تمامی برنامه‌ها پیش از اجرا به لحاظ کیفیت، محتوایی و اهداف و نتایج قابل انتظار به تصویب می‌رسند.

حسین درویشی حضور و فعالیت داوطلبانه تعداد قابل توجهی از اعضای جوان، امدادگرو داوطلب در جمعیت هلال احمر را یک فرصت مغتنم توصیف و بیان کرد: بخش مهمی از برنامه‌های فرهنگی جمعیت هلال احمر به این قشر آینده‌ساز اختصاص دارد به ویژه آنکه تأسیس کانون‌های طلاب جوان در حوزه‌های علمیه که سابقه فعالیت آنها به زلزله بم



برگزاری مسابقه کتابخوانی در جمعیت هلال احمر فارس

« به مناسبت هفته حجاب و عفاف مسابقه کتابخوانی در جمعیت هلال احمر فارس برگزار و به نفعات برگزیده همزمان با میلاد باسعادت امام هادی (ع) جوایز نقدی اهدا شد. با همکاری مشترک دفتر نمایندگی ولی فقیه و شورای امر به معروف و نهی از منکر و در قالب مصوبه شورای فرهنگی این جمعیت، به مناسبت هفته حجاب و عفاف، مسابقه کتابخوانی با موضوع «حجاب عزت است یا اسارت؟» بین کارکنان و اعضا و داوطلبان در سراسر استان برگزار شد. این مسابقه به صورت آنلاین در ۲۶ شعبه شهرستانی و حوزه ستادی جمعیت هلال احمر فارس برگزار شد و کارکنان، داوطلبان، جوانان، امدادگران و نجاتگران در فرصت تعیین شده با یکدیگر به رقابت پرداختند.



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر فارس با اشاره به برگزاری مسابقه این کتاب در سطح کشوری، گفت: شورای فرهنگی این جمعیت مسابقه مذکور را با هدف تبیین آثار مثبت حجاب و شرح وظایف آقایان و بانوان در این خصوص از دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) در سطح استانی برگزار کرد. حجت الاسلام والمسلمین علیرضا بهادری درباره محورهای کتاب «حجاب است یا اسارت؟» اظهار کرد: احکام نگاه به نامحرم، حجاب و چادر، بایدها و نبایدهای سخن گفتن، زینت و آرایش، راه رفتن، تعلیم و تعلم و کار کردن بانوان به انضمام احادیث نبوی و سایر ائمه هدی (علیهم السلام) در مورد وظایف بانوان و آقایان، وظایف مرد نسبت به زن، حفاظت از حجاب و پوشش و غیره محورهای اصلی این کتاب را شامل می شود. حجت الاسلام والمسلمین بهادری با بیان اینکه حجاب و پوشش کامل، امر خدا و شارع مقدس است افزود: حفظ حجاب و عفاف برای حفاظت از شرف، کرامت و مصالح عمومی انسان ها، امری ضروری و معروفی موکد است. وی ادامه داد: در راستای تبلیغ و ترویج معروف «حجاب و عفاف» و مبارزه با منکر بی حجابی مسابقه کتابخوانی یاد شده با همکاری شورای امر به معروف و نهی از منکر جمعیت هلال احمر فارس در بین بدنه کارمندی و داوطلبی برگزار گردید تا عموم مخاطبان ضمن تمرین کتابخوانی، با ابعاد این موضوع مهم بیشتر آشنا شوند. حجت الاسلام والمسلمین بهادری در پایان از اهدای جوایز نقدی به برگزیدگان این مسابقه کتابخوانی همزمان با میلاد باسعادت امام هادی (ع) و در آستانه عید سعید غدیر خم خبر داد. □

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا بهادری حرم مطهر شاهچراغ (ع) را نگین انگشتی شیراز به عنوان سومین حرم اهل بیت (ع) در ایران از سوی مقام معظم رهبری، سیاستگذاری فرهنگی و اجتماعی در استان فارس به ویژه شیراز را تعمیق و هدفمندتر از گذشته کرد.

بهادری افتتاح خانه هلال در مسجد جامع شهدای شیراز را در راستای همین اقدام فرهنگی دانست و افزود: سعی ما این بوده است که با افتتاح خانه هلال در این مسجد و همچنین امضای تفاهم نامه همکاری، یک پل ارتباطی بین جمعیت هلال احمر و ستاد برگزاری نماز جمعه و مدیریت حوزه های علمیه در استان فارس، در ذیل سیاست های فرهنگی سومین حرم اهل بیت (ع)، ایجاد کنند.

□ منشاء خیر برای عموم مردم

رئیس ستاد برگزاری نماز جمعه در شیراز در نشست مشترک با اعضای شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر فارس گفت: جمعیت هلال احمر رسالت ارزشمندی برعهده دارد و تلاش این جمعیت در کمک به نیازمندان و آسیب دیدگان حوادث مختلف، آن را منشاء خیر برای عموم مردم قرار داده است. فخارزاده با اشاره به وجه مردمی ستاد برگزاری نماز جمعه، از تلاش این ستاد برای استفاده بهینه از ظرفیت سازمان ها و دستگاه های اجرایی خبر داد و در ادامه به فعالیت های همسو با جمعیت هلال احمر و انتظارات ستاد از جمعیت پرداخت.

او با بیان اینکه در جریان سیل فروردین ماه ۹۸ شیراز ۸۰۰ مسافر در مسجد جامع شهدای این شهرستان اسکان داده شدند، افزود: این مسجد ۲ هزار متر مربع فضای مسقف دارد و یکی از بهترین مکان ها برای اسکان اضطراری محسوب می شود. فخارزاده با استناد به ظرفیت یاد شده، از آمادگی ستاد برگزاری نماز جمعه شیراز برای اختصاص فضایی مناسب جهت انبار نمودن وسایل و تجهیزات امدادی خبر داد و اضافه کرد: این انبار در حوادث کمک شایان توجهی به اهداف امدادی جمعیت هلال احمر خواهد کرد.

رئیس ستاد برگزاری نماز جمعه شیراز خواستار استقرار اکیپ های امدادی جمعیت هلال احمر در کنار اورژانس در زمان برگزاری نماز جمعه شد و این مورد را برای امداد رسانی فوری به بیماران اورژانسی و یا حوادث پیش بینی نشده ضروری دانست.

فخارزاده همچنین از آمادگی این ستاد برای اختصاص فضا و تجهیزات آموزشی به جمعیت هلال احمر برای برگزاری دوره های آموزش امداد و کمک های اولیه و یا آموزش های فرهنگی به ظرفیت ۱۰۰ نفر خبر داد. او در پایان از توجه ویژه جمعیت هلال احمر به نیازمندان جامعه و اجرای طرح های بشردوستانه در حمایت از اقشار کم برخوردار قدر دانی کرد.

افتتاح خانه هلال در مسجد جامع شهدای شیراز و امضای تفاهم نامه همکاری مشترک بین جمعیت هلال احمر فارس و ستاد برگزاری نماز جمعه شیراز و مدیریت حوزه های علمیه استان، از دیگر برنامه های این نشست بود. □

آغاز ماجرا

حکایت از سال ۸۲ آغاز می‌شود. حکایتی تلخ که امیرمالدار را به دنیایی از غم فرا خواند. پدر و خواهر پنج ساله‌اش در یکی از محورهای مواصلاتی سطح کشور دچار سانحه تصادف می‌شوند. پدر در همان صحنه تصادف دارفانی را وداع می‌گوید. خواهر پنج ساله در حالی که با درد دست و پنجه نرم می‌کند از طریق آمبولانس به بیمارستان منتقل می‌شود اما متأسفانه در مسیر انتقال او هم جان می‌سپارد. حال امیرمالدار علی‌رغم اینکه ۱۸ سال در غم خواهر و پدر می‌سوزد، پا در میدانی بزرگ می‌گذارد و تلاش می‌کند که با اقدامی خدایسندانه راه را بر این چنین اتفاقاتی ببندد. از این رو برای ساخت پایگاه امداد و نجات بین شهری چاهداشی از توابع نهبندان مبلغ هنگفتی را مایه می‌گذارد تا با این اقدام گامی برای تسریع عملکرد نیروهای امدادی در صحنه‌های حوادث شود.



هدفم تنها خدمت به مردم است

این خیرنیکوکار هدفش را خدمت به خلق دانست و گفت: نهبندان از جمله شهرستان‌های محروم بوده که در زیرساخت‌های امدادی هم دارای عقب ماندگی‌هایی است. مالدار امداد داد: پدرم سال ۸۲ در صحنه تصادف در یکی از محورهای مواصلاتی کشور جان خود را از دست داد و خواهر پنج ساله‌ام در مسیر انتقال به بیمارستان جان باخت. وی با بیان اینکه ایجاد این چنین پایگاه‌هایی باعث افزایش سرعت عملکرد نیروهای امدادی در صحنه حوادث می‌شود، افزود: امیدوارم با مشارکت در ایجاد این پایگاه بتوانم خدمتی کوچک به مردم ارائه کنم. مالدار با بیان اینکه امیدوارم این حوادث برای هیچ خانواده‌ای رخ ندهد، اظهار کرد: حتی اگر ایجاد این پایگاه باعث نجات جان یک نفر هم شود، اجر و ثواب بالایی خواهد داشت.

آشنایی با خیر خراسانی

از داغ دل محبت روئید

گفتن و نوشتن از مردان بزرگ تاریخ آسان نیست چرا که درک افرادی که از جان و مال برای دیگران مایه می‌گذارند، دشوار است. افرادی که مثالشان اندک نیست اما در لایه لایه رفتاری‌های جامعه مغفول مانده و کمتر کسی پیرامون آنها می‌گوید و می‌نویسد. امیرمالدار نمونه‌ای از انسان‌های بزرگ است که از دردهایش برای دیگران مرهم ساخته است. فردی که دلی بزرگ به پهنای تاریخ دارد و در کنار جنگ با غصه‌های درونش، از خود انسانی بزرگ ساخته است.

پیشرفت ۴۰ درصدی پایگاه

مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان جنوبی هم در حاشیه بازدید از این پروژه بیان کرد: پایگاه امداد و نجات بین شهری چاهداشی در زمینی به مساحت سه هزار و ۸۰۰ متر مربع و ۲۵۰ متر زیربنا احداث می‌شود. محمد رضایایی از پیشرفت ۴۰ درصدی پروژه خبر داد و افزود: امید است بتوانیم این پروژه را در دهه فجر سال جاری به بهره‌برداری برسانیم. وی اعتبار هزینه شده برای ساخت این پروژه را ۳۴۰ میلیون تومان عنوان کرد و افزود: از این میزان ۱۲۰ میلیون تومان توسط خیرنیکوکار تأمین شده است. مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان جنوبی بیان کرد: اتمام پایگاه امداد و نجات بین شهری چاهداشی نیازمند ۷۰۰ میلیون تومان اعتبار بوده که همکاری فرمانداری شهرستان، دیگر دستگاه‌های متولی و خیرین را می‌طلبد. وی با بیان اینکه نیروهای امدادی چاهداشی در ساختمانی اجاره‌ای مستقر هستند، گفت: در حال حاضر سه پایگاه امدادی در نهبندان فعال بوده و مجوز احداث دو پایگاه جدید برای این شهرستان اخذ شده است. □



برندگان شماره ۲۱



- باقرسالم، گیلان، املش ۰۹۳۷۰۱۸۶**۰
- هادی قاسم پور، آذربایجان شرقی، تبریز ۰۹۱۴۴۰۸۶**۴
- مریم نوروزیان، لرستان ۰۹۱۶۵۱۸۰**۹
- شهره موحد، تهران ۰۹۱۲۶۳۸۵**۴
- علی رضا دولتشاهی، سمنان ۰۹۱۶۶۶۹۴**۵
- یاسرملک حسینی، ایلام ۰۹۱۸۸۴۱۶**۷
- معصومه باوری، آذربایجان غربی، خوی ۰۹۱۴۱۶۳۲**۷
- فرزاد محمدیان، چهارمحال و بختیاری، شهرکرد ۰۹۱۳۷۰۳۹**۵
- مهری سهراب زاده، همدان ۰۹۱۸۶۷۴۸**۹
- الیه تاج پور، کرمان ۰۹۱۳۳۹۸۸**۳
- احسان کمری، لرستان، خرم آباد ۰۹۱۶۹۸۴۶**۴
- سید محمد عقیلی، گلستان، گمیشان ۰۹۱۱۹۴۷۴**۵
- عبدالحمید قلی دهنه، گلستان ۰۹۱۱۳۶۹۴**۰
- دلبرکریم پور بخشندی، آذربایجان غربی ۰۹۰۳۳۹۷۸**۱
- تهمینه قادری، خراسان جنوبی، درمیان ۰۹۱۵۲۶۵۷**۳
- مریم دریایی، مرکزی ۰۹۱۸۹۶۳۱**۳
- ثریا محمودیان، تهران ۰۹۱۲۵۰۳۶**۶
- فاطمه زهرا ظهیری، خراسان جنوبی، فردوس ۰۹۱۵۳۳۴۷**۷
- زهرا شهبازی، قم ۰۹۹۰۴۶۵۷**۶
- فاطمه فراهانی، مرکزی ۰۹۳۵۲۵۶۹**۶
- یوسف شیری، اردبیل، گرمی ۰۹۱۴۱۵۸۳**۵
- محمد حامد علی ویسی، ایلام ۰۹۱۸۸۴۶۴**۱
- محمد علی هاشم پور، آذربایجان شرقی، مرند ۰۹۱۴۱۹۰۸**۴
- زینب آتشی، بوشهر ۰۹۱۷۸۷۵۳**۹
- محدثه سادات علامه، قم ۰۹۳۸۴۴۳۷**۳
- محمد خانپور آذربایجان شرقی، هشترود ۰۹۱۴۸۶۹۵**۱
- حسین حجی زاده، خراسان شمالی، اسفراین ۰۹۹۰۳۶۷۴**۲
- عباس ترکاشوند، همدان، نهاوند ۰۹۱۸۸۵۰۱**۱
- مهدی حیدری فارسانی، چهارمحال و بختیاری ۰۹۱۳۲۸۰۳**۸
- اکبرپردلی اسفندقه، کرمان ۰۹۱۳۷۱۳۳**۸
- ابوالفضل فلاح، یزد، مهریز ۰۹۱۳۵۲۰۸**۲
- امید جندقی، خراسان رضوی، کاشمر ۰۹۱۵۱۳۲۸**۳
- مینا زارع، بوشهر ۰۹۳۸۰۵۴۱**۵
- سید مجتبی اسدزاده، کهگیلویه و بویر احمد ۰۹۱۲۰۵۵۰**۷
- عبدالرحیم رهنما، فارس، زرین دشت ۰۹۱۷۷۳۲۶**۴
- ارمغان طاهری، فارس، ارسنجان ۰۹۳۸۲۹۰۵**۲
- فلور جاسمی، کردستان، سنندج ۰۹۱۸۶۴۵۹**۶
- محمد گلعداز، خراسان رضوی، کاشمر ۰۹۱۵۸۲۲۰**۱
- حسین سماک مقدم نژاد، گیلان، بندرانزلی ۰۹۱۱۹۸۸۸**۱
- مجتبی کاظمیان، اصفهان، خورویا بانک ۰۹۱۳۳۲۳۲**۰

باشگاه مهروماه



پایگاه اطلاع رسانی
حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

ارتباط مستمر و مداوم با مردم

اخبار و گزارش ها ؛ یادداشت و مقاله ها
و صفحه اختصاصی دفاتر استانی
نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

www.nvhelal.ir





زمان ارسال پیام تا ۱۰ مهر

« مسابقه پیامکی مروان »

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهرماه می‌توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش‌های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۰۴۸۶۶۴۴۰۰۰ ارسال کنند.

پاسخ شما باید یک عدد ۸ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به‌طور مثال: در سؤال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سؤال ۲ گزینه شماره ۴ و در سؤال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰
ضمناً همراه عددهای ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت‌تان را قید کنید.

به برگزیدگان جوایزی اهدا می‌شود.



۱۰ مبنای اصلی آزادی در اسلام چیست؟

۱. عدالت ۲. توحید ۳. برابری ۴. اخلاق

۱۱ حدیث گرامی «عبودیت گوهری است که حقیقت آن خداوندگاری است» از کدام یک از ائمه بزرگوار است؟

۱. امام رضا (ع) ۲. امام سجاد (ع) ۳. امام صادق (ع) ۴. امام باقر (ع)

۱۲ کدام یک از نویسندگان زیر در خصوص امام حسین (ع) به موضوع وجه‌الله اشاره می‌کند؟

۱. شهید بهشتی ۲. شهید مطهری ۳. آیت‌الله جوادی آملی ۴. دکتر جعفر شهیدی

۱۳ معنای «کظم غیظ» چیست؟

۱. فرو خوردن خشم ۲. حلم ۳. خوشرویی ۴. آرامش

۱۴ کارگردان فیلم سینمایی «خروج» کیست؟

۱. مجید مجیدی ۲. علی حاتمی ۳. ابراهیم حاتمی‌کیا ۴. رضا میرکریمی

۱۵ موضوع کتاب «روزگار ملک» چیست؟

۱. مالکیت ۲. همیاری ۳. موزه‌داری ۴. وقف فرهنگی

۱۶ نویسنده کتاب «عالمگیر» کیست؟

۱. اسلاوی ژیزک ۲. ژاک لکان ۳. ژوزه ساراماگو ۴. آلبر کامو

۱۷ حدیث شریف «اندیشیدن راهنمای خردمند است و سکوت راهنمای اندیشیدن» از کیست؟

۱. امام کاظم (ع) ۲. پیامبر اکرم (ص) ۳. حضرت علی (ع) ۴. امام صادق (ع)



نذر سلامت

مشارکت‌های مردمی برای مقابله با کرونا در هیأت‌های عزاداری

برای پیوستن به پویش «نذر سلامت»
در سراسر کشور با اهدای مبالغ نقدی از طریق

#۱۱۲*۷۸۰*

یاریگر جمعیت هلال احمر برای کمک به
حفظ سلامت عزاداران حسینی باشید.



جمهوری اسلامی ایران



وسایل شخصی خود
را ضدعفونی کنید.

در صورت همراه داشتن
کودکان رعایت موارد
بهداشتی الزامی است.

در صورت عطسه یا
سرفه حتماً با دستمال
یا آرنج خود صورت خود
را بپوشانید.

حتی المقدور از
سرویس‌های بهداشتی
عمومی استفاده نکنید.

از خوردن و آشامیدن
(نظری‌ها) در زمان حضور
در مجالس و هیأت‌ها
خودداری کنید.

یک اسبیری ضدعفونی
کوچک به همراه داشته
باشید.

اگر تعهد ادای نذر
دارید توصیه می‌شود
حتی‌المقدور به شکل تهیه
ماسک و توزیع بین مردم باشد.

تلاش کنید از دستگاه‌های خودپرداز و
کارت خوان برای پرداخت نذورات استفاده شود.

اقدامات بهداشتی مقابله با کرونا در مراسم عزاداری محرم

استفاده از ماسک و
ترجیحاً محافظ صورت
(شیلد) در تمام مراسم‌ها
ضروریست.

از ماسک ساده یا
جراحی استفاده کنید.
ماسک‌های فیلتردار نزنید.

با خود ماسک اضافه
داشته باشید تا در صورت
خس و مرطوب شدن
ماسک آن را تعویض کنید.

از حضور در مراسم و
هیأت‌های سرپوشیده
خودداری شود.

در مراسم عزاداری
در محیط‌های باز،
فاصله فیزیکی خود را
با دیگران (از هر طرف
۲ متر) را رعایت کنید.

اگر جزو گروه
سفی افراد مسن و یا
افراد کم‌توان (دچار
بیماری‌های مزمن) هستید
در منزل عزاداری کنید و در مجالس
عمومی به هیچ وجه شرکت نکنید.

اگر تب و یا علائمی همچون عطسه،
آبریزش و سرفه دارید به مجلس عزاء و هیأت نروید.

www.rcs.ir

iranian_rcs

منبع: دستورالعمل‌های ستاد ملی مبارزه با کرونا

نذر سلامت

مشارکت‌های مردمی برای مقابله با کرونا در هیأت‌های عزاداری



نگیر

جدی بگیر

با همه گیری کرونا همه باید ماسک بزنیم